

بروتراهاى جهان متحد شويد!



مسائل بين المللى

۵

آذر - دى

سال ۱۳۶۲



انتشارات حزب توده ايران



an-archive.com

فهرست مقالات این شماره:

صفحه	عنوان	نویسندگان مقاله ها
۶-۴	به خوانندگان مجله	-
۱۹-۷	چکمی در برابر جریان زمان سبب ایجاد میکند	گس هال
۲۹-۲۰	از واقعیت جامعه آفریقایی بسوی آرمان سوسیالیستی	ژان پیر جیسترچیکا
۳۸ و ۲۹	خبرهای کوتاه	-
۳۸-۳۰	احیای دموکراسی خواست و اراده مردم است	طبع الرحمان
۵۳-۳۹	جنبش عدم تعهد: گرایشها و مستگیرها	ساردا میترا رستم سورتیان
۶۲-۵۴	جامعه اردن در شبکه تضادها	اسحق الخطیب
۷۱-۶۲	مجله و خوانندگان - نامهها	-

رفقای عزیز!

شماره ویژه سالگرد مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" انتشار یافت. درست یک قرن پیش از این در ستامبر سال ۱۹۵۸ مجله ما برای نخستین بار انتشار یافت. مجله توسط احزاب کمونیست و کارگری بمنزله نشریه ای تئوریک و اطلاعاتی، تربیون تبادل تجربه و وسیله تجزیه و تحلیل و تأمل و اندیشه مشترک در مسائل تازه ای که در برابر جنبش ما مطرح میگردد، تأسیس گردید. خود نام مجله سمت عمده موضوعاتی را که باید بدانها پرداخته شود تعیین کرد. این سمت، مبارزه در راه صلح، دموکراسی، آزادی ملی و ترقی اجتماعی است. ایجاد وسط و تکامل مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" همسنگی انترناسیونالیستی کمونیست ها و علاقه و تمایل آنها به یکپارچگی و وحدت را که سراسر کار و فعالیت جمع هیئت تحریریه بین المللی را در بر میگیرد تجسم بخشید. ما این علاقه و تمایل را بشما هم تجسم فراخوان آتشین بنیانگذاران کمونیسم ملی: "پرولتاریای جهان متحد شوید!" درک میکنیم.

و آورد مجله در مرتبه بیست و پنجمین سالگرد آن چیست؟

چندین هزار صفحه مجله مهمترین رویداد های نیمه دوم قرن بیستم، اوضاع و احوال پروسه انقلابی معاصر و نظریات کمونیست ها در باره جهان متغیر را بازگو میکنند. این نیز درجه اول حاصل زحمات احزاب برادری است که مجله را انتشار میدهند و نتیجه کار گروهی بنظر مؤلفین و نگارندگانی حقیقتاً بمقیاس جهانی است که بکلی احزاب برادر تشکیل گردیده است. سرنوشت آنها شرکت در دفاع از صلح، ساختمان سوسیالیسم، اشتراک در انقلابهای تازه و مبارزه با امپریالیسم بود.

مجله پس از یک ربع قرن در واقع تاریخچه دوران پیشرفت جنبش جهانی کمونیستی است که سرشار از رویداد های بزرگی میباشد و زمانی را در بر میگیرد که مواضع این جنبش همبازان جشعگیری استحکام یافته و ارج و اعتبار آن بمنزله پرنفوذ ترین نیروی سیاسی معاصر افزایش یافته است. این تاریخچه تغییراتی ژرف در جهان است که مؤکد این نکته میباشد که سمت کلی

در گرونی های بنیادی در دوران ما را گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم تعیین مینماید. گذاری که با انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر آغاز گردید و در زمینه تأثیر متقابل روز افزون سه جریان انقلابی یعنی سوسیالیسم جهانی، جنبش بین المللی کارگری و جنبش آزاد پیشخ ملی ادامه دارد.

این تاریخچه بسط و تکامل خلاق تئوری انقلابی بوسیله احزاب کمونیست و کارگری با اتکا به اندیشه های بزرگ ک. مارکس، ف. انگلس و و. ای. لنین است و آنها تئوری را با احکام و نتیجه گیریهای تازه بر پایه تجزیه و تحلیل تجربه خود و پراتیک مبارزه نیروهای انقلابی عمده دوران ما غنی تر میسازند. سرچشمه ای که شرحی ایدئولوژیک مجله بطور مستمر از آن مایه میگردد وحدت ناگسستی تئوری انقلابی و پراتیک انقلابی است.

جلسه مشورتی نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری که در فواصل معین تشکیل میگردد و نتایج فعالیت مجله و سمت های اساسی آن در دوره بعدی را مورد بررسی قرار میدهد، خط مشی "مسائل صلح و سوسیالیسم" را تهیه و تدوین میکند.

سمت عمده در صفحات نشریه بین المللی ما از همان آغاز دفاع از صلح و فعالیت علیه خطر جنگ بود. در هر یک از شماره های مجله شما مطالبی را می بینید که بدرک ریشه های اجتماعی پیکار نیروهای صلح و جنگ، سرشت ارتجاعی و اهداف سیاست میلیتاریستی امپریالیسم، اهمیت ابتکارات صلح کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی کمک میکنند. مجله بسط و تکامل بدو وقفه جنبش در راه صلح در سراسر جهان و اشتراک فعال کمونیست ها در آن و مبارزات آنان در راه وحدت تمام کسانی را که علیه خطر امپریالیستی فاجعه هسته ای فعالیت میکنند نشان میدهد.

راههای پیشرفت جامعه سوسیالیستی از موضوعات مرکزی انتشارات ما است. تکامل نظام نوپرونده مغرنجی است که وابسته به برطرف ساختن دشواریها و تضادها است. تجربه سوسیالیسم موجود رهنمودی برای انقلابهای کنونی و آینده است. مطالب مجله پراتیک متنوع ساختمان سوسیالیسم و همکاری چند جانبه احزاب و کشورهای برادر را، ضمن مرتبط ساختن توضیح این پروسه ها با افزایش پیکار طبقاتی در جهان، منعکس ساخته و تجزیه و تحلیل میکنند.

در نشریه مایه فعالیت کمونیست ها و طبقه کارگر کشورهای پیشرفته صنعتی و کشورهای در حال رشد توجهی مسترمدول میگردد. در ضمن مسائلی که در برابر احزاب کمونیست و کارگری مطرح میشود مشخص گردیده و هدیه های تازه اجتماعی در شرایط تشدید بحران عمومی سرمایه داری مورد بررسی قرار میگردد. چنین برخوردی در درجه اول در مقاله ها و مطالبی که به استحکام نیروهای ضد امپریالیستی، تجربه مبارزات کمونیست ها و تأثیر اندیشه های سوسیالیسم ملی در جنبش کارگری و آزاد پیشخ ملی اختصاص داده شده نمایان میگردد.

مجله به تحکیم و افزایش روابط انترناسیونالیستی احزاب برادر کمک میکند . مطالب مربوط به مسائل انترناسیونالیسم پرولتری و همبستگی بین المللی زحمتکشان و همچنین مقالات و مؤامرات با مقابل مبارزه برداشته در راه صلح ، آزادی ملی و ترقی اجتماعی این هدف را دنبال میکنند ، خود براتیکی کار جمع انترناسیونال مجله همبستن امر کمک میکند . کنفرانس های تئوریک بین المللی ، سیمپوزیوم ها " میزگرد ها " و سمینارهایی که مجله تشکیل میدهد به تبادل نظر خلاق کمونیست های کشورهای گوناگون یاری میرساند . طی یک ربع قرن بیش از ۱۶۰ بار از این قهبل مجامع ترتیب داده شده است .

در برابر " جنگ صلیبی " ضد کمونیستی که ارتجاع امپریالیستی ، اینک باشدت خاصی آغاز کرده است ، ما در صد آن هستیم که قدرت و کیفیت تصاعدی انتشارات " مسائل صلح و سوسیالیسم " که افشا کننده ایدئولوژی و تبلیغات پرزواشی و واقعیت زشت و کربه سرمایه داری است افزایش داده شود . در این نشریات ماهیت دروغ آمیز تبلیغات گمراه کننده کمونیستی و انواع نظریات درباره " جنگ روانی " علیه نیروهای صلح و ترقی اجتماعی افشاء میگردد . مجله میکوشد خوانندگان خود را برای مبارزه با صلیب تاریم و فاشیسم ، نواستعمار و تبعیض نژادی ، هژمونیسم و شوونیسم ملی از لحاظ ایدئولوژیک مجهز سازد .

اینهاست ، خطوط اساسی مشخص کننده سیمای نشریه ما که یکوش احزاب برادر در طول تمام راهی که طی کرده ، پدید آمده است . بیست حزب در ایجاد مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " اشتراک ورزید . در حال حاضر تعداد احزابی که بلا واسطه در مجله نمایندگی دارند تا ۶۵ افزایش یافته است . ربع قرن پیش از این مجله به ۹ زبان منتشر میشد ، اینک به ۱۴۵ زبان . در ضمن تقریباً نیمی از تیراژ مجله در جهان غیر سوسیالیستی به مصرف میرسد .

از تمام آنچه گفته شد ، آیا چنین بر می آید که کار و فعالیت مجله بدون دشواری ها و مشکلات جریان میابد و با توافق آراء کامل در باره تمام مسائل انجام میگردد و راه آسانی بوده است ؟ معلوم است که نه . زندگی بطور مداوم و وظائف چند جانبه پیچیده ، بیشتری را مطرح میکند و تأمل و سنجش تئوریک هم درباره تغییراتی که در جهان بوجود می آید و هم درباره مجموعه عظیم اشکال و شیوه های گوناگون مبارزه که با شرایط مشخص هر کشور معین میگردد (و از آنها رو به حرفه تجربه جهانی پیکارهای طبقاتی حاصل میشود) میطلبد . بطوریکه احزاب برادر را خاطر نشان میکنند و خوانندگان مجله مینویسند ، مجله همیشه موفق نمیشود بطوری فعالانه و در سطح لازم به مسائل براتیکی انقلابی که از نوید پدید می آید پاسخ دهد و تغییراتی را که در شرایط کنونی و در خصلت مبارزه طبقاتی بوجود می آید باندازه کافی و بطور کامل منعکس سازد . جمع انترناسیونال هیئت تحریریه

چه کسی در برابر جریان زمان سد ایجاد میکند

کس حال

دیوید گیل کمیته مرکزی حزب
کمونیست ایالات متحده
امریکا

درباره برخی از گرایشهای سیاست امپریالیسم امریکا

ایالات متحده در دوران ماکشوری است که به چند بحران دچار شده ، تضادها آنرا رنج میدهد و دستخوش تأثیرات گرایش های متضاد است . در همه جا بی ثباتی حکمفرماست و تغییرات گسسته به تحولات تکنیکی بدل میگردد . اما ، همچنانکه در روی خروشان دیده میشود که برخی جریان ها بر جریانهای دیگر مسلط است ، زندگی سیاسی بطور کلی در یک جهت گسترش و تکامل مییابد . امریکان و انحصارها به عبت تلاش میکنند در تابق نیمه شکسته خود برخلاف جریان و طایفه گرایش کلی آن پیش روند .

گرایشهای متضاد مقدم بر هر جای دیگر رزمه اقتصاد خود را نشان میدهند . اقتصاد امریکا مانند گذشته تحت تأثیر هلاکتبار بحران ها است . بحران کوتاه مدت - دوره ای بحران دراز مدت تر یعنی بحران عمومی ، پیوسته خرابی و بی ثباتی پایه های ساختار آن ادامه دارد . پدیده های همانند افزایش به سابقه سفارشات نظامی ، کاهش معین حجم فرآورده های کالایی ، کاهش آهنگ تورم و رونق معین کارهای معاطلاتی در صنایع ساختمان و اتومبیل سازی ، کوشی ارزهای را که آغاز رونق اقتصادی را پیش بینی میکند تأیید مینمایند . ولی بر سر راه رونق و ثبات دراز مدت اقتصاد موانع جدی وجود دارد .

بحران های ساختاری " بیماری " ایجاد میکنند باعث انحلال کامل عرصه های معینی از صنایع میشوند . سطح بیکاری مزمن هنوز خیلی بالا است . بطور مداوم برنامه های اجتماعی اقتصادی دولتی را کاهش میدهند . مبارزه در راه حقوق مدنی و برابری ، مبارزه برای ننگراسیون در مدارس و بهبود شرایط مسکن و مبارزه در راه حقوق انتخاباتی و " اقدامات مثبت " (۱) - یا ناکامی روبرو میشوند . از میزان اعتبارات برای تأمین نیازهای اجتماعی کاسته میشود . دستمزد واقعی قدرت خرید خود را از دست میدهد . صنایع کشور با کمبود سرمایه گذاری روبرو است . سهم ایالات متحده در بازارهای جهان کم میشود . بحران عمومی سرمایه داری جهانی تعمیق میگردد . تئوری پوپراتیک " اقتصاد ریگانی " همیزان قابل توجهی مانع احیای اقتصاد کشور است .

کاهش مالیاتی که از انحصارها گرفته میشود ، در عین افزایش شدید بودجه نظامی وام دولت فدرال را تا حد وید زیاد ی افزایش میدهد و همین سبب پرداخت درصد ویرج و امپارازید یاد پیدا میکند ، و همین دشواریهای اقتصادی تازه ای بوجود میآورد . قرض بسیار زیاد و روبه افزایش دولت مانعی جدی بر سر راه اندک بهبود شرایط اقتصادی دراز مدت است .

کنتراست های نظامی تمام رکورد های گذشته را شکسته است . ولی افزایش هزینه در عرصه تسلیحات فقط تأثیر رونق بخش کوتاه مدتی دارد . در ضمن کمی حجم رشته های نظامی - صنعتی جدید برای جذب نیروی کار از یک سو و تولیدات غیر نظامی از سوی دیگر متشاه عدم تعادل و توازن میگردد .

بدین ترتیب تأیید میشود که تدارکات نظامی نمیتوانند رستخیز اقتصاد ی ثابتی را تأمین کنند . و . ای . لنین که درست همین نکته را در نظر داشت ، بهنگام خود یاد آور شد که : " وقتی سرمایه داران برای دفاع ، یعنی برای دستگاه دولت کار میکنند ، روشن است که این نه سرمایه داری " خالص " ، بلکه نوع ویژه ای از اقتصاد ملی است . سرمایه داری خالص تولید کالا است . تولید کالا انجام کار برای بازار نامعلوم و آزاد است . در حالیکه سرمایه داری که برای دفاع " کار میکند " اهدا برای بازار " کار نمیکند " بلکه بنابه سفارش دولت ، و در موارد بسیاری حتی برای پولی که اصغر نزله اعتبار از خزانه دولت میگردد کار میکنند (۲) .

دولت ریگان بدون وقفه در تلاش آنست که برای ایالات متحده امریکا برتری نظامی نسبت

۱ - برنامه های " اقدامات مثبت " یک سلسله تدابیر سازمانی و اجتماعی - اقتصادی را پیش بینی میکند که بکمک آنها میتوان بی آمد های منفی تبعیض نژادی میان زحمتکشان را بر طرف ساخت .
 ۲ - و . ای . لنین ، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) ، جلد ۳۲ ، صفحه ۳۱۹ - ۳۱۸ .

به جامعه کشورهای سوسیالیستی دست و پا کنند . راه رسیدن به این هدف را ، دولت ریگان در موشک های " MX " و زیر دریایی های " ترایدنت " ، سلاح لیزر ، بمب افکن های " استلن " و همچنین در استقرار سلاحهای اتفی در فضای کیهانی می بیند .

یکی از عناصر اساسی سیاست خارجی دولت ریگان عملیات با اصطلاح مخفیانه ایست که در واقع عبارت از جنگهای اعلام نشده است . هدفهای مشخص این سیاست ساقط کردن دولت های قانونی کوبا ، نیکاراگوئه ، آنگولا و موزامبیک است . در عملیات جرابکارانه نظامیان امریکائی که در لباس سویل خود را مخفی کرده اند هر چه بیشتر شرکت میکنند . بنابراین صحبت بر سر تنقیض خشونت آمیز حقوق بشر ، موازین حقوق بین المللی و همچنین یک سلسله قوانینی است که کنگره به تصویب رسانده است . سیاست خارجی امریکا هر چه بیشتر واقعی ترین راهزنی را با خاطر میآورد . پشتیبانی و اشنگتن از دولت های فاشیست ، نژاد پرست و ملیتاریست و نیروهای ضد انقلابی در تمام جهان مقیاس بیسابقه ای پیدا کرده است . ایالات متحده امریکا ، اینک تخویل دهنده عمده اسلحه تهاجمی مدرن به دارو دسته های ضد خلقی است که در افغانستان ، موزامبیک ، آنگولا و سایر مناطق کره زمین عمل میکنند . آنها به رژیم های افریقای جنوبی ، سالوادور ، شیلی و گواتمالا همیزان زیاد و همجانیه ای کمکهای اقتصادی و نظامی میسرانند .

اسرائیل در خاور نزدیک مانند گذشته همانند کشور توسعه طلب امپریالیستی عمل میکند . در عین حال نقش روز افزونی هم بعنوان " نماینده " امپریالیسم امریکائیفا " میکند . تل آویوه جنگ نابود کننده علیه خلق فلسطین ادامه میدهد و واشنگتن در جریان این رویداد ها به ایجاد پایگاه های تازه در مصر ، لبنان و در سنا ادامه میدهد .

تدارک و انجام اقدامات ضد انقلابی پنهان و آشکار در سراسر جهان از طرف ایالات متحده امریکا ادامه بیسابقه ای یافته است . این عملیات علاوه بر سیا و چهار سازمان نظامی اکتشافی بوسیله ستاد مخفی که بطور اختصاصی پنتاگون ایجاد کرده انجام میگردد .

امپریالیسم امریکا در تمام مناطق جهان نقطه اتکا عمده نیروهای است که تلاش میکنند ساعت پروسه انقلابی جهانی را از کار باز داشته و قریه های آنرا به عقب بازگردانند . این مشی که بر شالوده روزهایی ضد شوروی استوار است ، اینک بیش از هر زمان دیگری با جریانها و گرایشهای اساسی که درون کشورها و خارج از آن گسترش و تکامل مییابد در تضاد است .

در این لحظه بحرانی درک دقیق اینکه که طرفدار صلح و که طرفدار جنگ است ، مبهم است . ولی برای آنکه درگیری نظامی آغاز نگردد فقط وجود یک طرف کافی است . واقعیات سرسختند . ماهم به بررسی آنها می پردازیم .

— اتحاد شوروی تعهد کرد در استفاده از سلاح اتمی پیش قدمی نکند . ایالات متحده آمریکا از قبول چنین تعهدی امتناع کرد .

— اتحاد شوروی قرارداد ۲ راضاء کرد و شرایط آنرا مراعات میکند . ایالات متحده آمریکا بدون هیچ پایه و اساسی اتحاد شوروی را به نقض این قرارداد متهم میکند و این در حالی است که سنای ایالات متحده حتی از طرح مسئله تصویب آن برای آن امتناع ورزید .

— اتحاد شوروی بطوریکطرفه ، علاوه بر کاهش تعداد افراد نیروهای مسلح معمولی از ذخایر موشک های هسته ای خود نیز کاست و بدین ترتیب نجات و مقاصد صلح و ستانه خود را نشان داد . ایالات متحده آمریکا به این اقدام با تولید انواع جدید و مخرب تر اسلحه و عملیات رزمی حیوانه پاسخ داد .

— اتحاد شوروی از هزین نظامی خود کاست . ایالات متحده آمریکا در نظر دارد در جریان سابقه تسلیحاتی طی پنج سال ۱۹۶۱ ترلیون دلار مصرف رساند .

— اتحاد شوروی پیشنهاد کرد قرارداد بیاضا* برسد که در آن فضای کیهانی ، فضای آزاد از سلاح هسته ای اعلام گردد . در او دسته ریگان سناریوی سودانی " جنگ های ستارگان " را تهیه می کند و میکوشد فضای کیهانی را از سلاح هسته ای مالا مال سازد و آنرا به میدان عملیات نظامی برای پایگاه های نظامی خویش مبدل سازد .

امپریالیسم آمریکا هنوز هم باین امید دلخوش است که از راه برتری هسته ای بدان چیزی دست یابد که بکام سلاح های عادی و حیطه تبلیغاتی ضد کمونیستی موفق به تحلق آن نگردد ، یعنی اینکه کار اتحاد شوروی را همان کار سیستم جهانی سوسیالیسم را بکمره نماید . این سیاست خطرناکی که بر تلاش برای بدست آوردن برتری نظامی و تدارک جنگ هسته ای " محدود " پایه گذازی شده محکوم به شکست است . ولی این سیاست در همین حال خطرناک بودی همگانی را نیز همراه دارد .

پیشنهاد چندی پیش شوروی در باره کاهش قابل توجه کلاهک های هسته ای و سیستم پرتاب آنها تا حدودی برابر بر یکمان بگانه پایه واقع بینانه و عادلانه برای مذاکرات است . ولی دولت ریگان که مواضع پیمانته در باره " ضرورت کاهش سلاح های هسته ای " بحث و گفتگو میکند مانند گذشته از خط مشی فاجعه آمیزی پیروی مینماید . تمام برچنانگی آن در باره " علاقه و تمایل به تأمین صلح " دروغ زورده استاری است که در میان افزایش هر چه بیشتر نیروی خود برای دست یافتن به برتری استراتژیک ایالات متحده و ایجاد ذخیره لازم بنظرو وارد آوردن " سره اول " جهان دارد .

در همین حال عوامل کاملاً متضادی وارد عمل میشوند . در مقابل ریگان نیم و " اقتصاد ریگانی " در ایالات متحده آمریکا جهیم همگانی خلق وجود دارد که در حال گسترش است . زمینهای کهنش رویارویی نظامی — سیاسی و تجاوززمتکی بر آن است که هوشیارید . این شش حتی طرفداران را در صفوف نمایندگان سرمایه انحصاری هم از دست میدهد . چهارنجم آمریکایی ها از پیشنهاد متوقف کردن تولید و استقرار تمام انواع سلاح هسته ای پشتیبانی میکنند . سندیگاها هر چه فعلاً نترس به جنبش " در راه صلح و محمل کار " می پیوندند .

مبارزات تبلیغاتی سال ۱۹۸۲ (۱) نشان داد که مقاومت در مقابل سیاست ریگان افزایش مییابد . در انتخابات بسیاری از نامزدهای انتخاباتی که متکی به حمایت از رئیس جمهوری بودند شکست خوردند . در مبارزه برای انتخاب شدن به ریاست شهرداری شهرهای بزرگی مانند بوستون فیلادلفی و شیکاگو اختلاف ضد ریگان که زحمتکشان ، کارگران و جنبش های شرقی را که زیر فشار و ستم نژادی وطنی قرار دارند ، متحد ساخته بود برکمانیکه در دستگاه ارتجاعی و وحشی ریشه های عمیقی در جامعه انداخته کرد .

در ردیف پدیدهای تازه ای که به جنبش در راه صلح نیروی محرکه تازه ای می بخشند ، میخواهم در کپیویش روز افزون فاکت های زیر از طرف مردم را نام ببرم :

— در صورت بروز جنگ هسته ای ایالات متحده آمریکا به هیچ وجه پناهگاه مطمئن نیست و — میان افزایش اعتبارات نظامی و دشواریهای اقتصادی وابستگی متقابل وجود دارد و

این امر مبارزه در راه صلح و کاهش بودجه نظامی خصلت مبرتر و راهمیت تری می باشد و — منشاء سابقه تسلیحاتی و تشدید خطر جنگ سیاست دولت ریگان است که هدف از

آن دستیابی به برتری هسته ای و تدارک جنگ هسته ای " محدود " است و — اتحاد شوروی نیروی است که خواهان صلح است و کشوری است که آماده انجام

مذاکرات جدی در باره خلع سلاح میباشد .

تحت تأثیر تمایلات صلحخواهانانه احوال و روحیه ضد امپریالیستی آگاهانه ای پدید میآید که محافل مختلف اجتماعی را هر چه بیشتر در بر میگیرد . در عرصه سیاسی جنبش هایی بوجود میآید که این گرایش را منعکس میکنند . قاطعیت و تحریک زیاد از مشخصات این جنبش ها است و آنها بطور هدفمند علیه سیاستی عمل میکنند که قصد آن سرنگون ساختن دولت های قانونی ، در درجه اول در

۱ — انتخابات با اصطلاح میان دوره ای در نظر است که در جریان آن تمام اعضای مجلس نمایندگان و یک سوم سناتورهای کنگرس ایالات متحده آمریکا و همچنین تعدادی از فرمانداران ایالات وارگان های شهری باید از نوبت انتخاب میشدند . هیئت تحریریه

کشورهائی است که هنوز از این آمد های هلاکتبار نواستعمار هائی نیافته اند .

این جنبش ها با قاطعیت بخصوص علیه مداخله بشیرانه ایالات متحده در امریکای مرکزی و سالوادور ، آنگولا ، گرنادا و موزامبیک اعتراض میکنند بطور فعال بمنبروهای ضد امپریالیست و آزاد بخش ملی در افریقای جنوبی ، شیلی و پورتوریکو کمک میسازند . سازمانهای مذهبی ، اعضای فراکسیون سیاهپوستان در کنگره و همچنین گروههای آزادی که از لحاظ اتنیک با کشورهای امریکای مرکزی و حوضه دریای کارائیب خوشاوندی دارند بشدت از آنها پشتیبانی میکنند .

تشدید احوال و روحیه ضد امپریالیستی گواه اعتراض علیه بهمدالتی و سیاست مداخله گرانه جنایت آمیز ایالات متحده امریکا است . مردم هر چه ظرف تر این را درک میکنند که دولت پسه سود شرکتهای ترانس ناسیونال امریکائی عمل میکند برای آنها امکان فراهم آورد تا در حاکمان کشورهای دیگر استثمار کرده و در آنجا سود و منفعت به جنگ آورند .

سازمان های مذهبی نیروی تازه ای در مبارزه در راه صلح میباشند . مواضع ضد جنگ ، ضد امپریالیستی و متحد و مدعی ضد نژاد پرستی که در چهارچوب اعتلای جنبش همگانی مردم بطور پیگیر مورد دفاع اکثریت این سازمانها است ، به پیدایش مراکز تازه مبارزه کمک میکند . اظهارات روشن آنها برای ایجاد محیط اخلاقی در پشتیبانی از تبلیغات گسترده در راه صلح ، برابری و عدالت اهمیت فراوان دارد . آنها نقش مهمی در ده های پائین جنبش در راه متوقف ساختن ذخیره سلاح هسته ای ایفا میکنند و در برابر گروهک های افراطی راستگرا و فاشیستی که خود را پشت نقاب مذهبی پنهان کرده اند ، بطور شش مقابله میورزند . صدای آنها در فضا از دموکراسی و علیه امپریالیسم پیروزه هنگامی بطور ساپگوش میرسد ، که مسئله به مقاومت در برابر سیاست تجاوزکارانه ریگان در امریکای مرکزی و جنوبی مربوط میشود .

در ماه سال جاری پیشوایان روحانی تقریباً ۵ میلیون امریکائی کاتولیک صراحتاً خواستار قطع تدارکات جنگی شدند . اسقف های کاتولیک در پیام خود به متدینین تحت عنوان " امر صلح : وصایای خدائی و پاسخ ما " ، که با ۲۳۳ رأی موافق در برابر رأی مخالف پسه تصویب رسید اعلام داشتند :

" ما باید تلاشهای راکتبرای قانونی کردن جنگ هسته ای بحمل میآید مرد و شناخته و خنثی سازیم . . . بنظر ما بکار بردن سلاح هسته ای برای مقابله با حمله ای را که بوسیله سلاحهای عادی صورت گرفته از لحاظ اخلاقی نمیتوان تیرقه کرد . موافقت ما با سیاست پشه سنی نکردن در استعمال سلاح هسته ای را در واقع بمعنی معنی باید ارزیابی کرد . . . اغلب دولت مابه بهانه دفاع از آزادی ارزشهای استبدادی پشتیبانی بعمل میآورد و خود به اقدامات ننگینی مبادرت

میرورد و فعالیت آن در جهت تأمین برابری حقوق تمام شهروندان کشور ما دارای نواقص فراوانی است . . . برای نجات تورهائی خود مان هم شده ما لا زمیمد انهم بر سر راه این نظریه که جنگ هسته ای را استراتژی دفاعی مؤثری بشمار میآورد مانع بوجود آوریم . مردم باید در مقابل افکار و اندیشه های پوچ و متذلل در مورد جنگهای هسته ای " ظفر نمون " و " توانائی اداه بهمات " پس از تبادل ضربه های هسته ای و استراتژی " جنگهای هسته ای فرسایشی " مستقیماً از خود مقاومت نشان دهند .

ت . ج . جمیعون یکی از رهبران باهتیمت ها که به ۶ میلیون نفر میسند اعلام داشت که او " در امر مقابله علیه مسابقه تسلیحات هسته ای به سایر لیدر های مذهبی کشور می پیوستد " . او همکیشان خود را به قرار گرفتن " در صفوف اول فعالیتی فراخواند که در راه صلح و بر آوردن نیازهای تهیدستان و در راه کمائی مبارزه میکنند که مورد تمهیز نژادی و ظلموستم قرار میگیرند " .

پیکار صلحی در راه صلح در کلیساهای اساسی پروتستانها نیروی تازه ای کسب کرد .

اتحاد جوامع مذهبی یهودی امریکائی که ۷۶۰ سیناگوگ (کشت) را در ایالات متحده امریکا و کانادا در بر میگیرد خواستار شد که در پشتیبانی از " متوقف ساختن قابل کنترل ذخیره سلاح هسته ای ایالات متحده و اتحاد شوروی اقدامات پر دامنه ای را سازمان دهند .

بدین ترتیب ، بانفوذترین گروههای مذهبی امریکائی به جنبشهای صلح دوست و به عداد روز افزون اتحادیه ها و سایر سازمانهای توده ای موجود در حال پیدایش مخالف جنگ پیوستند . صدای اکثریت اهالی بمسود صلح و علیه سیاست ملیتاریستی دولت ریگان هر چه رساتر گردید . با اساس کامل میتوان گفت : نظریه ای که در کلمات " صلح وظیفه عمده دوران ما است " فرمول بندی شده با استقبال اکثریت قریب قاطع افرادی که برخورد از عقل سلیم هستند رهبر شد .

اشترک هیئت نمایندگان امریکا که در حدود ۱۷۰ نفر از اعضای آن نماینده متنوع ترین قشرهای اکثریت صلح دوست بودند ، در مجمع جهانی " در راه صلح و زندگی ، علیه جنگ هسته ای " به امر فعالیت گوناگون و هر روز طرفداران صلح و همبستگی نیروی محرکه فراوانی بخشید . خصلت قاطعانه و سازش ناپذیر عملیات آنها از خصائص و مشخصات تازه و نمونه وارد موضعگیری آنها است . این واقعیت که در فکرواندیشه میلیونها تن از مردم برخی از ایده های اساسی درباره راههای واقعی دفاع از صلح تثبیت گردیده خود را در همین خصلت تازه نشان میدهد . نتایج بررسی چندین پیش افکار عمومی که بوسیله جمعیت سیاست خارجی انجام گردید نشان داد که ۸۲ درصد از پاسخ دهندگان خواستار انجام اقدامات با اتحاد شوروی در باره کنترل تسلیحات است و ۷۴ درصد خواستار متوقف ساختن فوری و متقابل ذخیره سلاح هسته ای است .

ج . اسمیت رئیس سابق وزارت کنترل تسلیحات و خلع سلاح بمنزله بیانگر نظریات نمایندگان واقع بین سرمایه انحصاری " راه بینابینی " حل مسئله موشکهای بابرد متوسط در اروپا را که ریگان پیشنهاد کرده مورد انتقاد قرار داد . اسمیت میگوید : " آنها تجربه گذشته بمانند ما موخته است که پیشنهاداتی که فقط بسود یکطرف است ما را به هیچ نتیجه ای نمیتواند برسانند و فقط باعث اتلاف وقت هستند ؟ "

تسلیمات پرداخته اید بولویژیک که دولت ریگان ، وسائل ارتباط جمعی بوزروائی و ناشران کتب و مجلات براه انداخته اند سرشار از آنتی کمونیسم و آنتی سوسیالیسم شده است . هنگام ارزیابی این آید های چنین گرایش باید در نظر داشت که مناسبات اتحاد شوروی و امریکایی از مسائل بنیادی سیاست جهانی است . تمام مضامین و تضاد های اساسی دوران ما در آنها متمرکز گردیده است . اگر به حق مطلب بنگریم باید اعتراف کرد که در واقع همین مناسبات سیاسی جهانی را که ما در آن زندگی میکنیم تعیین میکنند . اگر هم به اهمیت قضیه توجه کنیم فقط یک نتیجه گیری امکان پذیر است و آن اینکه موجودیت بشریت بمنزله یک نوع بولویژیک وابسته بدین است که در این عرصه چه راحل هایی پیدا خواهد شد . مسئله عمده ای که در برابر کشورهای و خلقها و احزاب مطرح است چنین است : شما طرفدار چه هستید ، طرفدار سیاست صلح و ستانه اتحاد شوروی یا مشی تجار و زکرا امریکا ؟

تمام تضاد ها و گرایشهایی که رویاروی یکدیگر قرار گرفته اند در انتخابات رئیس جمهوری که در آینده در نوامبر سال ۸۴ ، در ایالات متحده امریکا برگزار میگردد متمرکز میشود . نتایج انتخابات تا حدود زیادی وابسته به میزان یکپارچگی و اتحاد سازمان یافتگی و تشکل نیروهای گسترده ضد ریگان است . علاوه بر عواملی که در بالا یاد آور شدیم نیروی محرکه تازه ای به جنبش در راه صلح می بخشند ، باید چند پدیده دیگر را هم که به اعتلای موج جنبش توده ای همگامی در راه تحولات بنیادی کمک میکنند نام ببریم . پدیده های زیرین آزان جبهه است :

- هجوم چند جانبه انحصارها بر عرصه اقتصاد که موجب کاهش سطح زندگی میگردد و
- استفاده روز افزون طبقه حاکمه از تبعیض نژادی که از طرف دولت ریگان آشکارا تبلیغ میشود و آزان پشتیبانی بعمل میآید و
- درک فزاینده این واقعیت که بحران ساختاری پدیده ای در ازمند و حتی شاید مداوم است که شرایط زندگی و در درجه اول سطح بحرانی بیکاری و رکود صنایع را از پیش تعیین میکند و
- بیکاری توده ای و گرائی بهای نیازمندیهای زندگی و

- از دست دادن همگامی حسن اعتماد به فردا چه در محل کار و چه در خانه و
- درک افزایش باینده این موضوع که کشور قادر بر این نیست که مصالح عظیمی را به نیازهای جنگی اختصاص دهد و در همین حال سطح زندگی مناسبی را تأمین کند و
- از هم پاشیده شدن اینفرا استروکتور (ساختار زیربنایی) شهرها ، افزایش تعداد کسانی که خانه ندارند و تأسیسات عمومی در حال فروپاشی است .

- بدتر شدن سیستم آموزش و پرورش و افزایش بیسوادی و
- انحطاط سیستم دولتی بهداشت ، معضل بیماریان روانی و
- تشدید حسرت و امید در اکثر جوانان که زرافیده در شواربهایی است که آنها برای تحصیل پیدا کردن کار و تأمین زندگی شایسته متحمل میشوند و
- افزایش بیاس و عدم اعتماد نسبت به احزاب بهزیمن کلان و مقیاس وسیع فساد در تمام سطوح ادارات دولتی .

موج اعتلای توده ای فعالیت اجتماعی همانند رودخانه میس سی بی با جویها و جریانهایی بسیاری تکمیل میگردد که عناصر متشکله کنونی و آینده جبهه ضد انحصاری تمام خلق عمده ترین آنها است . نتایج انتخابات رئیس جمهوری آینده وابسته به وحدت آنها و این عامل است که تا چه اندازه خوب سازمان یافته باشند .

تأمین وحدت طبقه کارگر چند نژادی و چند ملیتی حلقه اصلی تشکیل جبهه ضد ریگان است . نظریه وحدت و استراتژی ائتلاف منبع عمدتاً نیرو در مبارزه در راه مساوات و برابری است . وحدت کمانی که مورد ستیم نژادی و ملی قرار گرفته اند ، وحدت سیاهان و سفید پوستان ، اختلاف طبقه کارگر با گروهها و جمعیت های افریقائی - امریکائی ، مکزیک و پورتوریکائی است .

مهمترین بخش این کار و مقابله با تبعیض نژادی است که هنوز زمان کارگران سفید پوست رایج است . تبعیض نژادی سلاح عمده ایدئولوژیک است که مانع پیدایش و تشکل آگاهی ضد امریکالیستی در آنان است . این پدیده در ایالات متحده امریکا جدیترین مانع در راه پیشرفت تفکر اجتماعی است . ولی ما که به طبقه کارگر باور داریم ، معتقدیم که میتوانیم بر تبعیض نژادی غلبه کنیم .

رویداد های اخیر نشان میدهد که برقم اقدامات رسمی و قضائی زهر تبعیض نژادی تا حدودی شدت تأثیر خود را از دست داده است . انتخاب ه. واشنگتن به سمت نخستین شهردار افریقائی - امریکائی شهر شیکاگو ، شهری که از لحاظ بزرگی فقط از نیویورک عقبتر است ، پیروزی و . هود در انتخابات مقدماتی شهردار در فیلادلفی ، مبارزات انتخاباتی ت. برادلی در کالیفرنیا

مبارزه ر. کلارك برای احراز کرسی در مجلس نمایندگان ایالات میس می بین وک . حال در ایالت ایندیانایان و همچنین تجدید انتخاب ر. ختچر رگری (ایندیانایان) (۱) گواه بر این مدعا است . نتیجه گیری عمده در این خلاصه میشود که اگر بشود تازه عمل گرد میتوان اختلاف بوجود آورد و در سختترین شرایط ، حتی اگر به شدیدترین حملات نژاد پرستان هم دچار شویم ، پیروز گردید . فرماندهان و فرماندهان نیروی مقاومت جنبش بوده ای میباشد . اعتراضات ، نمایشات و راه پیمائی ها و تائیکات آنها با کد و کابوی خلاق مشخص میگردد و در طول و عمق گسترش و تکامل میباشد . میتوان گفت که تمام قشرهای جمع فرمها با استثنای هیئت رهبری بیژن ارضی انحصاری باین جنبش جلب شده اند .

بهار سال جاری در مونتیا (ایالت آیووا) کنفرانس ملی فرمهای آمریکا که بابتکار جمعیت فرمهای ایالات متحده آمریکا فراخوانده شده بود تشکیل گردید . شرکت کنندگان در آن که از ۲۳ ایالات آمریکا و ایالت کانادا آمده بودند ، نمایندگان بیش از سی سازمان و ائتلاف فرموی بودند . کنفرانس اتحاد فرمهای آمریکای شمالی را پی ریزی کرد . مطالبی که در کنفرانس بیان شد و قطعنامه ای که به تصویب رسانید گواه درک عمیق ضرورت پایان بخشیدن مداخله واشنگتن در امور کشورهای آمریکای مرکزی ، پشتیبانی از پیشنهاد مربوط به متوقف ساختن ذخیره سلاحهای هسته ای ، کاهش بودجه نظامی و اختصاص دادن اعتبارات بسیاری برای ایجاد محل کار تازه است . کنفرانس اهمیت وحدت فرمها و کارگران را قاطعانه تأکید کرد و گامهای مشخصی برای دست یافتن بدان برداشت .

اتحاد فرمهای آمریکای شمالی ، نوبی جنبه واحد تمام فرمها است . اگر فرمها که بشکل گروههای جداگانه عمل میکردند ، پیش از این هم فعالیت و قاطعیت زیادی از خود نشان میدادند ، اینک با ایجاد چنین آلبانسی به نیروی بزرگ تری مبدل میشوند . به شرف رویدادها بدین صورت میتواند میزان چشمگیری منظره اوضاع سیاسی را تغییر دهد . فرمها و جمعیت های آنها واحد تازه مهمی از جنبه تمام خلق خواهند شد .

در ماه ژوئیه رویداد شایان توجهی در شیکاگو وقوع پیوست . در آنجا درکنگره ملی سراسری بیکاران که در آن ۵۰۰ نماینده از ۲۲ ایالت شرکت جستند ، تصمیم گرفته شد "کنگره ملی سازمان های بیکاران" تشکیل داده شود تا مبارزه قاطعانه ای بدفاع از منافع بیش از ۲۰ میلیون نفری

۱ - ه. واشنگتن ، و. هود ، ت. برادلی ، ر. کلارك ، ک. هال و ر. ختچر ، نامزد های انتخاباتی سیاهپوستان آمریکا که در پانزده سال ۱۹۸۲ در انتخابات ارگانهای محلی حاکمیت خود را کاندید کردند . هیئت تحریریه .

که پشت در رؤسای ادارات مانده اند دست زده شود . این نکته بسیار گویا و رسا است که یکی از شمارهای عمده این جنبش جدید این خواست بود : " محل کار بجای بصب ! " .

علاقه و اشتیاق به صلح در پیشنهاد های ویژه متوقف ساختن ذخیره سلاح هسته ای به روشنترین وجهی بازتاب می یابد . اکثریت قاطع آرای که درکنگره آمریکا به قطعنامه ای بسود چنین تصمیمی داده شد گواه بر این است . در مجلس نمایندگان کنگره فراکسیون سیاهپوستان در نخستین صفوف مبارزه علیه سیاست ملیتاریستی هسته ای قرار دارد . این فراکسیون بهانگر اراده اکثریت صلحدوست کشور است که جمعیت افریقائی - آمریکائی بخش جدائی ناپذیر آنرا تشکیل میدهد . رشد جنبش " در راه صلح و محل کار " هم گواه بر همین است . مشی جنگ طلبانه در دستگاه دولت بهیژان هرچه بیشتری به عامل عمدتاً شدیدی اعتمادی مردم به مقامات رسمی واشنگتن است .

درک این موضوع که برابری حقوق زنان وابسته به نیروی وحدت مقاومت در مقابل تعرض انحصارها و وابسته به جنبش نیروهای صلحدوست و مبارزه در راه وحدت سفیدپوستان و سیاهپوستان و تمام کسانی است که مورد ستم نژادی و ملی قرار میگیرند یکی از اطلای جنبش زنان به سطح بالاتری است . توده های مردم هرچه روشن تر درک میکنند که کاهش اعتبارات ساختن مسکن ، مؤسسات ویژه کودکان ، بهداری ، تأمین اجتماعی و امور فرهنگی بلاواسطه نتیجه سیاست رنگانی ها است .

جوانان ما ، نخستین نسل جوانی است که در برابر خطر واقعی هلاکت و نابودی در کابوس هسته ای قرار گرفته است . گوش در شوم تابوت بالای سر آن معلق گردیده و سایه هراسناکی بر تمام زندگی آن افکنده است که مهر و نشان دهشتناکی روی رزیایی حال حاضر ویژه آپنسد ه از طرف پسران و دختران میگذارد .

این نسل تحت تأثیر هر مهملک و فراگیر نژاد پرستی قرار گرفت که سرمایه انحصاری و دولت رنگان پراکنده است . اینک در برابر آن مسائلی مطرح میگردد که زائیده بدتر شدن سیستم دولتی آموزش و پرورش است . برای جوانان بر طرف ساختن مانع شهریه که در سر راه ادامه تحصیلات قرار دارد هرچه دشوارتر میشود . این نخستین نسلی است که با ارتش ریهوت هائی که جای کار انسانها را گرفته اند ، درگیر شده است .

در واقع این مجموعه شرایط معینی که تاکنون ناشناخته بود کاتالیزور گرایش نسل جوان به حل و فصل مسائل بنیادی میگردد . پیدایش جامعه جوانان کمونیست در جریان جشن ماه مه سال ۱۹۸۲ واکنش بلاواسطه نسبت به این مسائل بهمباقه بود .

انتخابات رئیس جمهوری سال آینده می تواند نقطه عطفی در پیشرفت کشور باشد .
 در گنجهای انتخاباتی در اطراف سیاست ارتجاعی دولت ریگان متمرکز میگردد . ولی این احتمال وجود دارد که رهبری حزب مخالف ، یعنی حزب دموکرات بکوشد مبارزات انتخاباتی را به یکسار لفظی بدل سازد و نخواهد " اقتصاد ریگانی " و سیاست خارجی ریهاروشی هسته ای را واقعاً بمبارزه بطلید . طرفداران و . موندیل (۱) در جبهه پردازی " جنگ سرد " بار بیگان سابقه گذاشته اند . چنین تاکتیکی ناگزیر به شکست نامزد های انتخاباتی مخالف ریگان می انجامد .

البته به نسبت تشدید مبارزات انتخاباتی موضع رهبران دموکراتها می تواند تا اندازه ای تغییر کند . ولی این فقط در صورتی بوقوع می پیوندد که موج جنبش توده ای بتواند باندازه کافی آنها را تحت فشار قرار دهد . و اینگونه اختلاف نظر در صفوف طبقه حاکمه تشدید گردد .

نتایج مراجعه به "آرآر" عمومی کد رکنفرانس سازمان حزب دموکرات ایالت ویسکونسن انجام شد . امکان بالقوه سیر صعودی را هایدین شکل را تأیید میکند . نمایندگان کنفرانس با اکثریت قابل توجهی از "آرآر" نه موندیل ، بلکه سناتور کرنستون ، این حامی آشکار مذاکرات درباره خلع سلاح با اتحاد شوروی و متوقف ساختن ذخیره سلاح هسته ای را بمنزله " نامزد ارجح " برای مقام ریاست جمهوری از حزب دموکرات نام بردند . اگرچه او برای بدست آوردن امکان به منظور آغاز مبارزه برای کسب مقام ارباب کاخ سفید شانس زیادی ندارد ، اما اینهمه نتایج مراجعه به "آرآر" عمومی در اردوگاه موندیل باعث شوکه گردید .

پروزی کرنستون گواه بر این است که اندیشه صلح تاچه اندازه در ذهن و اندیشه میلیون ها تن از انسانها نفوذ کرده است . این پدیده در ضمن شاخص ویژه ای از آمادگی روزافزون انتخابات کنندگان برای جستجوی راه اظهار نظر مستقل سیاسی ، امتناع از پیروی کورکورانه از ماشین های انتخاباتی دموکرات ها و جمهوریخواهان است .

خصوصاً کلی اوضاع ماقبل انتخاباتی به نظریه استقلال سیاسی معنای تازه و وزینسی می بخشد . این هم بموضع کسانی مربوط میشود که حامی ریگان مخالف هستند و هم به کسانی که راه ظنه برنامه های انتخاباتی دموکراتها را در گرفتارگویی آنها نمی جویند .

دائمه فعالیت نیروهایی که از اندیشه استقلال سیاسی پشتیبانی میکنند وسیع است . در یک قطب آن کسانی قرار دارند که هنوز به امکان بدست آوردن آن در چهارچوب حزب دموکرات باور

۱ - و . موندیل ، معاون رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا در دولت ج . کارتر ، در حال حاضر یکی از محتملترین نامزد ها برای احراز مقام ریاست جمهوری ایالات متحده از طرف حزب دموکرات به نظر میرسد . هیئت تحریریه .

دارند . در قطب دیگر افزای هستند که به ضرورت ایجاد حزب توده ای ضد انحصاری کاملاً معتقد هستند . تعداد هر چه بیشتری از امریکاییها به این اندیشه گرایش و تمایل پیدا میکنند که اشکال تازه فعالیت باید مستقل از ماشین کهنه و وحشی باشد ، اگرچه این بمعنی امتناع از امکان استفاده از سیستم انتخاباتی موجود نیست .

مشی سیاست مستقلی که قادر باشد شور و شوق توده ها را برانگیزد باید با مبارزه در راه تحقق شعار " کره بجای توپ " و مخالفت با سیاست خارجی تجاوزکارانه کنونی همراه باشد .
 با توجه به آنچه در بالا گفته شد ، مبارزات انتخاباتی که حزب کمونیست ایالات متحده امریکا در نظر دارد انجام دهد آزمون توانائی ما برای تأثیر کردن در برخی از واحدهای جبهه همه خلق و دستهای به اتحاد آنها در مبارزه برای صلح ، دموکراسی و سطح زندگی تضمین شده خواهد شد . در این مرحله باید دورنمای معرفی کمونیست ها بعنوان نامزد های انتخاباتی را برای مشاطی که انتخابی است ، هم بطور مستقل و هم بر پایه ائتلاف مورد بررسی قرار داد . در هر جا که ممکن است ما باید در این راه بکوشیم که از نامزد های انتخاباتی طرفداری کنیم که علیه انحصارها و در راه صلح و دموکراسی مبارزه میکنند .

معرفی نامزد های انتخاباتی از میان کمونیست ها شش بخش ترین شکل گام نهادن حزب ما در هر صورت زندگی اجتماعی و تبلیغ و تهییج توده ایست . این فعالیت ما بخش مهم حیات تمام جریان مبارزات انتخاباتی است . در ضمن هم اکنون میتوان اظهار داشت که توده های مردم منتظر معرفی کمونیست ها بعنوان نامزد های انتخاباتی برای مشاطی هستند و از آن استقبال میکنند .

کمونیستهای امریکا ضمن آماده شدن برای انتخابات ریاست جمهوری از هیچ کوششی برای تأمین وحدت واحدهای مختلف جبهه تمام خلقی ضد ریگان در مبارزه شان در راه مسائل کلیدی سیاست جهانی معاصر فروگذار نمیکنند . این مسائل عبارتند از : مخالفت با استقرار موشکهای بالدار و " پرشینگ ۳ " در اروپای غربی ، مبارزه در راه متوقف ساختن ذخیره سلاحهای هسته ای ، برخورد جدی با مذاکرات درباره خلع سلاح ، و مبارزه علیه بی آمد های اقتصادی سیاست هسته ای ملیتارستی دولت ریگان . آنها میدانند : صحبت بر سر حق زندگی برای هر مرد وزن در ایالات متحده و در سراسر جهان است .

از واقعیت جامعه افريقائى بسوى آرمان سوسياليستى

ژان پيیر چيستريچيکا

عضو پروي سياسى کميته مرکزی حزب
کارکنگو

دود هسال از زمانیکه انقلابيون کنگو، يايکی از نخستين انقلابيون قاره،
راه سنگيري سوسياليستى را برگزیدند سپرى شد. رفیق سمواته گسى
عضو پروي سياسى کميته مرکزی حزب استقلال و کارسنگال و نماينده آن در مجله
از رفیق ژان پيیر چيستريچيکا با عضو پروي سياسى کميته مرکزی حزب کارکنگو
کميته اول امور ايد دولتيک و آموزش و پرورش است خواهش کرد در باره این تجربه
شرح و توضیح دهد. مسائل گرهی ساختمان جامعه نوکه اينک اهميت
تئوريک و پراتيک ویژه ای برای کسانی کسب کرده است که طرفدار کارسايه
ايد دولتيک علمى احزاب پيشرو کشورهای افريقا و آسيا هستند موضوع اين گفتگو
بود.

* * *

پرسش - مجله "مسائل صلح و سوسياليسم" در باره تجربه دگرگونی های بنيادى مشرقى
در کنگو بارها مطالبى انتشار داده است (۱). با اينهمه يعقیده تو، کدامیک از جهات پراتيک
انقلابى در چهار چوب موضوعى که ما انتخاب کرده ايم در درجه اول نماينداند پيشه و تفکر تئوريک

۱ - رجوع کنيد به م. نگوايس. سوسياليسم علمى در افريقا. مسائل صلح و سوسياليسم، ۱۹۷۵،
شماره ۵. د. ساسونگه سو. کنگو: وظائف عمده مرحله کنونى. همانجا. سال ۱۹۷۸
شماره ۳. هيئت تحريريه.

است ؟ چه چيزى بروشن شدن کاملتر مفهوم و سمت مرحله معاصر دگرگونيهاى بنيادى کمک ميکند ؟
پاسخ - تصور ميکنم، خصلت اين مرحله، ما با اينکه حزب پيشرو (آوانگارد) ايجاد کرديم
با تعداد آنچنان زيادى از مسائل (از جمله مسائل داخلى) پيش بينى نشده مواجه شديم که
ناگزير بود بچاره يگره اين موضوع بازگرديم. هنگامتشکيل دومين کنگره فوق العاده حزب کسار
کنگو ضرورت مطلق تدقيق مجد در مرحله مبارزه ما آشکار شد و لا زم آمد باد رنظر گرفتن خصلت آن هدف
هاى اساسى که بايد بد آنها دست يابيم تمهين گردد.

پس از تجزيه و تحليل عميق اوضاع ما به اين نتيجه رسيديم که کشور در حال وابستگى اقتصادى
به امپرياليسم قرار دارد، وابستگى به ساختار دستگه دولتى که از دوران استعمار باقى مانده و
همچنين وابستگى در مرصه هاى سياسى و ادارى نيز جاي خود باقى است. در مقابل ما اين وظيفه
قرار گرفت که برای مردم کنگو روشن کنيم، دشمن عمده اى که عليهمان بايد مبارزه کرد امپرياليسم بطور
کلى و امپرياليسم فرانسه بطور خاص ميباشد. ما اين مرحله را بمنزله مرحله انقلاب ملئ بشمار آورديم
که در جريان آن وحدت تمام نيروهاى ضد امپرياليسم بويژه مهم است. علاوه بر اين ضرورت ايجاد
ساختارهاى که جلب توده هاى مردم به اشتراک شريخش در اداره امور اجتماعى را تأمين نمايد نيز
نمود ارگريد، بدين ترتيب مرحله انقلاب ملئ، مرحله انقلاب دموکراتيک خواهد شد. بعلاوه
هموار ساختن راه گذار به سوسياليسم، يعنى ايجاد شرايط لازم برای انقلاب سوسياليستى هم
در برابر ما قرار داشت. اين بدان معنى بود که انقلاب دموکراتيک بايد بسود توده هاى زحمتکش
تحقق يابد و خصلت خلق آن نيز از همينجا سرچشمه ميگيرد.

پرسش - هنگام تهيه و تنظيم استراتژى اتحاد هاى طبقاتى سرشت مرحله کنونى چگونه
در نظر گرفته ميشود و ویژگی آن برای کنگو رچيست ؟

پاسخ - برای مارکسيست هاى کنگو تعيين کاملاً روشن موضع آنها نسبت به ساير طبقات
و قشرهاى اجتماع بسيار مهم بود. ما بخود گفتيم: از آنجا که کشور در مرحله انقلاب ملئ قرار دارد بايد
تمام نيروهاى ضد امپرياليسمى را در اطراف خود متحد سازيم.

مقدم بر هر چيز لا زم آمد خطى مشخص و متمايز کنند درون بورژوازى ملئ در نظر بگيريم.
در کشور ما واقعاً هم بورژوازى ملئ وجود دارد که در بخش ارضى و ساختمانى فعاليت ميکند و به بازرگانى
اشتغال دارد. خصيصه کار و شغل آنچنين است که ميتواند خود را در مبارزه عليه امپرياليسم
ذ بنفع احساس نمايد و همين سبب مانند متحد ماعمل کند. ما در تبليغات خود براين نکته تأکيد
ميکنيم. از طرف ديگر قشر بورژوازى هم وجود دارد که بايد آنرا بمنزله بورژوازى کمپراد ورتسريف

وتوصیف نمود. ما همچنین فهمیدیم که دستگاه دولتی که از استعمال به ارث رسیده افرادی را تحویل جامعه میداد که سمیشان در این بود تا از شغل و مقام برای اهداف آرزوماندانه خویش استفاده کنند. به صفوف عناصر کمربند بر حساب اینها اضافه نمیشد و بورژوازی بوروکرات هم که در کشور ماعلیه آن مقررانمیشد و او مبارز میشد، بساز آنها میرقصید.

تجزیه و تحلیل ترکیب قشرهای متوسط و پستابینی نشان داد که تصور نمیشد آنها را که شغل و حرفه آزاد دارند (وکلای دادگستری، پزشکان و معلمین) بتوان به منزله "کاندیدهای" صفوف بورژوازی ارزیابی کرد. بسیاری از آنها از خانواده دهقانان و کارمندان دولت هستند. اما در این محیط نیز باید برای رساندن کمک فکری به افراد تا از طبقه کارگر طرفداری کنند و موضع پشتیبانی از حزب ما را اتخاذ نمایند به کار ترغیبی مقرران ای دست زد.

"طبق ساختن" روستاها انقلاب هم حافظ اهمیت میبود، زیرا ۶۱ درصد اهالی کنگو در روستاها زندگی میکنند. اما چگونه باید این کار را انجام داد؟ آنها باید در آنجا ایجاد سازمانهای سیاسی را آغاز کرد؟ خیر. پس از بحث طولانی به این نتیجه رسیدیم که ابتدا باید در دهقانان طایفه بسازمان بطور کلی بوجود آورد. ما شمارتعاون و همکاری را مطرح کردیم، از نقش و برتری کشاورزی صحبت کردیم و تأکید نمودیم که بود جسمینی از درآمدی را که از دست رفت بدست میآید به روستاها اختصاص میدهم (نفت یکی از مهمترین منابع درآمد دولت شده است). بدین ترتیب ما با بسیج نیرو و منظور گرسازی زندگی روستا و گسترش جنبش تعاونی، هر روز گام تازه ای در راه جلب توده های دهقانی به انقلاب برداشتم.

پرسش - کنگو اسن سند یکالیم انقلابی شهرت دارد. طبقه کارگر رهبری حزبی به مشرو مهمترین نیروی محرکه پرونده دگرگونی های بنیادی در کشور است. ولی از لحاظ تعداد طبقه کوچکی است در جهان بینی بخشی از زحمتکشان تصورات قبلیه ای و خرافات گذشته تأثیرات خود را باقی میگذازد. آیا نمیتوانی با یادآوری چند نمونه نشان بدی، در جریان کار در این محیط با چه نوع دشواریهایی انسان روبرو میشود؟

پاسخ - طبقه کارگر نه فقط از لحاظ تعداد طبقه کوچکی است، بلکه در سطح کشور هم بطور نابرابر متمرکز یافته است. بطور عمده در جنوب، در مناطق صنعتی، در اطراف بندر روان - نوار متمرکز گردیده است. در روحیه آن بارها مناسبات و روابط خانوادگی تأثیرش بخشد و این اغلب با خطر سازش با دشمن طبقاتی همراه است.

اتفاق میافتد که اکثریت کارگران در برخی از موسسات به پشتیبانی خویشاوندان (برادر،

هموزاده و مانند اینها) کار پیدا کرده اند. در این قبیل موارد علاقه و وابستگی آنها به اشخاصی که با آنها کمک کرده اند محفوظ میماند. اما آنها اغلب وابسته به عناصری هستند که خود در ارتسباط با بورژوازی بوروکرات میباشند، وابسته به آن یا به فعال مغفی آن هستند. برخی دیگر از آنها بسا خود نماینده دستگاه دولت میباشند. بسا در می توان در یک مورد که وقتی استخدام کارگران بر پایه روابط "خانوادگی" انجام گردد، کارگران و کارمندان بدون چون و چرا از خط مشی چنین رهبری پشتیبانی خواهند کرد. توضیح و تشریح این مطلب برای زحمتکشان که برخوردار "خانوادگی" به مسائل چه خطری دارد حافظ اهمیت است. چنین برخوردی میتواند کارگرا را به بازچه ای در دست دشمنان طبقاتی مامدل کند.

پرسش - پس، شیراز کارهای تربیتی، برای غلبه بر بدیده های منفی چه اقداماتی بعمل میآید؟

پاسخ - یکبار ما حتی مجبور شدیم کارخانه پارچه بافنی را که بدولت تعلق داشت موقتاً تعطیل کنیم. زیرا عناصر بورژوازی بوروکرات عملاً دستیاران خود را آنجا بکارگماردند و پرسنل مؤسسه را در همراهی کرده بودند (از ۶۰ نفر تا ۱۲۰۰ نفر). شگفت آور نیست که کارخانه اصلاً ضرور میکرد. لازم بود به کارگران توضیح داده شود که عناصر بورژوا - بوروکرات که ظاهراً "حسن نیت" نسبت بد آنها نشان میدادند، یعنی آنها را با امتیاز استخدام میکردند، عملاً مؤسسه را ورشکست کردند. بدین ترتیب این افراد آینده نامکسانی را که آنجا کار میکردند بخطر افکند. در نتیجه گزینش دقیق کاررها بر پایه حد اکثر صینیت بعمل آمد. ماهرترین کارکنان استخدام گردیدند و مؤسسه توانست کار خود را از سر بگیرد. بدین ترتیب ما عملاً نشان میدهم که بورژوازی بوروکرات، اگر چه به لباس متحد ماده آمده است، عملاً با منافع بنیادی زحمتکشان عمیقاً خصومت میورزد. ولی برای روشن شدن اذهان و تربیت ایدئولوژیک - سیاسی طبقه کارگر آینده باید کارزیادی انجام داد تا این طبقه، واقعاً "طبقه برای خود" بشود.

پرسش - اینطور بنظر میرسد که ماکاملاً به یک مسئله کلیدی دیگر یعنی نقش توده ها در اداره امور اجتماعی، تولید و امور دولتی رسیدیم. زیرا میدانیم افزایش این نقش آنها جزو جدایی ناپذیر هرگونه تحول انقلابی واقعی است. اگر این کار بطور همگرا انجام بگیرد، راهگشای خلاقیت تاریخی زحمتکشان میشود و خلق بر سر نوشت خود حاکم میگردد. خیلی چیزها وابسته بدین است که ساختار های مدیریت استعماری - بوروکراتیک گذشته تاجه میزانی بطور بنیادی ریشخند میگردد و وجهت ایجاد ارگانهای تازه و دستگاه مجریه حاکمیت چه اقداماتی بعمل میآید. خلاصه اینکه مسائلی

گروهی آموزش مارکسیستی - لنینیستی در برابر ما است . ما هم بهرسم : شهادت این عرصه چه نوع تجربی عملی گرد آورده اید و برای جلب فعالان توده‌ها به رهبری امور اجتماعی تاکنون چه کارهایی صورت گرفته است ؟

پاسخ - ما بر این عقیده بود موهستیم که دستگاه دولتی که از استعمار به ارث رسیده باید از راه دموکراتیزه کردن ساختار مدیریت کاملاً از بین برده شود . نخستین تجربه برقراری حاکمیت خلق در سال ۱۹۷۳ تحقق یافت و این وقتی بود که انتخابات شوراهای محلی خلق برهبری کمیته اجراییه ای که بد آن وظائف ادا می‌کرد برپیت واگزار گردیده بود انجام شد . ولی این تجربه فقط به درصد موفقیت آمیز بود . در آن موقع نمایندگان مردم اختیارات سیاسی بدست آوردند و کارهای لازم در اختیار شوراهای قرار داده شد . در عین حال مانسبت به آنچه به استقرار برخورد تازه رهبری امور اقتصادی ، به ویژه در سطح محلی مربوط میشد تزلزل زیادی از خود نشان دادیم . امور مالی متمرکزی ماند و خود نظریه مربوط به پیشرفت هم دارای چنین خصلتی بود . در عین نشان دادن اعتماد به توده‌ها ، ما ضرورت جلب فعالان آنها به تهیه و تنظیم برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی را از نظر دور داشتیم . این برنامه‌ها پیش از آنکه اهمیت ملی کسب کنند نیازمند بحث و بررسی با اشتراک اهالی محل و توده‌های مردم بودند .

نخستین تجربه حاکمیت خلق با مرکز پرزیدنت ما برهان نگوایی منقطع شد و کمیته نظامی که در رهبری دولت جای پای خود را محکم کرده بود بطور کلی بدان پایان داد . ولی از زمان جنبش پنجم فوریه سال ۱۹۷۹ (۱) اوضاع از بیخ و بن تغییر کرد . احیای این تجربه را ما اکنون سر بلندی و افتخار شمار می‌آوریم . با تصویب قانون اساسی جدید (سال ۱۹۷۹) گام تازه بزرگی در راه برقراری حاکمیت خلق برداشته شده است .

یک اشتباه دیگر را هم خاطر نشان میکنم . در جریان نخستین تجربه ما بمعنای معینی بشیوه بورژوازی عمل میکردیم : هر کس حق داشت مبارزه انتخاباتی کوچک خود را انجام دهد و برای انتخاب شدن در ارگان‌های حاکمیت کوشش بعمل آورد . بدین ترتیب برای نفوذ عناصر بورژوازی و بوروکرات بد انبهارا می‌گشود شد و آنها هم می‌کوشیدند ارگان‌ها را تابع اراد خود سازند . درس‌هایی که گرفتیم برای ما بی‌مورد نبود . حالا چنین سیستمی برقرار گردیده که در شورای

۱ - قیام علیه گروهک فراقسبونی امپورتونیست راستگرای ژنرال ژ . بوسی - اوپانگوکه پس از قتل پرزیدنت م . نگوایی رهبر کمیته نظامی گردید که در بالا تذکره دادیم . این قیام برهبری لیسدر های حزبی - دولتی کنونی انجام گرفت . هیئت تحریریه .

بخش (پائین‌ترین واحد اداری) ، شورای ولایتی و در مجلس ملی خلق فقط کسانی میتوانند انتخاب شوند که آنها را حزب ، سازمان‌های توده‌ای (اتحادیه‌ها و غیره) و دهقانان پیشنهاد میکنند . توده‌ها با شرکت در شوراهای خلق میتوانند هنرمند برپیت را فراگیرند . تصویب بود جمعی و نظارت بر توزیع وسائل از اختیارات شوراهاست ، برنامه پیشرفت بختر و ولایت راهم خود آنها تهیه و تنظیم میکنند . شوراهای در مجلس ملی خلق هم نمایند دارند ، نمایندگان آنها در تهیه سیاست مالی اشتراک می‌ورزند و در کار ارگانهای اجراییه نظارت میکنند .

پرسش - آیا نمایندگان بورژوازی ملی در شوراهای خلق شرکت میکنند ؟ همانطور که توپا دور شدی ، میدانیم که این بخش از بورژوازی بطور عینی میتواند متحد نیروهای مترقی باشد .

پاسخ - برای آنکه مستمکی برای متهم ساختن به نقض حقوق سیاسی و تحت فشار قرار دادن عناصر بورژوازی ملی داده نشود امکان نمایندگی در شوراهای بکسانی هم داده میشود که از طرف حزب یا سازمانهای توده‌ای پیشنهاد نشده اند و بر پایه " فردی " اقدام میکنند . بطور مثال در شوراهای خلق کاندید گروهی از روستائینان و یا منطبق مسکونی دیگر (با خاطراین با آن خدمتی که انجام داده) میتواند انتخاب شود .

رفقای ما که در کار ارگانهای حاکمیت شرکت میکنند در برابر حزب کارکنان سازمانهای خلقی مسئول هستند . وضع " مستقل‌ها " طوری بگری است . آنها تابع این ارگانها نیستند . این گذشته که کار کرده ایم جنبه فوقی دارد . ولی در نتیجه چنین برخورد متفاوتی موفق شدیم از تکسوار اشتباهاتی که درباره آنها صحبت کردیم پرهیز کنیم .

پرسش - اشکال دیگر شرکت توده‌های زحمتکش در اداره امور نیز وجود دارد ، مانند شرکت در اداره تولید . از این لحاظ چه چیزی در تجربه کنگو جالب است ؟

پاسخ - در مؤسسات دولتی در کشور ما قاعده " مثلث تصمیم گیرنده " معمول است . این بمعنی اشتراک بالا توافق در اداره امور ، اخذ تصمیمات و مسئولیت مشترک نمایندگان حزبی اداره مربوطه و سازمانهای توده‌ای در امور تولیدی و جمع کارکنان و کارمندان است . رئیس فوسه هم پس از ریافت اعتبارنامه از " مثلث " شروع بعمل میکند و از آن لحظه گوئی فرمانده تمام " کشتی " میشود . برای احترام از اسم استفاده از قدرت فراوانی که در دست اوست ، دادگاههای رفیقانه ای که تحت نظر حزب هستند ، برانجام وظائف تولیدی و انضباط نظارت میکنند . رئیس حق ندارد شخصاً درباره پاداش دادن بکارکنان ، ترفیع رتبه و مقام بدون در نظر گرفتن عقیده کمیسیون اجتماعی که تحت رهبری اتحادیه‌ها است ، تصمیم بگیرد .

پرسش - از اسناد حزب کارکنان و کنگوی ما هم آشکارا دیده میشود که مارکسیست های کنگویه اهمیت فراوانی برای نقش حزب قائل هستند . اما میتوان مسئله را طور دیگری مطرح کرد : نقش رهبری حزب را تودها چگونه تلقی میکنند و چه چیزی را با آن پیوند میدهند ؟

پاسخ - اینک بر پایه تجربه بیش از ۱۳ سال موجودیت حزب کارکنان و کنگوی میتوان گفت : اندیشه نقش رهبری حزب نه فقط قابل درک برای تودهاست ، بلکه مسأله با آن موافقت و در میان مردم ریشه دوانیده است . حزب در کشور ما واقعیت زنده و محسوس شده است . این سازمان پیشرو مردم کنگوتوده ها را به حل مسائل انقلاب راهنمایی میکند و بدین امر افراد و جماعه استحکام میبخشد .

اما سؤال تو ، سؤال بجائی است . زیرا اندیشه حزب پیشرو در میان مردم عدالت اجتماعی را تداعی میکند . اگر رهبران دستاویزی بدهند که گفته شود از مقامهای حزبی خود بسود خویش استفاده میکنند ، بلافاصله اعتمادی را که بد آنها هست از دست میدهدند . ما همچنین مراقب این هم هستیم که فاصله فزاینده میان مردم کار یک کارمند مسئول با سایر کارکنان و زحمتکشان بوجود نیاید . کنگوی ها نسبت به مسائل عدالت اجتماعی خیلی حساسیت دارند .

اینک چنین بنظر میرسد که همه ما باید بصوف حزب کارکنان پیوندند . در برابر ما این وظیفه قرار دارد که حزب را از نفوذ عناصر بیگانه حفظ کنیم . سوئین کنگره فوق العاده حزب کارکنان (سال ۱۹۲۹) سجدی در برابر چنین نفوذ ایجاد کرد . پیش از ورود به حزب فعالیت عضو آزمایشی در سازمانهای توده ای در نظر گرفته میشود ، عضو آزمایشی دوره ای را میگذراند که ممکن است حتی دو سال هم طول بکشد . فقط پس از این مسئله پذیرش مطرح و محل میشود .

پرسش - یاد نظر گرفتن گفتههای تودها در باره عملت حاکمیت ، اشتراک زحمتکشان در اداره کشور ، رسالت حزب پیشرو که مارکسیسم - لنینیسم را پایه و اساس فعالیت خود اعلام داشته ، آیا میتوان اینک از یکتاتوری پرولتاریا که در شرایط ویژه کنگو وجود دارد سخن گفت ؟

پاسخ - یکتاتوری پرولتاریا ؟ ! البته باید گفت این سخن افراق آمیز است . ما هنوز در این مرحله نیستیم . ما هنوز این وظیفه را در برابر خود داریم که نجات کسانی را عقیم گذاریم که میخواهند اراد خود را برد و ملت تحمیل کنند . من عناصر بورژوازی - بوروکرات را در نظر دارم که قادرند بداخل دستگاه دولت نفوذ کنند . علاوه بر این مردم خود عملاً باید یقین حاصل کنند که طرفی که در اداره امور کشور پیروز گردیده ما هستیم . در همین حال حزب سعی میکند به تودها احساس اعتماد بهمنروی خود ببخشد ، با آنها در درک عمیق این نکته یاری رساند که بدوین پشتیبانی آنها رهبری

ارزش چندانی ندارد . آید رچنین شرایطی میتوان از یکتاتوری پرولتاریا صحبت کرد ، پیوسته در زمینه خصوصیات مرحله کنونی پیشرفت ؟ درست تر بود اگر این مفهوم را برای آینده حفظ میکردیم .

پرسش - ما تا حال بطور عمده به مسائل سیاسی و اخلاقی پرداختیم . اما اگر در باره اقتصاد صحبت کنیم ، در اینجا چه چیزی بنظر تو از نقطه نظر مصالح کشوری که سوسیالیسم را انتخاب کرده در درجه اول اهمیت قرار دارد .

پاسخ - برای ما ز همان آغاز ناموزونی پیشرفت اقتصادی مسئله بنیادی شد . از استحکام ماقبلیت استقرار نیروهای مولده را بارت بردیم : راه آهن به بندر بوان - نوار یعنی مرکز صنایع و در همین حال " ربه های " کشور (" کریدور " برازاویل - بوان نوار) از جنوب پایتخت یعنی برازاویل میگذرد . ولی نواحی دیگر از لحاظ اقتصادی عقبمانده هستند . حزب وظیفه آباد کردن و استفاده از تمام اراضی ملی را از راه بسط و تکامل وسائل ارتباط و حمل و نقل و مسابرات ، ایجاد و تکمیل صنایع محلی و سایر شرایط زندگی عادی (ساختمان مدارس و مؤسسات فرهنگی و بهداشتی) در برابر خود قرار داده است .

یک مسئله گری دیگر هم وجود دارد که باید کاملاً بدان پرداخت . سخن بر سر پیوسته و شمر بخشی کار بخش دولتی ، در درجه اول در مؤسسات صنعتی ، تا سطح عالی آنست .

ما بر این عقیده بودیم که ساختمان سوسیالیسم بدوین بخش دولتی و بخش خصوصی امکان پذیر نیست . اینک بخش دولتی تمام عرصه های زندگی اقتصادی ملت را در بر میگیرد . در واقع همین بخش باید به حمل و نقل مسائل اساسی انقلاب کنگواری رساند و بر توان بخش ما میتوانیم در آینده استقلال اقتصادی بدست آوریم .

در همین حال باید به اوضاع احوال واقع بینانه نظر کرد . مؤسسات دولتی وجود دارد که به پیشرفت قابل توجهی دارند ، ولی مؤسساتی هم هست که موفقیت چندانی بدست نیاورده اند و امکان بقای آنها گاهی به خطری افتد . بالاخره ، مؤسساتی هم وجود دارد که فعالیت آنها را باید دگرگون ساخت . مسئله فعالیت شمر بخش تر مؤسسات دولتی برای ما مسئله ای مهم و یکسری از جهات قاطع مبارزه گردیده است . طبق برنامه پنجم ساله ای که چندین پیش به تصویب رسیده (سالهای ۱۹۸۶ - ۱۹۸۲) در نظر گرفته شده است بنظر سال مسازی مؤسسات دولتی ، تقریباً یک سوم اعتبارات و وسائلی که در اختیار ماست بدوینها اختصاص داده شود . دست یافتن به سه تغییرات بنیادی در وضع این رشته از امر تا حدی که پولهایش که بصرف میرسد سود و منفعتی بسیار آورد حائز اهمیت است . در غیر این صورت تعدادی از مؤسساتی که بدوین تعلق دارند به بهنگه

داناغید مبدل میشوند (۱) .

اغلب میگویند: در مؤسسات دولتی سود عادلانه تقسیم میشود. ولی باید پرسید زبان و ضرورت را چگونه باید تقسیم کرد؟ چگونه فابریک و کارخانه را باید سودآور ساخت؟ زندگی این مسائل را به شدت متطرح مینماید. ولی نه فقط اقدامات خرابکارانه دشمنان طبقاتی و بورژوازی- بوروکرات مانع حل آنها میشود، بلکه فقدان تجربه و نیروی عادت برخورد بمسائل با "احوال و روحیه مأمور دولت"، مثلاً افزایش مداوم پرسنل هم تأثیر خود را میبخشد. ما این قبیل شیوه هارا مردود میشماریم و بهترین راه ممکن برای خروج از دشواریها را جستجو میکنیم و سعی داریم بخش دولتی را واقعاً در خدمت مردم قرار دهیم.

پرسش - از سؤا معلوم بر طرف ساختن پراتیک "مأمور دولتی" و سایر مظاهر طرز تفکر گذشته کاریک روزود و روز نیست. تربیت افراد و مقدم بر همه جوانان با روح سنگبری تازه و توجه به ارزشهای مترقی که حکومت انقلابی بوجود میآورد نقش بزرگی ایفا میکند. بنابراین خیلی چیزها وابسته به ایجاد تغییر و تحول در سیستم آموزش و پرورش است که از استعمار بجا مانده است. آیا اینطور است؟

پاسخ - همینطور است. کنگو که زمانی نقش مرکز آفریقای استوایی فرانسه (۲) را ایفا میکرد، در دوران استعمار هم در سطح بسیار بالایی با سوادی و آموزش قرار داشت و ما هم بعد از آن تا حدودی استفاد میکردیم. ولی سیستم آموزش و پرورش که استعمار فرانسه تعمیم داده بود جنبه اعطای امتیاز داشت، افرادی که دارای تخصص متوسط و عالی باشند کم آمد میگرد و در رجه اول خدمت در دستگاه دولت استعماری قسمت و سرنوشت فارغ التحصیلان بود.

از هنگام استقلال ماقاطعانه آزمشی در مکرانیزه کردن سیستم آموزش و پرورش پیروی میکنیم. مدارس ابتدائی تمام اهالی را در بر میگیرد. بطوریکه آمار و ارقام گواهی میدهد، تعداد دانش آموزان در این مدارس در برابر گردیده است و تعداد کلی محصلین نیز بیش از دها افزایش یافته است. از سال ۱۹۸۰ قانونی مرحله اجرا گذارده شده است که ارگانهای دولتی را موظف میسازد تقسیم فارغ التحصیلان، پس از اتمام دوره تحصیل ده ساله، برای کار و ادامه تحصیل را طبق برنامه ریزی جدی و اجباری انجام دهند.

۱ - یکی از جبهه های افسانه ای یونان باستان، بمعنی کار عبث و بیهوده (بشکۀ داناغید یعنی بشکۀ بی ته - چاه و بل) هیئت تحریریه.

۲ - اراضی کنونی کنگو، گابن، جمهوری آفریقای مرکزی و چاد را هم شامل میشد. هیئت تحریریه.

در پایان سخن باید گفت، قطعاً مسائل دیگری هم وجود دارد که عمل (پراتیک) و تجارب گرد آمده در آینده کمک میکنند تا بد آنها پاسخ داده شود. آنچه مهمتر بنظر میرسد این است که اکنون يك گروه از کشورهای آفریقای که راه پیشرفت سوسیالیستی را برگزیده اند برخورد مشابهی بمسائل گری نشان میدهند. مبارزه در راه تحقق دگرگونیهای بنیادی در تمام عرصه های زندگی اجتماعی، تحکیم ارگانهای حاکمیت خلق و افزایش نقش احزاب پیشرو در مرکز توجه انقلابیون قرار دارد. فکر میکنم گفتگوی ما گواه بارز دیگری بر این باشد.

بقیه از صفحه ۶

تذکرات و پیشنهاداتی را که رسیده در نظر خواهد گرفت، میکوشد سطح تئوریک و نظری اطلاعاتی مکتبی و کامل و تأثیر نشریه را بالا ببرد و تمام جهات کار مجله را تکامل دهد تا بطور شمر بخش تری نقشی را ایفا کند که احزاب برادر برایش تعیین کرده اند و به خواستهای جرگه بین المللی خوانندگان بهتر پاسخ دهد.

بیمت و پنجمین سالگرد بنیانگذاری مجله را به پیشکوتان در کار مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" از کشورهای مختلف، به نویسندگان و خوانندگان شاد باش و تهنیت میگوئیم.

اخبار کوتاه

خاور میانه

در چهار چوب روابط رفیقانه بین المللی دیدار هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب کمونیست عربستان سعودی با کمیته رهبری جبهه آزادی بحرین برگزار گردید. در جریان این دیدار مسائل مربوط به اوضاع سیاسی در منطقه خلیج فارس و شبه جزیره عربستان مورد بحث و مذاکره قرار گرفت. شرکت کنندگان در این دیدار خاطر نشان ساختند که تعقیب و پیگرد کمونیست ها در عربستان سعودی ایران و ترکیه و سایر کشورهای جزئی از نقشه امپریالیسم سوار تاج در این منطقه است. آنها مشی تجا و کارانه آمریکا و بلوایه تا تورا قاطعانه محکوم کردند و پشتیبانی خود را از رژیم ها و جنبش های مترقی خاور نزدیک و میانه ابراز داشتند.

احیای دموکراسی

خواست و اراده مردم است

طبع الرحمان

دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست
بنگلادش

یکسال ونیم پیش، محافل ارتشی که در رهبری بنگلادش قرار دارند با تعطیل قوانینی که در قانون اساسی آمده است قانون مربوط به حکومت نظامی را پیش کشیدند. طی بیش از ۱۲ سال موجودیت جمهوری، برای سومین بار است که حکومت نظامی اعلام میشود و کشور طی مدتی چنین کوتاه شاهد کودتاهای بسیاریا کوشش برای انجام کودتای جدید است.

از هنگامیکه روزه ۱۵ اوت سال ۱۹۷۵، در جریان شورش خونباری در جنبش یمنی شیخ مجیب الرحمان بقتل رسید و ولتشر سرنوگون گردید، نیروهای مسلح مواضع مستحکم در روضه سیاسی بدست آوردند. در آن هنگام در زندگی ملی تخمیراتی راستگرایانه و ارتجایی پدید آمد، حقوق و آزادیهای دموکراتیک محدود شد و کاملاً پایمال گردید، بی ثباتی افزایش یافت و نیروهای مسلح در واقع بطور مستقیم یا غیر مستقیم به کنترل عرصه اداره امور ولتی ادامه دادند. پس از یک سلسله کودتاهای ضد کودتاهای واسطه سالهای ۷ حاکمیت در دست ضیاء الرحمان متمرکز گردید که در آن هنگام فرمانده کل ارتش و اندکی در برتر رئیس جمهوری کشور بود.

ضیاء الرحمان برای ایجاد ظواهر دموکراسی که تحت فشار یک سلسله مسائل و شرایط داخلی و بین المللی لازمه پدید حزب ناسیونالیستی بنگلادش را تأسیس کرد، آنرا حزب حاکم نمود و سیستم قانون اساسی را برقرار ساخت. البته، ارتش پس از آنهم، با آنکه در رد عقب قرار داشت عملاً به نقش رهبری خود در حکومت ادامه میداد. اندکی در برتر میان حزبی که ضیاء الرحمان بوجود آورد و نظامیان عالیترتبه تضاد ها حادث تر شد. در نیمه اول سال ۱۹۸۱، هنگامیکه وضع اجتماعی-اقتصادی بخصوص بدتر شد، شرایط و اوضاع بحرانی پدید آمد.

۲۰ ماهه همان سال برخی از واحدهای ارتش طغیان کردند که در جریان آن ضیاء الرحمان که ریاست جمهوری را بعهده داشت کشته شد و پس از چند ماه برای انتخاب رئیس جمهوری جدید

انتخابات تجدید گردید (۱). در این انتخابات هم حزب ناسیونالیست پیروز شد ولی دولت که "سگانداز" خود را از دست داده بود با ضعف رهبر گردید و اختلاف و کشمکش درونی پایه و اساس آنرا متزلزل ساخت. امانیروهای مسلح قاطعانه خواستار شدند که در امور ولتی بمانند نقش بزرگتری واگذار شود و از طریق قانون اساسی هم تثبیت گردد. ارتش فرماندهی ح.م.ا. ارشاد با استناد به شکست های دولت، بی لیاقتی کامل و فساد و همچنین وضع تبه بدآموزانه نظیر اقتصادی و نظم و امنیت حاکمیت را بدست گرفت (مارس سال ۱۹۸۲). بدین ترتیب بار دیگر عجز توانایی تمام سیستمی که طبقات و گروههای راستگرا از آن پشتیبانی میکنند نمایانده شد.

سخت های اساسی سیاست

محافل نظامی با تعطیل کار قانون اساسی حقوق و آزادیهای دموکراتیک بنیادی را محدود کردند. فعالیت سیاسی علنی قذف شد و سانسور مضمناً و اعلام نشده مطبوعات برقرار گردید. دولت ارشاد ضمن دادن اطمینان باینکه نظامیان موقتاً حکومت خواهند کرد و بعداً بازگشت هر چه زود تر به امور مردم دموکراتیک و طبق قانون اساسی، مع الوصف یک سلسله گامهای بسیار مشکوک و افشاء کننده در روضه های اقتصادی، سیاسی و اداری برداشت.

گام دیگری هم در راه دوری جستن از سیاست ملی کردن برداشته شد. بسیاری از مؤسسات دولتی از جمله بخش خصوصی برگردانده شد، در راه بروی سرمایه خارجی چارطاق باز شد و حقوق و امتیازات ویژه ای برای آن تضمین گردید. اکنون بودجه و سیاست اقتصاد ملی راه رچه بیشتر بانیا زهای بهمنس امپریالیستی و سرمایه ارتجایی دلارهای نفتی تطبیق میدهند. وابستگی خارجی تشدید میگردد و شرایط دریافت "کمک" خارجی سخت تر میگردد.

علاوه بر اینها چنان شکلی از پیشرفت کشاورزی تشویق و ترغیب میشود که به تعمیم در درناک هر چه بیشتر مناسبات سرمایه داری در اقتصاد ارضی می انجامد. اگر چه دولت از اصلاحات ارضی سخن بمان می آورد و کمیته ویژه ای گزارشی را در این مورد برای بررسی به دولت ارائه کرد، پیشنهادها و توصیههایی که در آن آمده حاوی برخوردی سطحی بمسائل اساسی میباشند. تهیه کنندگان گزارش پیشنهاد میکنند تقسیم بسیاری اراضی موجود ارضی حفظ شود و حتی سخنی هم از ضرورت الفای بقایای فئودالیسم که تا امروز هم روستاها را در بر گرفته بمان نیامده است. ولی همین

۱ - شرح تریجوع کنید به م. رحمان. آرایش نیروها پس از انتخابات. مجله "مسائل صلح

و سوسیالیسم" شماره ۲، سال ۱۹۸۲.

گزارش آشکارا بنام شیوه های سرمایه داری کشاورزی موضعگیری میکند .

تمام اینها گویای آنست که اینک در بنگلادش بشدت سیاست تشویق و ترغیب سرمایه داری محلی با اصطلاح آزاد ولی عملاً وابسته به امپریالیسم اعمال میشود . سیاست " درهای باز " که بنام پهنس خارجی است با تمام وسائل تقویت میگردد و در همین حال در جهت سرمایه گذاری برای صنایع کارمندی صورت نمیگیرد . تعمیق هرچه بیشتر بحران اقتصادی و بدتر شدن شرایط زندگی اکثریت قاطع مردم از واقعیات است . ۸۵ درصد از اهالی بنگلادش در حد پایین تر از مرز فقر و محرومیت زندگی میکند .

محافل حاکمه میکوشند سیستم سیاسی جدیدی را برقرار سازند که سلطه نیروهای مسلح را بر پایه استواری تثبیت کند و این کار را میخواهند از طریق انجام تغییرات لازم در قانون اساسی صورت دهند . قوانینی را تهیه و تدوین میکنند که در جهت کاهش تعداد احزاب است . چندی است پروسه ایجاد ساختار دستگاه اداری جدید که در آن واگذاری مقامات مختلف کشوری به نظامیان پیش بینی شد اما از گذشته است . در ارگانهای قضایی تغییر و تحولاتی بوجود میآید . دولت میخواهد در صورت امکان فعالیت سیاسی را برای همیشه قدغن نماید ، به قطع فعالیت سازمانهای جنبش دست یابد و مبارزات اعتصابی کارگران و سایر زحمتکشان را متوقف سازد . در رشته آموزش و پرورش سیاست تازه ای در پیش گرفته شده که به تشدید نفوذ اندیشه های ارتجاعی در ایدئولوژی و فرهنگ می انجامد . دوری از پایه ها و اساس حکومت عرفی و غیرمذهبی ادامه دارد ، برای ایجاد " جمهوری اسلامی " تشوکرانیک اقداماتی بعمل میآید .

حکام بنگلادش در عرصه بین المللی در مقابل امپریالیست ها به تعلق و چاپلوسی میپردازند . روابط با ایالات متحده امریکا و ارتجاع عربی گسترش مییابد . رژیم بمنظور نشان دادن استحقاق بیشتر در گرفتن " کمک " عملاً تسلیم دستورات بانک بین المللی عمران و پیشرفت و سایر سازمانهای مالی بین المللی میگردد که تحت کنترل امپریالیسم قرار دارند . رژیم " دولت انقلابی کامیوجی " در موکراتیک " غیرقانونی و کدافی را که سیانوک در رأس آن قرار داشت برسمیت شناخت و نسبت به ضد انقلابیون افغانستان علاقه و حسن نظر نشان میدهد .

ولی دولت حتی با پیروی مصرانه از سیاست ارتجاعی و ضد مردمی موفق نشد به درگیری های محیط داخلی خود پایان بخشد و وحدت نظر برسد . درون طبقه حاکمه مبارزه جریانها و گرایشهای مختلف جریان دارد و همین فعالیت آنرا دشوار ساخته ، مانع هم آهنگی در کارها است . این امر موجب نامعلومی آینده و تیرگی مجموعه اوضاع سیاسی است که بدتر شدن وضع را بدنیال دارد .

موضع حزب وتوده ها

طی یکسال ونیم گذشته وضع توده های مردم دشوارتر گردید . کارگران را اخراج میکنند ، از حقوق سیاسی محروم میسازند و بیرحمانه استثمار میکنند . حقوق سندیکاکی طبق قانون حکومت نظامی بشدت محدود گردیده است . پروسه فقیر شدن ساکنان روستاها که با افزایش بیسابقه تنگدستی و محرومیت کارگران کشاورزی ، افزایش تعداد بینوایان فاقد زمین و ازهستی ساقط شدن دهقانان بی زمین همراه است ژرفتر میگردد . قرارداد دایر بر افزایش قیمت کالا های مورد نیاز ساکنان روستاها در همین کاهش بهای فرآورده های بخش ارضی ضربه سنگینی بر تمام قشرهای دهقانان وارد آورد . اقتصاد پارکود مواجه است و تدابیری که از طرف دولت اتخاذ شد کسادی و تنزل بدنیال داشت . حتی آن قشرهای جامعه هم که وزن و نفوذی دارند اظهار یأس و نومیدی میکنند .

دانشجویان که از لحاظ سیاسی آگاهترین بخش فعال اهالی هستند و بطور سنتی باره و روش ضد موکراتیک مبارزه میکنند بخصوص برخوردی انتقاد آمیزه رژیم دارند . ناراضی محصلین علیه سیاست در عرصه آموزش و پرورش است که امکان تحصیل قشرهای فقیر را محدود میسازد . دولت عملاً از گروههای متنوع اهالی منفرد گردیده است . یأس و نومیدی فزاینده از خط مشی دولت واقعیت دیگری است . مردم بدنیال چاره میگردند . راه حل فقط میتواند در درگساری مترقی وضع اجتماعی - اقتصادی یافته شود . چنین گام انقلابی بدون نیروی چپ مترقی که با جلب پشتیبانی مردم نقش نیروی ملی همگانی را ایفا خواهد کرد ، غیر ممکن است . ولی متأسفانه ، توده های زحمتکش که تکیه گاه عمده تغییرات بنیادی هستند نامشکل و فاقد آمادگی ایدئولوژیک میباشد .

حزب کمونیست بنگلادش از مشی دست یابی به وحدت و تفاهم متقابل احزاب چپ و مترقی پیروی میکند و در همین حال موافق ایجاد اتحاد با محافل وسیع و موکراتیک در دفاع از دموکراسی و حقوق و آزادیهای مندرج در قانون اساسی است .

پس از سومین کنگره حزب کمونیست بنگلادش (فوریه سال ۱۹۸۰) ماهه یک سلسله ابتکاراتی بمنظور نزدیکی احزاب جناح چپ و مترقی دست زدیم . مدت زیادی است که بین هفت حزب از این احزاب شور و مشورت جریان دارد ، از جمله هردو فرآکسیون حزب ملی خلق (مظفر احمد و جواد حوری هارون الرشید) و همچنین حزب اکوتا (سازمانهای مذکور نزدیک ترین متحد پسین ما در مبارزه در راه وحدت سیمین پرستان هستند) . جاتیه ساماج تانتریک دال (شرح آن بعداً

میآید) که از جامعه خلق جدا شده (سال ۱۹۷۲) نیز با هماهنگی میکند. البته باید گفت در آن مناقشات درونی بوقوع پیوست که ناشی از فعالیت گروهی است که در مواضعی ماجراجویانه قرار دارد و بین بخشی از فعالین دارای نفوذ است. این امر پیرویه وحدت هفت حزب را پیوسته مخاطره افکند. از طرف دیگر، حزب کارگری که زمانی از مشی مائوئیستی پیروی میکرد، اینک آنرا کنار نهاده و در توافق با حزب کمونیست عمل میکند. کمونیستها میکوشند وحدت احزابی که نام بردیم بر پایه برنامه چپ رادیکال بوجود آید. این هفت حزب حالا دیگر موفق شده اند سند برنامه ای مشترکی تهیه کنند، این در زمان وجود دارد که برخی دیگر از احزابی که از مائوئیسم بریده اند نیز به این اتحاد بپیوندند. بدیهی است که تشکیل ائتلاف مؤثری از نیروهای چپ و مترقی، امری است که در راه خود پادشوار بهائی رهبر و خواهد شد.

در همین حال ما و احزاب چپ دارای سنگبازی مترقی از وحدت گسترده و دموکراتیک برای الفای حکومت نظامی و احیای دموکراسی طرفداری میکنیم. جامعه خلق (لیگای خلق) که رهبری مبارزه آزاد پیشخور را بعهده داشت و هنگام ریاست جمهوری مرحوم مجیب الرحمن کشور را اداره میکرد بین احزاب دموکراتیک متمایز میگردد. از آن زمان تا کنون موفق نشده است وضع سابق را باز یابد و دستخوش کشمکشهای درونی است. در رهبری آن فراکسیونی بانفوذ است که دارای سمت گیری لیبرال - بورژوازی است. فراکسیون نسبتاً مترقی دیگر این حزب از پشتیبانی بخش قابل توجهی از فعالین برخوردار است. ولی در برخی از موارد موضعگیری آن ماجراجویانه است.

با وجود موانعی پیرویه وحدت تمام محافل میهن پرست مرتباً پیشرفت میکند. چندین پیش پانزده حزب توافق کردند در مبارزه در راه دموکراسی مساعی خود را متحد سازند، این امر بدون تردید بزرگترین تحول بشمار میآید. در همین حال حزب ناسیونالیست که از رهبری کشور کنار گذاشته شده در حالت انشعاب است و قادر نیست در توده ها نفوذ کرده و با آنها سمت بدهد. در باره نیروهای راستگرا، ارتجاعی و مسلمان های بنیادگرا (فوندمنتالیست) (۱) باید گفت فعالیت آنها در عرصه سیاسی بقوت خود باقی است.

حزب کمونیست میکوشد با استفاده از سازمانهای توده ای، کارگران، دهقانان، دانشجویان و نمایندگان سایر گروههای اهالی رابه جنبش دموکراتیک جلب کند. ایجاد کمیتههای وحدت عمل اتحادیه های دانشجویی، فدراسیون های سندیکایی، سازمانهای دهقانان و کارگران کشاورزی به این کار کمک کرد. کمیته دانشجویان که بمقیاس سراسر کشور در صفاول مبارزه

۱ - بنیادگرا (فوندمنتالیست) شخصیت های مذهبی - سیاسی کمخو استار اسلامی شدن کشور و برقراری حاکمیت استورسوم محافظه کارانه دینی در تمام عرصه های زندگی اجتماعی میباشند.

در راه دموکراسی قرار دارد به فعالیت ویژه ای دست زده است.

آغاز زنگرانی آورسال

آغاز سال جاری با تشدید بسیار روخامت اوضاع داخلی مشخص میگردد. مقدمه آن مبتنیگ ها، اعتراضات و اقدامات دیگری در مدارس بود که چند ماه طول کشید. چنانکه گفتیم، دانشجویان در درجه اول از سیاست محافل حاکمه در مورد مسائل آموزش و پرورش اظهار نارضایتی میکردند. کمیته عمل دانشجویی تصمیم گرفت ۱۴ فوریه در ریاست به تظاهرات اعتراض آمیز بزرگی دست بزنند تا خواسته های دانشجویان رابه اطلاع وزیر آموزش و پرورش برسانند. همچنین در نظر گرفته شد بود روز ۲۱ فوریه که در سنگلاش بمنزله روز شهدا (۱) برگزار میگردد و شرکت کنندگان در پانزده حزبی که یاد آور شدیم در برابر مردم اجتماعی تشکیل دهند تا مبارزه در راه دموکراسی شدت بیشتری کسب کند. ولی رویدادهای بعدی که بسرعت فرارسید شکل فاجعه آمیزی پیدا کرد. در روز مقرر انبوه دانشجویان در شهرک دانشگاه گرد آمدند تا در تظاهرات شرکت کنند و در همین حال از هر عمل تحریک آمیزی اجتناب ورزند. ولی عمال دولت نقشه دیگری داشتند. تظاهرات کنندگان هنوز از حومه دانشگاه خارج نشده بودند که مورد حمله دسته های پلیس و ارتش قرار گرفتند. آنها بسروی مردم بی سلاح آتش گشودند. آنها را مضروب ساختند، هزاران دانشجویان را دستگیر کردند، شهرک دانشجویان اشغال شد و مدارس تعطیل گردید. سرپازان بخش های اطراف را خانه به خانه گشتند، به زنان و کودکان هم رحم نکردند.

بعلامت اعتراض علیه تضییق و فشار و کشتار فراخوانی به اعتصاب عمومی بعمل آمد که مورد پشتیبانی پانزده حزب مترقی و دموکراتیک قرار گرفت. موج اعتراض به سایر شهرها هم سرایت کرد. از خصایص این اقدامات دانشجویان توده ای بودن آنها و فعالیت و از خود گذشتگی دانشجویان بود.

ارتش بهر حانه تمام بارزین در راه دموکراسی را سرکوب میکند. اتومبیل های باری اجساد کشتگان را حمل میکردند و صد ها نفر مجروح گردیدند. برای جلوگیری از گسترش تظاهرات اعتراض آمیز در همه جا پست های نظامیان و کشیک گماردند. در ریاست حکومت نظامی اعلام شد.

۱ - ۲۱ فوریه سال ۱۹۵۲ پلیس پاکستان در کابل و در تظاهرات دانشجویان در تظاهرات آتش گشود. آنها خواستار بر رسمیت شناخته شدن زبان بنگالی بمنزله یکی از زبانهای رسمی پاکستان بودند. آنچه شرکت کنندگان در تظاهرات دانشجویی آغاز سال ۱۹۸۳ میلیدند الفای حکومت نظامی بریدن از مشی اسلامی کردن کشور و الفای تکلیف آموختن زبان عربی بود. هیئت تحریریه.

بوسائل ارتباط جمعی دستور داده شد چیزی درباره این رویدادها انتشارند هند . موج ترویج سراسر کشور را فراگرفت .

در ۱۵ فوریه اکثر لیبرالان احزابی که در تظاهرات طبعی و فشار شرکت کرده بودند و از جمله رفیق محمد فرهاد و میرگل کمیته مرکزی حزب کمونیست بنگلادش بازداشت شدند . آنها را با چشمان بسته به مقامات نظامی سپردند و از آنها بازجویی کردند . از آنجا که خبر مربوط به بازداشت آنها چند روز بعد انتشار یافت "مفقود الاثر شدن" گروهی از شخصیت های سیاسی معروف موجب بروز نگرانی برای جان آنها شد . وقتی که بالاخره صورت بازداشت شدگان اعلام شد نام رهبران حزب کمونیست بنگلادش میان آنها نبود . این خود طاعت تازه ای برای نگرانی گردید و این مسئله پیش آمد که آیا طبقه حزب تدابیر ویژه ای تدارک نمیشود .

رویدادهای ۱۴ و ۱۵ فوریه خصلت تضییق سیاست دولت و در همین حال انزوای دولت و افزایش بیگانگی میان آن مردم را نمایش داد . تا یک هفته پس از آنهم در اطراف واکتاف کشور قیام و اعتراض علیه بی قانونی ها ادامه داشت . ولی بتدریج از شدت جنبش کاسته شد ، علت آنهم شدت تضییق و فشار ، فقدان وحدت درون آلیانس پانزده حزب و لایقید ی سیاسی بخش بزرگی از اهالی بود .

با وجود این مبارز مشترک مابست و پیوسته نبود . دولت مجبور شد تقریباً تمام بازداشت شدگان را آزاد کند . حتی برخی از مقامات دولتی لزوم انجام دیالوگ با احزاب سیاسی را مطرح ساختند . از ما آوریل تشکیل "میتینگ در میان چهار دیواری" (جلسه در فضای بسته) آزاد اعلام شد .

برخورد مابند دیالوگ

بدین ترتیب ، دولت میکوشد در باره مساوئ مربوط به قانون اساسی و دیگر مسائل سیاسی با احزاب دیالوگ ترتیب دهد . اخباری درباره مراحل هائی که دولت پیشنهاد میکند به ما میرسد . وجه مشترک آنها تثبیت کنترل ارتش در دولت آینده ایست که باید بر پایه قانون اساسی تشکیل شود . نظامیان میکوشند رشته امور را در دست خود نگهدارند و مانند گذشته بر امور اداری و حاکمیت دولت نظارت کنند (۱) .

۱ ... اخیراً ژنرال ارشاد از منوچق انداختن مجدد وقت احیای حاکمیت غیر نظامی در بنگلادش را اعلام کرد . انتخابات سراسری که برای اکتبر سال ۱۹۸۴ پیش بینی شده بود به ماه مه ۱۹۸۵ موکول گردید . هیئت تحریریه .

از طرف دیگر اکثر احزاب سیاسی و از جمله پانزده حزبی که نام بردیم خواستار احیای قانون اساسی سال ۱۹۷۲ هستند که تجسم سیستم دموکراسی پارلمانی است . آنها مصلحاً خواستار لغای حکومت نظامی ، انجام انتخابات دموکراتیک و بازگشت به رژیم مشروطه میباشند و عادی ساختن وضع کشور را طلب میکنند که آنهم مستلزم آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی و رسیدگی قضائی به فاجعه فوریه سال ۱۹۸۲ است . این محافل ، بدون آنکه دیالوگ را رد کنند خواستار ایجاد محیط اجتماعی هستند که امکانات هر چه بیشتری را برای گسترش دامنه فعالیتشان تأمین نماید .

گرایشهای راست و چپ گران خود آلیانس میان احزاب مانع جدی در راه اقدام مشترک پانزده حزبی است که با هم عمل میکنند . در آنجا جریانهائی افراطی ماجراجویانه و منشی که حاضر به سازش با رژیم است نیز وجود دارد که متکی به محافل بانفوذ است . حزب کمونیست میکوشد برخوردار ی مشخص به اوضاع داشته باشد و از منشی وحدت عمل این احزاب بپروی کند ، زیرا این امر در زمینه اوضاع معاصره و نظر گرفتن تناسب نیروها در کشور بویژه حائز اهمیت است .

از سیر رویدادها میتوان مشاهده کرد که بی ثباتی سیاسی پدید آمده ای دائمی در بنگلادش شده است . تجربه حزب ناسیونالیست با عدم موفقیت در برود و محافل چپ و مترقی هم نتوانستند نقش دیگری بهتر ایفا کنند . نیروهای دموکراتیک هم موفق به پرکردن خلا سیاسی نشدند . بدین ترتیب ، تمام کوشش هائی که برای احیای قانون اساسی بعمل آمد خنثی و بی اثر شد و ارتش رشته کارها را بدست گرفت . از نو و از نو حکومت نظامی اعلام میشود . دولت هایکی پس از دیگری عوض میشود . کودتا پشت کودتا فرامیرسد . در ضمن ریشه بی ثباتی در عرصه اجتماعی - اقتصادی است .

بارگرفتار بهای زندگی روزانه مردم بقدری سنگین است که فقط تغییر بنیادی اوضاع اجتماعی میتواند شریکش باشد . بدون تغییرات انقلابی فقر عمومی را نمیتوان ریشه کن ساخت . در این شرایط مبارزه در راه انقلاب اجتماعی دارای اهمیت حیاتی است .

سومین کنگره حزب ما وظیفه ای را که در برابر کشور قرار دارد اینطور تعیین کرد : برنامه انقلاب ملی - دموکراتیک که راهگشای پیشرفت است باید برنامه همگان و برنامه مردم بیدار و متشکلی گردد که آماده هستند بر این پایه خواستار تحولات انقلابی و رستاخیز ملی گردند . کنگره همچنین یاد آور شد که برای مبارزه شرایطی موجود است و در ضمن قید کرد که مسئله گری نیز وجود دارد که باید حل شود و آن فقدان ثبات کافی در محافل چپ را یکال است . برای آنکه این نیروها بتوانند بمنزله نیروی آلترناتیو عمل کنند ، کمونیست ها باید تئوریه ای در تثبیت صفوف خود کوشا

همتند هموارات این برای تأمین وحدت نیروهای چپ هم هر چه از ستشان برآید انجام میدهند. حزب کمونیست برخوردی مثبت بآن احزابی نشان میدهد که تصمیم دارند آزمونی مائوئیستی صرف نظر کنند. تاکنون یک سلسله از سازمانها و گروهها نظریات مائوئیستی سابق خود را در مسائل مربوط به سیاست داخلی و خارجی تغییر داده اند. حزب کمونیست بنگلادش میگوید بازگشت آنان بمواضع درست را تسریع نماید، ولی در عین حال مبارزه آشتی ناپذیر برای دولتیست علیه سیاست مائوئیستی را فراموش نمیکند و در قبال تجدید حیات گرایشهای مائوئیستی هشباری خود را نمایان مینماید.

حزب ضمن فعالیت میان قشرهای ستمدیده میگوید زمینه اجتماعی فعالیت خود را بویژه میان طبقه کارگر و هقانان زحمتکش گسترش داده و صفوف کمونیست ها را متحد سازد. در کشوری که اسلام مذهب ۹۰ درصد از اهالی است مابین احساسات مذهبی افراد بیده احترام مینگیریم. با توجه بسیاریه بسیج توده ها و روشن ساختن افکار آنها از لحاظ سیاسی، حزب کمونیست بنگلادش برای یکپارچگی نیروهای چپ را یکال تلاش میکند و در عین حال خواستار وحدت بمقیاس هر چه گسترده تر برای بدست آوردن دموکراسی و آزادی است. حزب کمونیست بنگلادش عزم راسخ دارد در آینده نیز در راه اهداف و آرمانهایی که برای تمام مردم زحمتکش پراچ میناشنند مبارزه کند.

جنبش عدم تعهد: گرایش ها و سمتگیری ها

ساردا میترا

عضو شورای ملی حزب کمونیست هند و ستان
عضو هیئت تحریریه مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم"

رستم سورتیان

کارمند اداره مجله

از آخرین مجمع عالی جنبش عدم تعهد یعنی هفتمین کنفرانس آن یکسال ونیم گذشت. اقدامات تازه بتازه وهم آهنگ شرکت کنندگان در جنبش در عرصه بین المللی تأثیر تصمیمات و تقررهای این کنفرانس را آشکارا نشان میدهند. برنامه ویژه مسائل مبارزه در راه صلح، خلع سلاح کاهش تشنج و مبارزه علیه رانوروش استعماری، نواستعماری و نژاد پرستی که در دهللی به تصویب رسید برای بسیاری از ولتتها و جنبش های آزاد بخواهانه هنوز هم بمنزله رهنمودی است و شخصیت های دولتی و محافل گسترده اجتماعی بطور مداوم بدان مراجعه میکنند.

طی ماههای گذشته گروهی از کشورهای غیرمتعهد از طریق سازمان ملل متحد موضوع مشترک خود را در بار مسائل مربوط به نامیبیا و قبرس قاطعانه بیان داشتند. در ششمین اجلاس کنفرانس سازمان ملل متحد ویژه بزرگانی و پیشرفت (یونکتاد) که تابستان سال ۱۹۸۳ برگزار گردید اهمیت حیاتی هدف آینده که در گساری بنیادی مناسبات اقتصادی کشورهای در حال رشد با دنیای سرمایه داری است از نو تأکید گردید و راههایی که بدان منجر میگردد نشان داده شد.

بدین ترتیب، برنامه ای که در دهللی مورد توافق قرار گرفت فعالانه بمرحله عمل در میآید. لذا مراجعه مجدد بمنتایج آن در عین تجزیه و تحلیل مرحله کنونی جنبش از دیدگاه رهنمودهای درازمدتی که بتصویب شرکت کنندگان در مجمع رسید درست بنظر میرسد.

همبستگی با اعتراض جهانی ضد جنگ

هر قدر ارتباط متقابل پیرویه آزاد بیخوش با جنبش جهانی علیه خطر جنگ نزدیک تر باشد ، همان قدر ثمرات اقدامات جمعی در جهت لجام زدن به دعاوی امپریالیسم برای سلطه جهانی (دومی که در عصر هسته ای بی اندازه خطرناک است) بیشتر خواهد بود . هفتمین کنفرانس سران کشورهای غیر متعهد باردیگر این نکته را تأیید کرد که اینک سرنوشت صلح همگانی در مرکز توجه خلقهای تمام نقاط جهان قرار دارد . تدارکات جنگی امپریالیسم در آسیا ، آفریقا و امریکای لاتین همانند در خطر آرزوهای می شود ، هم خطری برای صلح همگانی و هم خطری برای آزادی ملی که به بهای نبرد های شدید بدست آمده است .

مجمع دهللی امکان داد نگرانی عظیم جنبش از تشدید وخامت اوضاع بین المللی ، و خزش و قفناپذیر تشنج در سطح جهان ، بدین سبب که کشورهای در حال رشد یکی پس از دیگری مورد فشار و شاننا از طرف ارتجاع امپریالیستی قرار میگیرند ، احساس کرد . اکثریت قاطع شرکتکنندگان گروه کشورهای غیر متعهد حاضر نیستند مبارزه خلقها در راه استقلال و قدر و منزلت انسانی را در زمینه " روبروش شرق و غرب " مورد توجه قرار دهند و احیای " جنگ سرد " را محکوم میکنند . بطوریکه در بیانیه نهائی مجمع گفته میشود ، جنگ سرد با " رقابت بر سر منطقه نفوذ و سلطه و استثمار و ربخش های تازه و تازه ای از کره زمین " همراه است ، حتی بدون یادآوری آنانکه بلا واسطه از مشی سیاستارستی و توسعه طلبانه پیروی میکنند (۱) در این مورد معین احتمال آن نبود که بخود شک وتردید راه دهدیم که لحن شدیدی این اظهارات متوجه کیست . سیاست و تبلیغات کسانی محکوم میگردد که در موضع دفاع از " مناطق منافع حیاتی " قرار دارند و تلاش میکنند کشورهای غیر متعهد را بعد از استراتژی بلوکی امپریالیستی جلب کنند . چنین مشی در درجه اول لشکرکشی ریگان علیه کاهش تشنج را بخاطر میآورد ، آنها را در شرایطی که کاهش تشنج مظهر خواستها و آرزوهای خلق های صلحدوست کره زمین گردیده است .

ارتباط تحکیم باینده جنبش همدم تعهد با جنبش جهانی ضد جنگ از مشخصات نمونه وار و تشبیه مرحله کنونی امنیت . کشورهای غیر متعهد و سوسیالیستی در فعالیت های بین المللی در جهت لجام زدن به اقدامات و نقشه های تجاوزکارانه امپریالیستی باید یکدیگر همکاری میکنند . انطباق و نزدیکی مواضع اصولی آنها و اینها در مورد مسائل گرهی مانند مسئله خاور نزدیک

۱ - نامفهوم و ابهام برخی از فرمول بندیهای اسناد جنبش معمولاً بدین مربوط است که بشیوه توافق ضمنی به تصویب میرسند که ضمن آن نظریات بسیار مختلف و اغلب متضاد هم مورد توجه قرار داد میشود .

و جنوب آفریقا ، برخورد نسبت به اتحاد های نظامی و پایگاههای امپریالیسم ، انتقاد از نظر سینه جنگ هسته ای " محدود " و نظایر اینها کاملاً روشن است . تظاهرات ضد موشک خلقها برای شرکت کنندگان در جنبش عمیقاً قابل درک است . گرایش به هم آهنگی هر چه بیشتر کوشش ها در دفاع از صلح در خود کشورهای در حال رشد آشکارا چشم میخورد و این امر بوضوح در سازمان ملل متحد نمود امر میگردد . این کشورها در آنجا اکثریت دارند و پیش ازین می از اعضای شورای امنیت با ترکیب فعلی خود (۸ کشور از ۱۵ کشور) از کشورهای در حال رشد است . علاقه آنها به مؤثر بودن قرارها و تصمیمات سازمان ملل متحد بجا است . زیرا پیشنهادات در باره حیاتی ترین مسائل با شرکت نمایندگان کشورهای غیر متعهد تهیه و تدوین میگردد .

از زمان تشکیل هفتمین کنفرانس جنبش ، اغلب آنرا " بزرگترین کنفرانس در تاریخ جنبش دفاع از صلح " مینامند . ایندیرا گاندی رهبر هند و ستان که پس از کوبا کشور بعدی صدارت جنبش عدم تعهد گردید ، چنین اظهار داشت . این آرزوهای دامنه بسیار گسترده علاقه و تعالیات صلحدوستانه را تأکید میکند . بدین ترتیب تأثیرات کارات کشورهای در حال رشد در جهت تحکیم امنیت بین المللی اهمیت بیشتری کسب میکند .

جنبش بنیانگذار بسیاری از این ابتکارات است ، بطور مثال ، خواست ایجاد مناطق صلح در بسیاری از نواحی کره زمین . در ضمن منطقه صلح نه فقط بمنزله عامل لجام زدن به دسایسی امپریالیسم و از بین بردن حضور نظامی آن در سرزمین های آسیا ، آفریقا و امریکای لاتین ، بلکه بمنزله شرط مقدم تحقق وظائف سازندگی عظیم و بردامنه ای هم در نظر گرفته میشود که در برابر کشورهای کم رشد قرار گرفته است ، و شرط لازم استحکام استقلال ملی آنها نیز میباشد .

در مجمع دهللی احساس میشود که برخورد سازنده و واقع بینانه بمسئله جنگ و صلح بدون دشواری انسجام نمی پذیرد و اختلافات شدیدایدئولوژیک - سیاسی و طبقاتی درون جنبش تأثیر خود را میبخشد . به بحث و مذاکره مسائل امنیت که بلاواسطه در هم کشورهای منطقه اقیانوس هند را نگران ساخته علاقه زیادی نشان داده شد . بسیاری از سخنرانان در جلسات کمیسیون سیاسی کنفرانس خواستار نزدیکاییه هسته ای امریکا در دیرگو - گارسیا بمنزله بخشی از بند مربوط به اقیانوس هند در بیانیه نهائی شدند . ولی کسانی هم بودند که با این نظر مخالفت میکردند یا بطور کلی مایل نبودند به محکوم ساختن سیاست ایالات متحده امریکا راه داده شود .

نتیجه این بحث و مذاکره چیست ؟ بعقیده ک . سوپراها ما نیام ، از دانشندان بنام هند و ستان برخورد کنفرانس به مسائل اقیانوس هند حتی بالحنی تند تر از آنچه در سطح

اولیه سند نهائی (۱) بوده فرمول بندی شده است . هر چند در متن نهائی ، مسئله دیگر - گارسیا حتی خارج از چهارچوب بند یاد شده در بالا بررسی گردیده ، ولی این بلافاصله پس از آن آمده است و حاوی برسمیت شناختن قاطعانه حق حاکمیت کشور ما و یکی بر مجمع الجزایر چاکوس و از جمله جزایری است که امپریالیست ها اشغال کرده اند . در همانجا گفته میشود حفظ پایگاه ها خطری برای کشورهای است که در آن منطقه قرار دارند . فرمول بندی های مربوط به اقیانوس هند که به مجاز نبودن وجود پایگاه های نظامی خارجی در آنجا و به سایر اقدامات خصمانه علیه نیروهای آزاد بیخشا اشاره میکنند مشحون از نگرانی عمیقی است .

تجربه نشان میدهد که با وجود چند گونگی مواضع شرکت کنندگان در جنبش در مسائل بنیادی بهر حال ، یک موضع یکسان وجود دارد : موضع ضد امپریالیستی از لحاظ مضمون ، سازنده از لحاظ سمبلیک که در مسئله عمده با مواضع سایر نیروها صلح و دست سیاره مشابه و یکسان است .

اجزاء پتانسیل ضد امپریالیستی

تعبیر و تفسیر نتایج اساسی مجمع دهلوی جنبش عدم تعهد تا کنون در مرکز بکار رشد پسند ایدئولوژیک قرار دارد . برای کسانی که جریان این دیدار را تعقیب میکردند ، احتمال نعیسرد اظهارات بعدی رومبرگ نماینده وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا در باره " ناهماهنگی " و خصلت " بحث انگیز " بخش سیاسی اعلامیه نهائی کهگویا " اصول عدم تعهد را که جنبش اسلام داشته منعکس نمیسازد " (۲) غیرمنتظره جلوه کند . " حملاتی " که به ایالات متحده شده ، در عین اینکه چنین چیزی علیه شوروی در آنجا وجود ندارد خشم وزارت امور خارجه را برانگیخته است . خلاصه اینکه ، گویا " دوری برابر " کذاتی که امپریالیسم سالهاست بالحنی گستاخانه از جنبش طلب میکند بهم خورد است (۳) .

ولی با وجود فشار نیروهای خارجی و تلاش برخی از کشورهای داخل خود جنبش برای اینکه آنرا از مواضع ضد امپریالیستی دور کنند هنوز مشی ضد امپریالیستی در آن مشی اصلی و قاطع است .

۱ - رجوع کنید به ك . سوبراها مانام : K. Subrahmanyam. Desolate Prophets : of Doom- The Times of India, March, 16, 1983.

ك . سوبراها مانام رئیس دانشکده بررسی ها و تجزیه و تحلیل دفاعی هند وستان است . در زمان تشکیل کنفرانس جزء گروه مشاورین رسمی هیئت نمایندگی هند وستان بود .

۲ - استناد به The Times of India, March 16, 1983.

۳ - در باره این موضوع رجوع کنید به س . میترا . عدم تعهد در حال حاضر : وقت تصمیمات پرس مسئولیت . مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " شماره ۲ ، ۱۹۸۳ .

یکی از بطل عمده این امر آرایش نیروها در خود جنبش است که اینک شکل گرفته است . روزنامه هندی " پتریوت " مینویسد در آنجا " سگروه عمده " موجود است . مقدم بر همه کشورهای سوسیالیستی هستند ، مانند کوبا و ویتنام ، سپس کشورهایی که دارای سمبلیکی چپ هستند و بالاخره کشورهایی که در راه پیشرفت اقتصاد مستقل گام نهاده اند ، مانند هند وستان ، الجزیره و سوریه . بعقیده " پتریوت " هم آنها هسته جنبش را تشکیل میدهند و تعدادشان نزدیک به یک سوم کل شرکت کنندگان است . پس از اینها در حدود ۵۰ کشور آمریکای لاتین ، افریقا و آسیا است که به تجربه تلخ خود یقین حاصل کرده اند که آزادی و حق حاکمیت آنها و امید آنها به درگرفته ساختن اقتصاد " ناگزیر به برخورد با امپریالیسم و ویژه با انواع آمریکا کشیش منجر میگردد . . . " . سپس روزنامه گروه دیگری از کشورهای رانامیبر که از لحاظ اقتصاد و نظامی وابسته به ایالات متحده آمریکا هستند و تعدادی از کشورهای راهم که کم و بیش سمبلیکی مشابهی دارند شامل میشود (۱) .

نفوذ کشورهای متروقی و ضد امپریالیستی ، بدون تردید ، در برخورد جنبش به انواع گوناگون مسائل : از منطقه ای تا جهانی ، تأثیری عمیق می بخشد . مبروشان خواستهای آنها روی تصمیماتی که اینک در باره مسائل حادی مانند اوضاع خاور نزدیک ، جنوب افریقا و چاد که در آتش جنگ میسوزد یاد رباره آمریکای مرکزی و حوضه کارائیب گرفته میشود چشم میخورد .

از طرف دیگر ، عامل عینی دیگری برای تعمیق اقدامات ضد امپریالیستی جنبش وجود دارد که عامل خارجی است . مشی امپریالیسم در تمام مسائل ، خواه آنجا که از محو آخرین کانون های سلطه نژاد پرستانه - استعماری مانع میکند ، خواه در امر محروم ساختن آرژانتین از حقوق قانونی بر سر زمین مالوین که بدان تعلق دارد ، خشن تر میگردد . خطر استقلال ملی و حق حاکمیت بسیاری از کشورهای آزاد شده سایه افکننده است و استقلال و حق حاکمیت آنها بارها و گستاخانه از طرف امپریالیسم آمریکا و متحدین آن در بلوک ناتونقض میگردد . علاقه شدید اکثریت شرکت کنندگان در جنبش به وحدت بر پایه ضد استعماری و ضد امپریالیستی هم از اینجاست سرچشمه میگردد . در ضمن آنها مشی هم که زیاد از این وضع خوششان نیاید ، ناچار هستند نقطه نظر مسلط را در نظر بگیرند . اغراق نخواهد بود اگر گفته شود در جنبش توافق ضمنی ضد امپریالیستی و ضد نژاد پرستی در مورد مسائل گریه مانند مسئله فلسطین ، سلطه نژاد پرستان در جنوب افریقا ، آزادی نامیبیا قطع مدخله خارجی و اقدامات تجا و کارانه علیه کشورهای آمریکای لاتین پدید آمده و شکل گرفته است .

1 - V.D. Chopra. NAM: Friends and Foes. " Patriot " March 14, 1983.

مجمع د هلی شیوې پر خورډی راکه برخی از کشورهای د نیاله رومپریالیست ها و نیروهای همزمنی طلب (سیطره جو) میخواهند به جنبش تحمیل کنند با قاطعیت رد کرد . این کشورها و نیروها سالهاست " مسائل " کذائی افغانستان و کامپوچی را مطرح میکنند . برغم این د سائس هفتمین کنفرانس ، امکانات تازه ای برای دیالوگ ، دست یافتن به توافق و جستجوی راههای خروج از اوضاع بفرنج ایجاد کرد . کشورهای غیر متعهد اکنون نظر خود را متوجه مساعی میانجیگری د بیرکل سازمان ملل متحد د رمورد مسائل مربوط به افغانستان ساخته اند و گامهایی راکه در این جهت برداشته شده مثبت ارزیابی میکنند . سیاست تحریم دولت قانونی افغانستان باشکست مواجه میگردد .

تغییر و تحول د بگری نیز چشم میخورد . ک . سوپراها ما نیام که نامش برده شد ، ضمن ارزیابی نتایج رأی گیری د رمورد مسئله مربوط به نمایندگی کامپوچی د سازمان ملل متحد یاد آور میشود که د هفتمین مجمع جنبش نمایندگان ۲۱ کشور د رجال رشد کرد د رگذشته د سازمان ملل متحد . بطرفداری ازد آورد سته پل پت رأی میدادند د ر د هلی ترجیح دادند که د رمورد " مسئله کامپوچ " سکوت اختیار کنند . او این امر را چنین توضیح میدهد : د ر آنجا ، د ر سازمان ملل متحد این امکان هست که این بیان کشور زیر فشار قرار داده شود ، " چشم و گوش باز " نمایندند ایالات متحده امریکا هم برای همین است (۱) . د ر باره این مطلب که مدافعان منافع امپریالیسم امریکا چگونه عمل میکنند ، مطبوعات بورژوازی بارها مطالبی نوشته اند و از جمله به پراتیک " پیچاندن دستها " استناد کرده اند ، بدین منظور که ابتدا احساس د نفع بودن شخصی " راد کشور مشخصی تحریم کنند و سپس بدان بجهمانند که بخاطر راتی که مطلوب و اشنگتن نیست باید بکیفر رسید (۲) .

ولی وقتی کشورهای غیر متعهد د ر چهار چوب جنبش خود همانند گروه یکپارچه ای عمل میکنند وضع طوور بگری است . آنها آسان تر میتوانند د ر برابر فشار د یکنات از خارج ایستادگی کنند ، حتی اگر د ر این گروه کشورهایی هم باشند که حاضرند بطبیخاطر نقش عامل اجرای نیات امپریالیستی را بعهده بگیرند . د ر واقع همین یکپارچگی جنبش علاقه آن خلقهای کشورهای د رجال رشد را بخود جلب میکند که هنوز موفق نشده اند از دایره نفوذ امپریالیستی خود را رها سازند . عدم تمهد برای آنها مشی بگری است که بدانها اجازه میدهد از چنگ تیزیگانه رهائی یافته ، د ر عرصه بین - المللی از مشی مستقلی پیروی نمود و به مظاهرا شکار جبر و ستم نو استعماری پایان دهند .

۱ - رجوع کنید به : The Times of India, March 16, 1983.

۲ - U.S. News and World Report, November, 1, 1982, p. 25.

نکات مهم برنامه اقتصادی

مسائل بسیار حاد اقتصادی د ر برابر گروه کشورهای غیر متعهد و د بگر کشورهای د رجال رشد قرار دارد . کاهش محصول سرانملی که د ر بسیاری از این کشورها ، برای نخستین بار از هنگام کسب استقلال مشاهده گردیده ، مظهر تبلور یافته این پدیده است .

منظره اوضاع اقتصادی د ر مناطق د ورافتاده از مراکز سرمایه داری بوجود آمده بی اندازه تیره و تار است .

بهای اکثریت قاطع مواد خامی که بطور سنتی از اینجا صادر میشود به نازلترین سطح طی پنجاه سال اخیر رسیده است . فشار انحصارها بر کشورهای استخراج کننده نفت بمنظور واداشتن آنها به کاهش بهای نفت افزایش مییابد . مجموعه کسری حسابهای خارجی کشورهای د رجال رشد (باستثنای کشورهای عمده صادر کننده نفت) فقط طی د و سال اخیر مبلغ هنگفتی راتشکیل داده و به بیش از ۱۸۰ میلیارد دلار رسیده است (۱) . امپریالیسم استثمار این کشورها را از راه وامهای اسارت آور شدت افزایش داده است . وام خارجی آنها بمیزان بیسابقه ای یعنی بیش از ۶۰۰ میلیارد دلار رسیده ، د ر ضمن بخش اعظم آن را وامها و اعتباراتی تشکیل میدهند که از بانکهای خصوصی غریبی و شرکتها با " شرایط بازار " و ریحی که سالانه به ۲۰ درصد میرسد ، گرفته شده است . پرداختی کشورهای د رجال رشد د رساله های ۱۹۸۲-۱۹۸۱ بابت ادای وام خارجی بیش از ۱۵۸ میلیارد دلار ، از جمله بحساب بهره (طبق ارقام تقریبی) بیش از ۶۶ میلیارد دلار بوده است (۲) . علاوه بر این د ر آمد شرکتهای ترانس ناسیونال از طریق سرمایه گذاری در این کشورها به ۱۶۵ میلیارد دلار بالغ گردیده است (۳) . برای جمیع این پرداختها بیش از یک چهارم بهای کل صادرات کشورهای د رجال رشد بصرف رسیده است (۴) .

۱. او . کلاوزن صد رهیت رئیس بانک بین المللی عمران و پیشرفت نگران این است که تعداد کشورهایی که طی د و سال برای عقب انداختن موعد پرداخت وام مراجعه کرده اند همان اندازه

1 - UNCTAD/TDR/2(Vol.II), July 28, 1982. Trade and Development Report, 1982, p. 19.

2 - ibidem.

3 - ibidem.

4 - ibidem.

بوده است که طی ۲۵ سال اخیر (۱). همانطور که غلام اسحق خان وزیر اداری پاکستان یاد آور شد " باصلاح کفکهای تازه به میزان روزافزونی بحساب مالخ پرداختی خود کشورهای در حال رشد بابت بهره و وام به آنها داده میشود... مابطور جدی باید به این مسئله رسیدگی کنیم کما یا این سیستم شرافتمندانه است" (۲).

ماعد ا عقاید کمانی را شاهد آوردیم که درباره آنها نمیتوان گفت دارای نظریات چپ و مترقی هستند. این قبیل اظهارات در صفوف کشورهای غیر متعهد، میتوان گفت، اینک نظر عموم را منعکس میسازند. خشم و انزجار نسبت به سیاست امپریالیستی استثمار و خصلت روابط اقتصادی مبتنی بر تبعیض جهان سرمایه داری حادث تر از هر وقت دیگر بروز میکند.

م. بیشوپ نخست وزیر برگراند اد رجریان کنفرانس د هلی به نمایندگان مطبوعات گفت: کشورهای هرچه بیشتری، خواه آنهاست که در مواضع چپ یا بینابینی قرار دارند و خواه آنهاست که در جناح راست هستند، هرچه بیشتر در برابر مسائل اقتصادی مشابهی قرار میگیرند. این گفته اود و بار درست است: هم بدین سبب که امپریالیسم بی آندهای بحران را بدوش کشورهای در حال رشد می اندازد و هم بدین علت که در شوازیهای اقتصادی مشابهی در این منطقه از جهان که مورد نظر ما است وجود دارد که بر طرف ساختن آنها نیازمند اقدامات یکپارچه و هم آهنگ و جنبه واحد آنها در مبارزه در راه دگر سازی بنیاد مناسبات اقتصادی بین الطلی بر مانی عادلانه می باشد. گروه بزرگ و بانفوذی از شرکت کنندگان در جنبش در پیگیرترین موضعی علیه سیاست امپریالیستی اعمال زور و یکتا در عرصه اقتصادی، تبادل بازرگانی نابرابر، در راه محدود ساختن فعالیت های آزمندانه شرکت های ترانس ناسیونال و تثبیت بازار مواد خام، علیه امپریالیسم " تکنولوژیک" و دگر سازی بنیادی سیستم ارزی مالی موجود سرمایه داری مبارزه میکند. این گروه در مسئله ضرورت مذاکرات جهانی که پیشنهاد انجام آن در چهار چوب سازمان ملل متحد را بموقع خود ششمین کنفرانس جنبش (در هاوانا) مطرح ساخت اصرار ویژه ای نشان میدهد. خواست کشورهای غیر متعهد در برابر فرخواندن کنفرانس ارزی مالی جهانی بمنظور پیشرفت اقدام ضد امپریالیستی صعبی است. خواست تجدید نظر بنیادی در سیستم عملکرد بنیاد ارزی بین الطلسی و سایر سازمانهای مالی بین الطلی سرمایه داری که در کنترل سرمایه امریکا است، با صدای هرچه رساتری بگوش میرسد. بهنگام دیدار د هلی پیشنهاد شد جنبش هم دم متحد نوحی " کمیسته

1 - A.W.Clausen, Recovery: Remembering the Poorest Countries
" International Herald Tribune ", April 16-17, 1983.
2 - Far Eastern Economic Review, September 17, 1982, p.72.

نگهبانی " بوجود آورده شود که بر عملیات آنها نظارت داشته باشد (۱).

ولی میتوان واکنش دیگری هم نسبت بمسائل که زائیده بحران تشدید یافته است مشاهده کرد. ضمن آشنائی با مواضع دولت های پاکستان، جامائیکا و برخی دلتیهای دیگر تا میل آشکار به ملایمت راهنگامی میتوان احساس کرد که تکیه عمد بر لزوم تصمیماتی میشود که نمیتوان آنها را بمعده تقویق افکند و آنها هم بزبان آنچه مربوط به آینده است (مانند مبارزه در راه دگر سازی بنیادی سیستم روابط اقتصادی نابرابر). بطور مثال ضیا الحق رئیس جمهوری پاکستان از تریبون هفتمین کنفرانس چنین گفت: " نه شمال میتواند در مبارزه خود در راه احیای اقتصادی از طریق رویارویی برنده گردد و نه جنوب در مبارزه خود در راه حفظ زندگی اقتصادی... وقت آن رسیده است که مقصر ساختن متقابل یکدیگر با فراخوان به آشتی عوض شود... ما باید اقدام کنیم، قاطعمانه و بسرعت بعمل بپردازیم. پس بیایید با پر داختن بمسائل که زیاد در شوارتسمت و راحت تر میتوان حل کرد (تکیه روی کلمات از ما است - نویسندگان مقاله) بکوشیم با کشورهای صنعتی به پیش رویم، به پیش برویم بتدریج ولی بااطمینان، بسوی مسائل بفرنج ترود شوارتر ".

موضوع "آرام کردن" " شمال " سرمایه داری از راه سکوت و امتناع از خواستههایی که درست بهیشتین ناراضی کشورهای امپریالیستی را بر می انگیزد (مذاکرات جهانی، رفورم بنیادی فوند ارزی بین الطلی وغیره) کاملاً بمسود کشورهای اخیر است. کوششهایی که ایالات متحده امریکا بعمل میآورد تا کشورهای در حال رشد را قانع سازد که بر خورد " پراگماتیک " یعنی پرداختن بمسائل که " زیاد بفرنج نیستند " و " راه حل آسانتری دارند " سود فراوان به بار میآورد جالب توجه است. مطبوعات بورژوازی هم با چنین سرو صدای تبلیغاتی هرگامی را توصیف و تبلیغ میکنند که در جهت گسترش اعتبارات بنیاد ارزی بین الطلی و نیات دولت ریگان برای بالا بردن میزان ممکن موجودی دلار بانک باشد. ولی معمولاً مسئله دیگری را سکوت میگذارند: این تدابیر هیچوجه بمنظور ایجاد تسهیلاتی برای کشورهای در حال رشد مقروض به اعتبار دهندگان سرمایه داری نیست، هدف آنها به نحوی از آنجا " بر طرف ساختن وقفه و بی نظمی در مکانیسم اقتصاد سرمایه داری و یافتن راه برون رفت از " مرحله خطرناک " بحران های تازه بتازه ارزی و مالی است که آنها را تهدید میکنند و تا بدین ترتیب اعتبارات بانکهای امریکائی که نمایی از مجموعه قروض و اعتبارات خصوصی که به این کشور ها داده شده متعلق بد آنها است حفظ شود.

۱ - برنامه ضد امپریالیستی پیگیر مربوط به مسائل دگر سازی مناسبات اقتصادی بین الطلی از طرف رهبر کوبای سوسیالیستی در گزارش آن به هفتمین کنفرانس جنبش غیر متعهد ها و همچنین در سخنرانی های کنفرانس مطرح گردیده است.

این نکته نیز جالب است که مشی "پراگماتیک" در توصیه های "کمیسیون مستقل ویژه مسائل پیشرفت بین المللی" که ویلی براندت در رأس آن قرار دارد نیز کاملاً مسلط است. فلسفه نخستین گزارش آن (۱) که بر اصل "اشتراک" منافع کشورهای "شمال" و "جنوب" مبتنی است این بار مؤلفین را به مشابه جلوه دهندگان آشکارا منافع قربانیان بحران، یعنی کشورهای در حال رشد با منافع مراکز سرمایه داری کشاند. اثر تازه کمیسیون چنین نامیده میشود: "بحران عمومی شمال - جنوب: همکاری بمنظور احیای اقتصاد جهانی" (۲). تکیه اصلی این بار روی مجموعه تدابیر فوری و تاخیرناپذیری است که هدف آنها، بنا بر گفته طرفداران اندیشه کمیسیون "فراهم ساختن تسهیلات برای اقتصاد جهانی است". صحبت بر سر افزایش مجدد منابع اعتباراتی بنیاد ارزی بین المللی و اقدامات اقتصادی و مالی "کلک اولیه" به آن کشورهای در حال رشدی است که از بحران وغیره بخصوص زیان دیده اند. ولی موضوع اصلی این گزارش تلاش برای اثبات با اصطلاح ضرورت تقویت سرمایه گذار بهای خصوصی در کشورهای در حال رشد و همچنین تأمین منافع بانکهای خصوصی است. این واقعیت را که در آنجا به بررسی مشروح مسائل مربوط به محدود ساختن دیکنات بانکهای بین المللی یعنی چیزی که بسیاری از کشورهای آزاد شده بسا قاطعیت هر چه بیشتری خواستار آن هستند هیچ توجهی نشده با همین موضوع میتوان تشریح نمود مسائل در گساز بنیادی مناسبات اقتصادی بین المللی را نویسنده گان گزارش بطور کلی به وقت گل نی موکل کرده اند.

جنبش عدم تعهد در مرحله کنونی متکی بر ضرورت پیروی از مشی فمالاته و برزمرش واقع بینانه در جنبه مبارزه اقتصاد علیه امپریالیسم است. کوشش هایی که بعمل می آید تا نسخه هائی را بدان تحمیل کنند که مسائل مربوط به آینده و استراتژیک را در درجه دوم اهمیت قرار دهند، به جایی نخواهد رسید. در جنبش برخوردی مسلط بود که بر اولویت نقش مسائل جهانی تأکید داشت. برنامه میسوطی برای اتخاذ تدابیر فوری در مورد عرصه های مهم مناسبات اقتصادی بین المللی برای کشورهای آزاد شده از طرف مجمع د هلی پیشنهاد شده است. فرق اصولی آن با توصیه های جریان "پراگماتیک" که "اشتراک" و "آشتی دادن" منافع سرمایه بین المللی و کشورهای ستمدیده ای را که ازین آمد های بحران در رنج و عذاب هستند، در سر لوحه مسائل قرار میدهند در همین است که تدابیر فوری مربوط به عرضه بازرگانی، مواد خام، پیشرفت و مناسبات ارزی و مالی

1 - North - South: A Programme for Survival. London, 1980.

2 - Common Crisis North - South: Cooperation for World Recovery The Brandt Commission 1983. London 1983.

از طرف شرکت کنندگان در جنبش عدم تعهد از زاویه تطابق آنها با اهداف استقلال ملی و تشرقی اقتصاد ی مورد توجه قرار میگردد.

جنبش به مشی خود کفائی جمعی که برگزیده، یعنی به سمتگیری در جهت همکاری اقتصاد ی همچنان به خود کشورهای غیر متعهد صادق است. چنین همکاری برغم وابستگی اقتصاد های محلی به بازارهای اروپای سرمایه داری، ایالات متحده امریکا و ژاپن راه خود راهوار میکند. طی ده ساله گذشته میزان بازرگانی میان کشورهای در حال رشد از ۳۰۲ تا ۷۰۱ درصد افزایش یافت. میزان کالا های تولید صنعتی در آن بطور مداوم افزایش مییابد (۲۵ درصد در سال ۱۹۵۵ و ۶۰ درصد در سال ۱۹۸۰) (۱). بمنظور کمک بیشتر به پیشرفت روابط اقتصادی متقابل در نظر گرفته شده است ایجاد یک سلسله مؤسسات نو تسریع گردد (مرکز اطلاعاتی ویژه شرکتهای ترانس ناسیونال در هاوانا و مرکز علمی - تکنیکی در د هلی وغیره)، وهم آهنگی بیشتری در برنامه های خود کفائی جمعی بوجود آورده شود. اعلامیه اقتصاد هفتمین کنفرانس تأکید میکند که "همکاری های محلی منطقه ای و بین منطقه ای کشورهای غیر متعهد و سایر کشورهای در حال رشد باید گسترش یابد و نقش عنصر جدائی ناپذیر در گساز مناسبات اقتصادی بین المللی را داشته باشد".

ضمن تشریح و توصیف برنامه اقتصاد ی جنبش که برای سالهای ۸۰ در نظر گرفته شده، باید یاد آوری کرد که این برنامه برخلاف حسابهای امپریالیست ها و واقعیات اقتصادی بحرین سالهای اخیر هیچوجه سمت ترقی یابنده ای را که بطور کلی مخصوص بدانست (از هنگام اعتلای شدید مبارزه کشورهای در حال رشد در راه استقلال اقتصادی) از دست نداده است. سمت عمده پیکار در این جنبه لزوم تغییرات ژرف در موکراتیک سیستم روابط اقتصادی مبتنی بر حقوق نسا برابر این قبیل کشورهای با جهان سرمایه داری است. مفهوم "دیالوگ شمال - جنوب" که رواج فراوان یافته پایه شدید ترین مبارزه میان مستعمرات سابق و کشورهای نیمه مستعمرها امپریالیسم است. تمام تلاشهایی که برای یکسان قلمداد کردن کشورهای سوسیالیستی با "شمال" بعمل می آید (نیم مفهوم جغرافیائی، بلکه بمفهوم سیاسی) یا وضع واقعی موجود یعنی خود سرشت طبقاتی "دیالوگ" را عمدتاً تحریف میکنند، یا ماهیت اصولاً متفاوت مناسباتی را که کشورهای سوسیالیستی و کشورهای آزاد شده را بهم مربوط میسازد در نظر نمیگیرند. همکاری اقتصادی آنها فارغ از هر گونه سرشت ناگونیستی است و مضمونش ضد امپریالیستی میباشد. این واقعاً هم دیالوگ است، ولی دیالوگ در ظرف برابر که امکانات تازه به تازه مبادله بازرگانی، افزایش اعتبارات، پیشرفت

1 - Global Negotiations, A Pragmatic Approach. A Monograph. New Delhi, 1983, p. 33.

روابط علمی و تکنیکی و غیره فراهم آورد (۱) .
متأسفانه درباره سرنوشت " دیالوگ " " شمال " سرمایه داری و " جنسوب " چنین چیزی نمیتوان گفت .

عوامل نفوذ ونیسرو

مجله قبلاً بموضع کشورهای امریالیستی در مسائل گرهی مربوط به برخورد آنها به مبارزه کشورهای در حال رشد در راه دگر سازی مناسبات اقتصادی بین المللی توجه داشته است . در شرح تحلیلی که سال گذشته انتشار یافت توضیح داده شده بود که در " دیالوگ شمال - جنوب " بچه سبب هیچ پیشرفتی حاصل نشد و چه چیزی مانع آغاز مذاکرات بمقیاس جهانی است (۲) . نتیجه گیریهای آن شرح تحلیلی باب برخی از ارزیابی های جنبش عدم تمسک درباره این مسائل هماهنگی بسیار دارد .

در واقع هم طی سال گذشته تغییرات زیادی حاصل نشده است . اگر در بیانیه ورسای هفت کشور عمده سرمایه داری (سال ۱۹۸۲) (۳) مطالب پر طول و تفصیلی درباره ضرورت مذاکرات جهانی وجود داشت ، در بیانیه تازه ویلیامسبرگ " هفت کشور " (مه - ژوئن سال ۱۹۸۳) درباره این موضوع دیگر بطور کلی کلمه ای هم بچشم نمیخورد . واشنگتن موضع منفی مانع تراشی خود را نسبت به مذاکرات حفظ کرده است . با وجود این ریگان که در نشاندادن " نرمش " اعجاز میکند میکوشد اینطور وانمود سازد که ایالات متحده آمریکا گویا اینک به درنمای چنین

- ۱ - وزن مخصوص کشورهای در حال رشد در بازگانی خارجی شورای تعاون اقتصادی به ۱۲ در صد میرسد . مبلغ کلی اعتباراتی که کشورهای شورای تعاون اقتصاد بمنظور پیشرفت اجتماعس و اقتصاد ی به این کشورها داده اند ، طی سالهای ۷۰ و ۷۱ برابر گردید . برای وارد کردن کالا از این کشورها اتحاد شوروی سیستم فاقد گمرک بوجود آورده و سایر کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی هم تدابیر مشابهی را بمرحله اجراء در میآورند .
- ۲ - رجوع کنید به : در پس موانع " دیالوگ شمال - جنوب " چه نهفته است . مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " ، ۱۹۸۲ ، شماره ۸ .

۳ - در اعلامیه بد آرورسای " هفت کشور " " انجام مذاکرات بمقیاس جهانی " حتی بمسطح یکی از " وظائف سیاسی اساسی " ارتقا داده میشود ، اگرچه برای آغاز مذاکرات چنان شرایطی پیشنهاد میشود که صاف ویوست کنده خود امکان " دیالوگ " واقعی را از بین میبرد (مانند دادن تضمین عدم هزنوع مداخله کشورهای در حال رشد در فعالیت نهاد های مالی بین المللی) .

مذاکراتی کاملاً روی موافق نشان میدهد . یکی از هدفهای نامه ای که اوپرای ژنرال ح . م . ارشاد رئیس جمهوری بنگلادش بمنزله رهبر کشوری که اینک مقام صدارت " گروه ۷۷ " (۱) را بعهده دارد فرستاد این بود . ولی تعظیم و کبرتش های ریگان نتوانستند کسی را متقاعد سازند . طبق اخبار مندرج در مطبوعات مضمون نامه درست عکس این مطلب را بیان میدارد ، در آن موضع معلوم امریکا که مدافع خلل ناپذیری " نهاد های اجباری " بنیاد ارزی بین المللی و بانک بین المللی عمران و پیشرفت و غیره و حفظ قاعده و قانونی است که امریالیسم وضع کرده تکرار میگردد (۲) . ایالات متحده امریکا مصمم است در آینده نیز به هرگونه اقدام و تدبیری (بویژه تدابیری که خصلت نهادی دارند) که خطر تخریب مکانیسم سیستم مالی سرمایه داری را (که پس از سال ۱۹۴۵ بوجود آورده شده) در بردارد مخالفت کند .

در اعلامیه نهائی هفتمین کنفرانس مقصرین اصلی سرنگرفتن مذاکرات جهانی نام برده شده است ، در آنجا گفته شده اینها " تعداد قلیلی کشورهای صنعتی ، از جمله یک کشور عظیم صنعتی (تکیه ازماست . نویسندگان) است " . با اطلاع از کنایات و اشاراتی که تمیبه کنندگان اسناد بشیوه توافق های کلی اغلب از آن استفاده میکنند بی بردن به این نکته دشوار نیست که صحبت در اینجا بر سر ایالات متحده امریکا است .

اروپای سرمایه داری هم از برخورد سازنده به " دیالوگ " بد و راست . موضع کشورهای اروپای غربی که به ناقلین اندیشه های نواستعماری " روشنگرانه " شهرت دارند ، بعکس سال به سال خشن تر میگردد . این جریان بروشنی از نمونه روابط جامعه اقتصاد ی اروپا با کشورهای آفریقا ، حوضه دریای کارائیب و اقیانوس آرام که طبق توافق های لومه (کشورهای AKT) فرمول بندی شده بچشم میخورد (۳) . بودجه و اعتباراتی که جامعه اقتصاد ی اروپا برای تثبیت قیمت های فرآورده های " جنوب " وعده داده بود کاهش مییابد و نرده های موانع سیاست حمایت گرانه هرچه بیشتر بالا برد میشود . سهم کالا های کشورهای AKT در بازارهای اروپای غربی از ۸۲ درصد در سال ۱۹۷۴ تا ۵ درصد در سال ۱۹۸۱ کاهش یافته است (۴) . چندی پیش هم جامعه اقتصاد ی اروپا از پرداخت ۴۰۰ میلیون دلار به آنها برای تثبیت اعتبار نقدی صادراتی امتناع ورزید . وزیر امور خارجه فیجی وضع کنونی جامعه اقتصاد ی اروپا را با " دیوار بتنی " نفوذ ناپذیر

- ۱ - اکنون نزد يك به ۳۰ کشور در حال رشد را متحد میسازد .
- ۲ - رجوع کنید به : The Times of India, March 11, 1983.
- ۳ - قرارداد بازگانی - اقتصاد ی جامعه اقتصاد ی اروپا با ۶۱ کشور در حال رشد مناطق نامبرده شده در فوق که در لومه (توگو) با ماضا رسیده و بطور متناوب تجدید میگردد .

مقایسه میکند (۱).

بطوریکه نتایج ششمین اجلاس یونکتاد که در ماه ژوئیه پایان یافت نشان داد ایالات متحده آمریکا و متحدین بسیار نزدیک آن یعنی جمهوری فدرال آلمان و بریتانیا نسبت به خواستهای کشورهای در حال رشد چه در ازمدت و چه کوتاه مدت موضع بسیار خشنی اتخاذ کردند. نمایندگانی آمریکا صاف و سادہ از اعلامیه‌هایی که اجلاس به تصویب رساند خود را کنار کشید و سخنانی در این باره — "یکجانبه و مضر ضامن بود آن از لحاظ ایدئولوژیک" بر زبان راند.

در دوران ما استفاده گسترده از شیوه‌های تجاویزگری اقتصادی علیه کشورهای در حال رشد و مجازات‌های بازرگانی — اقتصاد غیرقانونی، محدودیت‌ها و قدغن ساختن‌ها و غیره جز متشکله وحتی مشی امپریالیسم گردیده است. اکثریت قاطع کشورهای غیرمتعهد این خطر را درک میکنند. محکومیت چنین اقدامی درقراری آورده شده است که یونکتاد ۶ زیرعنوان "در باره امتناع از اجبار اقتصادی" بتصویب رساند و از طرف "گروه ۷۷" ارائه شده بود (در ارتباط با مجازات‌های اقتصادی آمریکا علیه نیکاراگوئه). کشورهای در حال رشد در جریان دفاع از منافع ملی خود نمیتوانند این را ببینند که امپریالیسم آمریکا کفایت‌اندان مسلح میشود، میکوشد برابری نظامی استراتژیکی جهانی را برهم زند، و مسابقت تسلیحاتی را به فضای کیهانی بکشد، درصد دست‌نقشه جنون آمیز سلطه بر جهان و از جمله بر کشورهای در حال رشد را تحقق بخشد.

فیدل کاسترو رهبر کوبا سوسیالیستی از تریبون هفتمین کنفرانس جنبش گفت مشی ملیتارستی کواشنگتن دنبال میکند برای خلقهای کشورهای آفریقائی — آسیائی و کشورهای امریکای لاتین بجه معنی است: "من اغلب از خودم سؤال میکنم: بچه سبب ایالات متحده آمریکا خارج از هر حد و حدودی مسلح میشود، بالا ترازد هر نیاز معقول و برخلاف هرگونه منطقی مسلح میشود؟ ... بچه سبب "نیروهای واکنش سریع" تازه بوجود می‌آورد؟ چرا میکوشد در تمام قاره‌ها پایگاه‌های نظامی ایجاد کند و ایجاد میکند؟ بچه علت آمریکا هر جا که ممکن است انبارهای اسلحه بوجود می‌آورد؟ بچه سبب بر متحدین خود در میان کشورهای سرمایه داری پیشرفته که آنها هم در استثمار جهان سوم شرکت دارند، فشار وارد می‌آورد تا هزینه‌های نظامی خود را افزایش دهند و آنها هم تا دندان مسلح شوند؟ آیا این فقط برای آنستکه با رقبای خود یعنی کشورهای پیمان ورشو بجنگد؟ یا قضیه بدین قرار است که امپریالیسم ... تدارک نظامی برای این می‌بیند که شیوه زندگی امریکائی را به جهان تحمیل نماید؟ یا برای اینکه بکلمه سرنیزه‌های سازمان خود، توپهای کشتیهای و بمب‌های هواپیما‌هاش منابع نفت و سایر مواد خاصی را که شدیدا بد آنها نیازمند است برای خود تأمین کند؟

این تدارکات جنگی فوق العاده در رشته تسلیحات معمولی بلاواسطه علیه جهان سوم است ...

این سؤال پیش می‌آید که اکنون منابع عمدتاً نیروی جنبش عدم تعهد در شرایط واقعیات سال‌های ۸۰ کد است؟ بهنگام تأمل روی این مطلب بی‌اختیار انسان‌ها این نتیجه می‌رسد که نیروی بالقوه جنبش فقط با تعداد شرکت‌کنندگان در آن تعیین نمیشود. اینک تعداد شرکت‌کنندگان به ۱۰۱ کشور بالغ میگردد و علاوه بر این ۲۹ کشور هم در آن بعنوان ناظر شرکت میکنند. اما، آنچه از اهمیت است این است که صفوف جنبش افزایش می‌یابد، زیرا به تعداد کشورهای کسبه برپایه منطق پیشرفت دنیای معاصر به مبارزه ضد استعماری و ضد امپریالیستی جلب میشوند و این مبارزه را در واقع در همان جنبش عدم تعهد می‌بینند، افزود می‌گردد. پیوستن نیروهای تازه آزاد بیخس بویژه از امریکای لاتین محسوس است. دولت‌ها و محافل سیاسی هرچه بیشتری از این منطقه میکوشند سرنوشت خود را با جنبش پیوند دهند تا از منافع ملی خود بطور مؤثرتری دفاع کنند، از مدار نفوذ کشورهای بیگانه رهایی یابند و برای مسائل و معضلات امریکای لاتین راه‌حلهای امریکای لاتینی پیدا کنند. بر اهمیت و وزن کشورهای شرقی در جنبش افزود همیشه، زیرا آنها با قرار گرفتن در موضع دفاع پیگیرا زوحدت و همکاری آن برای آنکه در جریان رویدادهای جهان بطور مثبت تأثیر کنند کارهای فراوانی انجام میدهند.

اتکاء بر همبستگی منبع آزمون شده نفوذ فزاینده هر جنبش شرقی است. خلقهای مستعمرات سابق را عوامل بسیار زیادی با سایر نیروهای انقلابی، دموکراتیک و رهائی بخش جهان پیوند میدهد که مانع از آنست که این عامل بنیادی به بهانه "دوری برابر" یا بهانه دیگری بی‌اعتنائی شود. جنبش بین‌مجامع شرقی و دموکراتیک کشورهای سرمایه داری هم متحدین زیادی دارد. بر تعداد طرفداران آن در آن کشورهای در حال رشدی هم افزود می‌گردد که خلقهای آنها از وابستگی‌های نظامی — سیاسی و اقتصادی به امپریالیسم در فشار هستند و خواستار پیروی از مشی مستقلی در سیاست خارجی همانند مشی جنبش عدم تعهد میباشند.

نزدیکی کشورهای غیرمتعهد به جهان سوسیالیستی مشروط به قانونمندیهای تاریخی و عینی است. سوسیالیسم برای نخستین بار بر سیستم مناسبات بین‌المللی نابرابر و استثمارگرانه ضربه وارد آورد. خلقهایی که زیر یوغ بیگانگان در رنج و عذاب بودند با الهام از سرشق و نمونه‌ای که سوسیالیسم بدست داد به مبارزه برخاستند. نظام استعماری فروپاشید. ملی‌کشورهای آزاد شده از دوران سلطه آن وظائف بسیار بزرگی برای برطرف ساختن عقب‌ماندگی شدیدا اجتماعی — اقتصادی و فرهنگی به ارث بردند. حل و فصل آنها، بطور اساسی، الهته وابسته به کوششهای خلقهای

بقیه در صفحه ۶۲

پس از آنکه ساحل غربی رود اردن به کشور ما پیوست (سال ۱۹۵۰) و خلق برادر فلسطین واردن بزندگی در خواهر یکدیگر پرداختند . گردانندگان کشور که از امکان وحدت انقلابی آنها بهیم داشتند ، زیرا میتوانست محرکی برای اعتلای جنبش میهن پرستانه باشد ، وضع سیاسی داخلی اردن را تثبیت نماید و آثار در مسیر مقابله با نقشه های امپریالیسم و توسعه طلبی صهیونیستی افکند ، تلاش میکردند در مناسبات میان اردنی ها و فلسطینی ها بدگمانی ایجاد کنند و آنها را علیه یکدیگر تحریک کنند . در ضمن یک سلسله عوامل عینی مانند اختلاف در فعالیت اقتصادی و در تجربیات مبارزات اجتماعی و اقتصادی هم در حصول موفقیت معینی برای این سیاست شرایط مساعد فراهم میکردند .

خلق فلسطین در پیشرفت اقتصادی و سیاسی به سطح عالیتری نسبت به مردم اردن دست یافت . در سالهای ۳۰ در اراضی فلسطین برخی از رشته های صنایع پدید آمد که در سالهای جنگ جهانی دوم با یافتن تخصص در برآورد و ساختن نیازهای ارتش نیروی تازه ای برای پیشرفت کسب کردند . پروولتاها هم بهمین نسبت رشد کرد و فعالیت سیاسی آن تشدید گردید . در فلسطین در آن هنگام حزب طبقه کارگر وجود داشت . تمام اینها رو به معرفت ، با اضافه ضرورت راضی مقابلیه با دساتیر امپریالیسم بریتانیا و مانع از تحقق سیاست استعماری صهیونیستی باعث غنای تجربه مبارزه جنبش ملی فلسطین گردید .

ولی در اردن وضع دیگری بوجود آمد . چون کشور بطور مطلق وابسته به امپریالیسم بریتانیا بود ، به عقب ماندگی و محرومیت محکوم گردید . صنایعی که قابل ذکر باشد وجود نداشت . کشاورزی در بن بست قرار داشت ، زیرا به پیشرفت آن از طرف دولت عمدتاً توجهی نمیشد . دهقانان اردنی مجبور بودند یا به کار کشاورزی که در نتیجه خشکسالی های پیاپی بی ثمر بود بپردازند و یا به خدمت دولت و ارتش بپردازند ، راه سومی وجود نداشت . مردم عادی بدین ترتیب در معرض تضییق و فشار دستگاری قرار داشتند کمی باید نه فقط در اردن ، بلکه در سراسر منطقه عمل نماید .

ولی درهای خدمات دولتی یا خدمت در ارتش بروی فلسطینی ها بسته بود . آنها میکوشیدند میان کارگران جایی پیدا کنند یا کاری در کشورهای استخراج کننده نفت بیابند و به خرید و فروش یا شغل های آزاد دیگری پرداختند . ناراضی از وضع حال و مظلومیت خود و فاجعه ملی ، رانده شدن از وطن ، که بر آنان گذشته بود به تشدید فعالیت سیاسی آنها کمک میکرد و دولت هم نسبت بدان با تضییق و فشار و اعمال تدابیر تبعیضی تازه بتازه واکنش نشان میداد .

محافل حاکمه با استفاده از اختلافات موجود در شرایط زندگی هر دو خلق که در نتیجه عملیات ضد دموکراتیک رژیم عمیقتر میشد ، این اندیشه را بخش را اشاعه میدادند که گویا مقدر است اردنی ها

جامعه اردن در منگنه تضادها

اسحق الخطیب

عضو هیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب
کمیونست اردن

اردن دوران سختی را میگذراند . اینک چند ده ساله است که کشور در مرکز دگرپیمایی خاور نزدیک قرار دارد و این امر در جامعه تأثیری ناز و دنی باقی میگذارد . جامعه اردن اینک از دو خلق اردن و فلسطینی هائی که از سر زمین های خود رانده شده اند تشکیل میگردد . وحدت این خلقها که در جریان مبارزات مشترک بوجود آمده بد آنها امکان داد به سلسله پیروزیهای در مبارزه علیه امپریالیسم ، صهیونیسم و ارتجاع داخلی نائل آیند . این پیروزیها برغم اینکه دولت از همان آغاز عمدتاً آکوشیده است و خلق را از یکدیگر جدا سازد و بمتضاد میان آنها دامن زند تا مصلحت تاریخی برادری میان آنها را سمیت کند و مانع وحدت عمل آنها علیه ارتجاع گردد و بدست آمده است . تضاد های طبقاتی درون جامعه تشدید میگردد . اگرچه رژیم ضد دموکراتیک هر نوع عمل اعتراض آمیز و تظاهرات زحمتکشان را سرکوب میکند ، قادر نیست توسعه و تکامل پیروسی های عینی را متوقف سازد . به ارتش کار روز مزد و از جمله دهها هزار کارگران مهاجر از کشورهای مختلف عربی و آسیائی مرتباً افزود میشود ، قشر بندی میان بورژوازی تشدید میگردد و تضاد های درونی حاد تر میشود . مسائل اجتماعی بشدت با مسائل ملی درهم آمیخته است .

ما میکوشیم در آغاز با یک نظر اجمالی به برخی از ویژگیهای تاریخ اخیر اردن در همین توجه بگذشته ، منظره جامعه کنونی اردن را مجسم سازیم .

سیاست تفرقه افکن و حکومت کن

ریشه های بسیاری از مسائل امروزی به زمانی بر میگردد که خلق اردن برای نخستین بار کوشش بعمل میآورد راههای وابستگی به استعمار را که تلاش میکرد به هر قیمتی شده جای پای خود را در میهن ما و در سراسر منطقه خاور نزدیک مستحکم سازد تضعیف نماید .

تکیه‌گاه و "مدافعان" حاکمیت باشند و فلسطینی ها گویا فقط نیروی اپوزیسیون "ابدی" هستند بلکه بتدریج ثروت‌های کشور را هم بدست خود میگیرند .

طبیعی است که طبقات استثمارگر هر دو ملیت در صلح و صفای سر میروند . اتحاد آنها علیه زحمتکشان بود . حاکمیت در دست مردم اردن نبود ، همانطور که خلق فلسطین هم بر مواضع حماس اقتصاد مسلط نبود . هر دو قریانی سیاست بورژوازی بودند . توده‌های اردنی و فلسطینی را علاقه به استقلال واقعی ، آزادی از یوغ امپریالیسم و استبداد ارتجاع داخلی همواره بهم نزدیک میساخت .

۲۱ اکتبر ۱۹۵۶ ، دولت نیروهای میهن پرست برهبری س. النوس که در انتخابات پیروز شده بود حاکمیت را در اردن بدست گرفت . این دولت میکوشید تا ابیری بمنظور دو مکرراتیزه کردن زندگی اجتماعی - سیاسی اتخاذ کند و در سیاست خارجی از موضع ضد امپریالیستی عمل میکرد . ولی ، پس از کودتای کنیروهای ضد مردمی یکسال بعد با تکان ارتش انجام دادند ، خط مشی گذشته محافل ارتجاعی که در جهت جدائی افکندن میان خلقها بود ، تسلط یافت ، اگرچه حالا دیگر با ظرافت بیشتری انجام میگرفت . این مشی با تغییرات تاکتیکی جزئی تا به امروز اعمال میگردد .

پیکار د شوار کارگران

طی سالهای اخیر پیشرفت اجتماعی - اقتصادی اردن بارشد گرایشهای مصرفی در جامعه ، تزلزل هرچه بیشتر پایه‌های اقتصاد ملی و تشدید وابستگی نواستعماری همراه بود . این نیز ناگزیر در وضع زحمتکشان بازتاب مییابد . " ثمرات زندگی مصرفی " عاید قشرهای ممتاز میشد ویدی وضع اقتصادی مردم را در فشار قرار میداد .

کشور که وابسته به دریافت کمکهای مالی از خارج است در منگنه بحران اقتصادی قرار دارد که تا حدود زیادی ناشی از کاهش درآمد کشورهای استخراج کننده نفت در خلیج فارس و از جمله عربستان سعودی و به همین نسبت کاهش کمک مالی آنها به اردن است .

از یک عامل دیگر نیز باید نام برد . بطوریکه معلوم است ، در شرایط جنگ عراق و ایران و نزدیک شدن اردن به عراق بسیاری از مؤسسات ما حجم تولیدات خود را برای برآوردن نیازهای بازار اریسن کشور تقریباً سه برابر کرده اند . حجم حمل و نقل ازره بند عقبه افزایش یافت ، کمپانی های حمل و نقل زیادی بوجود آمد . ولی این رونق فوق العاده به پایان رسید . عراق کمکهای را که طبق قراردادهای کنفرانس بغداد به اردن میداد قطع کرد . عراق حتی قادر نبود قروض خود را به مؤسسات بازرگانی اردن بپردازد و بیابهای کالا هائی را که از اردن میگیرد پرداخت نماید . نتیجه این انبار شدن

فرآورده های اضافی ، بسته شدن بسیاری از مؤسسات و افزایش بیکاری است . به علت گسترش بهره برداری عراق از راههای مواصلاتی ترکیه بسیاری از سائل ثقلیه اردن را کد مانده است . دولت با انواع وسائل بودجه را بحساب افزودن بر مالیاتها ، در عین کاهش انواع اساسی تأمین اجتماعی ، افزایش میدهد . این باری سنگین بدون زحمتکشان است . در عین حال حمله به حقوق و آزادیهای فردی تشدید میگردد و فعالیت های سیاسی سرکوب میشود . هدف از این اقدامات اختناق کامل هر نوع جنبش خلقی و توده ایست .

محافل دموکراتیک و پرولتاریای اردنی و فلسطینی که همزمان چشمگیری تقویت یافته و هر تعدادشان افزوده شده با این مشی ضد مردمی مقابله میکنند . کارگران در شرایط فوق العاده دشواری از حقوق خود دفاع مینمایند . شما خود قضاوت کنید : قانون ارتجاعی درباره اتحادیه های صنفی فقط فعالیت آنها را محدود میکند ، بلکه گروه صنفی از زحمتکشان مانند کارمندان ادارات دولتی ، کارگران کشاورزی و کارکنان یک سلسله از شرکت های دولتی را از تشکیل سازمانهای ویژه خود محروم میسازد . زحمتکشان کشور ما در ۱۷ سند یک متحد گردیده اند ، در صورتیکه صاحبکاران و سرمایه داران ۲۵ سازمان دارند که حقوق آنها را حفظ و حراست میکنند . وزارت کار مرتباً قوانین را با افزایش تدابیر معینی برای مجازات بد آنها " تکمیل " میکند . در ضمن قوانین کار کارگاهها و مؤسسات کوچک را اصولاً در بر نمیگیرد . حتی آنجا هم که فعالیت های سندیکائی مجاز است ، دولت بطور مداوم در کار آنها حالت میکند . رهبران سازمانهای سندیکائی اغلب فقط با موافقت ارگانهای امنیتی تعیین میشوند .

مهاجرین بی حقوق ترین گروه زحمتکشان هستند (در حدود ۱۷۰ هزار نفر) . کارگران خارجی طبق موازین مرسوم در اردن کمترین مزد را میگیرند و از حقوق تأمین اجتماعی محروم هستند . عضویت آنها در سندیکاهای ممنوع است . سرنویشت این افراد کاملاً در دست کارفرما است . مهاجرین بمنزله ذخیره مستقر نیروی کار نوعی نقش " در ریجه " اطمینان را برای مواقعی ایفاء میکنند که دولت میخواهد از فشار دیک بخار ناراضی کارگران بکاهد و نقشه های اعتصاب را برهم زند . استثمارگران با استفاده از اختلاف موجود در وضع حقوقی زحمتکشان " خودی " و " از خارج آمده " میان آنان تخفیفات مینمایند و آنها را علیه یکدیگر تحریک میکنند .

صفوف پرولتاریای اردن را بطور عمده روستائیان که نظریات و خرافات دوران پد رسالاری را به محیط کارگری میآورند ، تکمیل میکنند . بی آمد های چنین وضعی روشن است . ولی این را نیز باید در نظر داشت که خرده بورژوازی د موشهر پر جمعیت ترین و متنوع ترین طبقه جامعه است . موقعیت نازل در رهبرانش جامعه (فقط تعداد انگشت شماری میتوانند یکدوله از نزدیکان آن

مالا بروند " ، سطح نازل درآمد و گرفتارنهای زندگی روزمره این طبقه را به کارگران روزمزد نزدیک
میسازد . در اینجا است که اشتراك منافع پدید میآید که اغلب کارگر ، کاسبکار و پیشرو را در مبارزه
مشترك متحد میکند .

حالا میخواهم رویداد جالبی را مورد توجه قرار دهم . از آنجا که حقوق کارمندان عادی و از
جمله کارمندان دستگاه دولت ، زیاد نیست و برای رفع نیازمندیهای آنها کفایت نمیکند ، جوانان
(در درجه اول آنها که اردنی هستند) اغلب کار در ادارات راهکار کرده و برای پدید آمدن کار
بهتر بمؤسسات و کارگاهها روی میآورند . اینها افرادی هستند که نسبتاً معلومات و تحصیلات عالی دارند
و همین شکل آگاهی طبقاتی آنها را تسهیل میکند و برای پیوستن به مبارزه پرولتاریا شرایط فراهم
میآورد .

موضع طبقات بورژوازی

ویژگیهای راهروشن بورژوازی ملی ما از بسیاری جهات با این خصیصه تعیین میشود که حتی
هنگامیکه در جنبه واحدی علیه زحمتکشان عمل میکند ، بازم قادر به تثبیت صفوف خود نیست .
در اردن و گاه بورژوازی اختلاف نظر و تضاد هایی وجود دارد که ناشی از اختلاف منافع و تفاوت در موقعیت
گروهها و قشرهای معینی است .

قشر بالایی که مؤسسات بزرگ و بانکها بدان تعلق دارد نقش درشتی را در واسطه امپریالیسم
در ادارات است ، در حالیکه بخشی از سرمایه داران ملی متوسط از وابستگی بدان در فشار هستند و در
نتیجه تمایلات توسعه طلبانه سرمایه بین الملی و شرکتهای ترانس ناسیونال برای فعالیت خود
احساس خطر میکنند . ولی بورژوازی ملی واقعی و اصل میکوشد از این فشار بکاهد و بدین منظور بر برابر
سیاست امپریالیستی ایستادگی میکند و سعی دارد از مشی مستقلی پیروی نماید . امکان بالقوه
(اگر چه محدود) جلب بخشی از طبقه بورژوازی به جنبش ملی ضد امپریالیستی از اینجا سرچشمه
میکرد .

از بورژوازی طفیلی در فصل خاصی باید صحبت کرد ، زیرا منافع معاملاتی آن اکثر وابسته
به امورد لالی و واسطه قرار گرفتن است . افزایش گرایشهای مصرفی در جامعه که بازار آنرا بطور عمده
پولنهایی که بطور روز افزون از خارج وارد کشور میکنند گرم نگه میدارد (۳۰۰ هزار نفر اردنی هائیکه
کمیتههای هلیج فارس مهاجرت کرده اند سالانه تا ۳۵۰ میلیون دینار به شکل حواله و سرات
میفرستند) بسود این قشر واسطه است . اکنون تشدید بیسابقه فعالیت آن گروههای بورژوا -
طفیلی چشم میخورد که میکوشند رهبری کشور را با حصار خود در آورند و سلطه خود را برقرار سازند .

این پدیده پیدایش تغییر و تحول در خصیصت خود رژیم را درین دارد که هر چه بیشتر به بورژوازی
بوروکرات و طفیلی اردنی و فلسطینی تکیه میکند که با سرمایه غرب ارتباط بسیار نزدیکی دارد .

ولی میان بورژوازی بوروکرات و طفیلی هم اختلاف و مشاجره ادامه دارد . نمایندگان قشر
طفیلی که ثروتمند شده اند و پگرمایل نیستند (قیمت " بوروکراسی را تحمل کنند و میکوشند مؤسسات
را که با اشتراك دولت ایجاد گردیده بدست خود گیرند . در یکی از مؤسسات دولتی ویژه توزیع
محصولات کشاورزی که اینطور عمل کرده بودند بسبب سرقت های کلان جنجال و رسوایی بهار آمد .
دلالت و واسطه ها با استفاده از این رویداد میخواستند آنرا منحل ساخته ورشته کارها را بدست
خود گیرند . در این جهت تبلیغات گسترده و هدفمندی انجام میگرفت تا افکار عمومی را متقاعد سازند
که در ولتگوریا بهتر است از برخی از مؤسسات خود و شرکت در مؤسسات مختلط صرف نظر نماید . این
قبل دعاوی موجب ناراحتی و تحریک بورژوازی بوروکرات میگردد که بخش دولتی را اداره میکند و
میخواهد آنرا زیر کنترل خود داشته باشد و مانند گذشته از راههایی که برای ثروت اندوزی در اختیار
دارد (رشوه و سرقت و مانند اینها) استفاده کند .

نتیجه سلطه اقتصاد بورژوازی انگل و بوروکرات تزلزل هر چه بیشتر پایه های قدرت
پیشرفت مستقل اردن و تشدید پیروسیهایی است که جامعه را فاسد میکنند .

این نیروهای بسیار نافوذ در عرصه بین الملی حلاقند به راهجلهایی هستند که با منافع
امپریالیسم و اسرائیل مطابقت کند . آنها نیز بنوع خود بهر اقدامی دست میزنند تا اوضاع خاور نزدیک
طبق سناریوهایی جریان یابد که در درازهای نظیر کمپ - د وید یادید ارجند ی پیش بیروت تهیه
و تنظیم گردیده است . چنانکه میدانیم در دیدار بیروت قرارداد لبنان و اسرائیل بر پایه نابرابری
حقوق طرفین باضاه رسید .

اقمائه " میهن دوم "

اولین سالی نیست که امپریالیسم امریکا میکوشد از اردن بمنظور تحقق نقشه های حل و فصل
امور خاور نزدیک بشیوه امریکائی استفاده کند . حالا طرح تبدیل کشور به " میهن دوم " برای
فلسطینی ها باشد و ویژه ای تبلیغ میشود .

مبلغین اندیشه " میهن دوم " بدین متوسل میشوند که گویا همین حالا در اردن فلسطینی ها
زندگی میکنند که تبعه آن کشور شده اند . آشکارا بد میشود که میخواهند فلسطینی ها را با ورنمای
ایجاد کشور خود در سرزمین اردن " بهسوزاندازند " . ولی این کار را فقط بمنظور آسایشین بذر
شک و تردید در عادلانه بودن مبارزه جنبش ملی فلسطین انجام میدهند . هدف دیگر این است که

این حکم را باثبات رسانند که برای فلسطینی ها " جایی در زیر آسمان " کاملاً کفایت میکند و آنهم اردن خواهد بود . مجریان سیاست امحا " دسته جمعی میکوشند میان خلقهای اردن و فلسطین اختلاف و نفاق افکنند و مناسبات بین آنها را با زهری اعتماد یویدگمانی مسموم سازند .

روشن است که هربران اسرائیل و ایالات متحده امیکانگران سرنوشت فلسطینی هانستند . اگرچه مهترین مسئله برای تل اوپو جلویگیری از پیدایش دولت مستقل ملی در اراضی فلسطین است و گردانندگان صهیونیست در واقع امر خود اندیشه ایجاد چنین دولتی را ، هرچاکه میخواهد باشد ، در ساحل غربی رود اردن ، کوهستان السلط در ساحل شرقی این رودخانه یا ساحل اقیانوس هند و صحرای رُبع الخالی (١) رد میکنند . دوری و نزدیکی محل اهمیتی ندارد ، مسئله اساسی ناپودی کامل امکان تحکیم خود ویژگی و حق تعیین سرنوشت خلق فلسطین است . در ضمن هم اکنون در سرزمین های اشغالی ساحل غربی ساختمان آبادیها و ابنیه نظامی بشدت ادامه دارد . دولت اسرائیل میخواهد به تمام جهانیان نشان دهد که پیرا چند سال سرزمین آزاد برای ایجاد دولت فلسطین باقی نخواهد ماند .

طرح " میهن دوم " در عین حال گواه بر این است که با وجود روابط بسیار نزدیک با ایالات متحده امریکایه رژیم اردن نقش بیادیه صفحه شطرنج واگذار کرده که اگر منافع سیاسی اتحاد امپریالیستی صهیونیستی ایجاد نماید ، همیشه میتوان آنرا قربانی کرد . در زمینه این نیت ، خود موجودیست اردن چیرین نظر میاید که کاملاً وابسته به " حسن نیت " ایالات متحده امریکا و اسرائیل است .

این قبیل نقشه های " صلح آخرین " از جمله " نقشه ریگان " که این اواخر ارائه شده بمنظور ضربه زدن به مبارز قشون اردنی ها و فلسطینی ها است که بنا به عقیده امپریالیست ها در اردن تاثیر " سو " می بخشد . اسرائیل با حمله به لبنان بار دیگر نیت تجاوز کارانه خود را نشان داد . غرض ها توسعه طلبانه صهیونیست ها برای اردن هم خطرناک است ، زیرا بدین طریق میخواهند آنرا وادار سازند که قرارداد صلح جداگانه را امضاء کند .

حزب ما این نقشه ها را افشا میکند و برای توده ها توضیح میدهد که مبارزه فلسطینی ها در راه ایجاد دولت خود در سرزمین های آنها و ایجاد ایشان با مبارزه مردم اردن در یک مسیر جریان دارد . این دولت رسالت دارد که نگاه وحدت هرد و خلق و سپهر مطمئن در برابر توسعه طلبی اسرائیل در اردن باشد . در مابینه سیاسی که در آخرین اجلاس شورای ملی فلسطین به تصویب رسید به بر اهمیت این مناسبات برادرانه بویژه تأکید گردیده است . وجود این مناسبات خود زمینه ای بسرای

١ - بیابانی در بخش جنوبی شبه جزیره عربستان . هیئت تحریریه

تصمیمات شورای ملی فلسطین در باره آینده کفد راسیون با اردن بود ، کفد راسیونی که با کفد مستقل فلسطین پس از ایجاد آن بوجود خواهد آمد .

صداقت و وفاداری نسبت به تمهد انترناسیونالیستی و میهنی

ما کوشش کردیم تحولات جامعه ای را نشان دهیم که تا رویودش راتضاد های بزرگ و کوچک تشکیل میدهند ، جامعه ای که تحت تأثیر فساد انگیز امپریالیسم و فشار داعی آن است . چنین جامعه ای فاقد آینده است . خروج از بحران فقط از راه دگرگونی های اجتماعی - اقتصادی و سیاسی عمیق امکان پذیر است .

کمونیست های اردن همانند سایر نیروهای جنبش ملی کشور در شرایط بغرنجی فعالیت میکنند . در کشور ما قانون گذاری مبارزه با کمونیسم و مصوبات دیگری که آزاد بهای دموکراتیک را نقض میکنند بقوت خود باقی است . شرایط غیرعقلی ما را به یافتن راههای گوناگون برای کار میان توده ها وادار میکند . ما به طبقه کارگر و جنبش سندیکائی بویژه توجه داریم و بدان اهمیت میدهم .

کمونیست ها موفق شده اند در رهبری برخی از اتحادیه های بزرگ تأثیر کنند . رفتای ما از هر کسی کنندگان فعال تمام تظاهرات توده ای و مهمترین اقدامات مختلف سیاسی هستند . آنها از جمله فعالیت های گسترده انتخاباتی ارگان های سندیکائی را سازمان میدهند ، زیرا این ارگانها در شرایط اردن بیشتر خصلت سیاسی دارند تا حرفه ای . حزب بسیاری از سازمان های توده ای را رهبری میکند ، مانند سازمان های زنان ، دانشجویان و جوانان . کمونیست ها در بهرمانه کسک اتحادیه های نیروهای خلقی و سندیکائی و همچنین در کمیته احزاب و سازمانهای سیاسی کشور که چندی پیش ایجاد گردیده شرکت دارند . حزب کمونیست اردن بطور مداوم در جستجوی حل مشکلات و اشکال تازه و مؤثرتر مبارزه در راه آزاد بهای دموکراتیک ، رضای خواستهای روزمره و اجتماعی و مسیح آنان در مبارزات ضد امپریالیستی است .

ایجاد حاکمیت ملی - دموکراتیک را ما وظیفه بنیادی بشماریم و بریم که اکنون در برابر حزب طبقه کارگر قرار دارد . این بمعنی برقراری نظامی نو ، قطع ارتباط با امپریالیسم و انتخاب قاطعانه بسود ملی است که بر وسط و تکامل روابط نزدیک با جنبش رهایی بخش ملی عربی ، انقلاب فلسطین و البته با جنبش انقلابی جهانی و اتحاد شوروی مبتنی باشد . گام نهادن در راه به شرفت ملی - دموکراتیک مستلزم ایجاد ارتشی است که در مواضع میهن پرستانه قرار داشته باشد و همچنین نیازمند دموکراتیزه کردن زندگی اجتماعی و ایجاد چنان شرایطی است که مردم کشور را در حمل و فصل مسافت مهم حیاتی خودشان فعالانه اشتراک ورزند . چرخش بنیادی در سیاست داخلی و خارجی کشور را

شرط مقدم تحقق خواستها و آرزوهای خلق عرب فلسطین است که در راه بازگشت به وطن و دولت ویژه خود در سرزمین آنها* واجد ادبش مبارزه میکند .

ترکیب ملی حزب کمونیست اردن وحدت رزمجویانه طبقه کارگر و تمام زحمتکشان و وحدت خلقهای اردن و فلسطین را منعکس میسازد ، زیرا در صفوف آن هم اردنی ها و هم فلسطینی ها هستند . حزب ما برای حل مسئله فلسطین اهمیت فراوان قائل است و مساعی خود را در راه دست یافتن به حل و فصل و اتمام ادلانه مسائل خاور نزدیک مبدول میدارد . کمونیست ها در تمام عرصه های مبارزه فلسطینی ها و از جمله در صحنه نبرد بلا واسطه با آنها کمک میکنند . سرنوشته خلقهای ما با علائق نزدیک تاریخی بهم وابسته است . مبارزه مشترک آنها وظیفه عمومی انترناسیونالیستی ما بوده و هست .

بقیه از صفحه ٥٣

خود این کشور ها و گزینش صحیح راه پیشرفت است . در همین حال همبستگی و همکاریهای همه جانبه جهان سوسیالیستی در این رهگذر فوق العاده مهم است . سوسیالیسم هم بمنزله پیگیرترین پشتیبان مابنی سالم در مناسبات بین المللی و هم بمثابة نیروی اقتصادی عظیم افزایش یابند مای که به کشور های در حال رشد کمک میکند تا بطور استوار روی پای خود بایستند عمل میکند .

خود منطق جنبش عدم تعهد مستلزم وحدت آن با تمام نیروهای صلح ، ترقی و عدالت اجتماعی است . فقط بدین ترتیب جنبش میتواند موضع وزین خود را بمنزله عامل مثبت مستقل در عرصه جهانی حفظ کرده و استحکام بخشد .

اخبار کوتاه

لبنان

در اعلامیه بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست لبنان از جنبه نجات ملی که بوسیله نیروهای میهن پرست کشور را واخر زوشه سال ۱۹۸۳ تشکیل گردیده پشتیبانی میشود . حزب کمونیست لبنان تمام احزاب و سازمانها و شخصیت های سیاسی را بمنظور تبدیل جنبه نیروی واقعی که میهن را از سقوط و نابودی رهائی دهد فراخواند .

مجله و خوانندگان - نامه ها

به انتشار پاسخ ها و نامه های دیگر بنام صبت بیست و پنجمین سالگرد بنیان گذاری مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " ارا امید هم .

مجله ایجاد علاقه بمسائل دیگر میکند

رفقای ارجمند !

من در مجتمع ماشین سازی سنگین بنام " ارست تلما ن " در ماگد بزرگ کار میکنم و فعلا لانه در زندگی حزبی و اتحادیه ای شرکت میکنم . در پاسخ بدعوت شما در این پراپنکه خوانندگان عقیده خود شان را در باره مجله بیان دارند با کمال میل نظر خود را در باره مجله بشما اطلاع میدهم . من از دو سال پیش مجله را مرتباً و با علاقه میخوانم . از مقالات در باره جالب ترین موضوع ها ، یادداشت پر میدارم و در دفترچه مخصوص ثبت میکنم . این در کارهای تئوریک و سیاسی آماده شدن برای بحث و مذاکره در حوزه حزبی ما بمن کمک میکند . بطور مثال ، اطلاعاتی که در باره جمهوری توده ای لهستان در سال ۱۹۸۲ درج گردید ، به بسیاری از مسائلی که برای ما روشن نبود پاسخ داد . این امر علاقه مرا برانگیخت تا بطور اساسی در باره کشور همسایه مان مطالعه نمایم . و اکنون من ادبیات ، روزنامه ها و مجله های را که تاریخ حزب متحد کارگری لهستان را روشن میکند بشدت مطالعه میکنم .

من چند پیشنهاد مشخص دارم :

- ۱ - مایل بودم مجله در باره مجموعه موضوع های معین مهم بیشتر با خوانندگان به بحث و مذاکره بپردازد ، مانند آنکه اکنون بمسائل شمر بخشی کار حزبی اختصاص داده شده است . این قبیل بحث و مذاکرات با تعمیم تجارب بین المللی بسیار مفید خواهد بود .
- ۲ - مجله که یک ارگان تئوریک است میتواند علاقه خواننده را به این موضوع و بطور کلی بمسائل ایدئولوژیک ، مثلاً مسائل فلسفی و سایر رشته های اجتماعی - علمی بیشتر ارضاء نماید .
- ۳ - پیشنهاد میکنم مطالب بیشتری در مورد مسائل مربوط به سیاست در عرصه فرهنگ به چاپ برسد (این قبیل مطالب در مجله زیاد نیست) .

در پایان میخواهم بگویم ، که مجله برای من از ضروریات شده است .

جمهوری دموکراتیک آنگان

باسلام سوسیالیستی
اینکه بزرگ اهرکه

دو مرکز مبارزه

هیئت تحریریه محترم !

من کمونیست هستم و روی یکدکشتی لای رویی و حقاری در بند بلقاقت کار میکنم . در بیست سال گذشته در اینجا مشاغل گوناگونی داشته ام . حالا رئیس کارگاه هستم و جزاین در این ناحیه بلقاقت کار اجتماعی میکنم . وقتی انسان در ایرلند شمالی زندگی میکند دائماً بهاره " امنیت " و قوانین بی شمار مربوط بدان فکر میکند . تصور میکنم دیگر احتیاجی به قوانین مفتوح ضد کارگری و ضد سندیکائی که دولت انگلستان بتصویب رسانده ، باشد ، زیرا قانون مربوط به اختیارات فوق العاده و لایحه جلوگیری از تروریسم برای ما کاملاً کفایت میکند . شمارا نه فقط میتوانم برای یک هفته خود سرانه توتیف کنند ، بلکه همانطور که عمل پلیس و ارتش انگلستان در گذشته و حال نشان میدهد ، بدون ترس از مجازات بکشند .

زندگی در چنین شرایطی میتواند به درک کاملاً یکجانبه ای از نبرد اد های جهان بیانجامد بدین جهت است که مجله شما کمکذ قیمتی بمان میکند . مجله کامیابها و مسائل جنبش کمونیستی و کارگری بین الطلی و توضیح میدهد ، برای تبادل نظر امکان فراهم میکند و درک عمیق و روشن اوضاع در کشورهای گوناگون را بدست میدهد . بنظر من تجارب مربوط به اینکه چگونه کمونیست ها بر مشکلات و دشواریهای گوناگون فائق میشوند ، برای حزب من و فعالین آن بسیار خفید است . من فکر میکنم که مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " در نوع خود بی نظیر است ، زیرا مقالات آنرا نه ناظران حاشیمنشین ، بلکه کسانی مینویسند که در این یا آن کشور در مرکز بکار قرار دارند .

مجله به من که شناخت مارکس و آموزش مارکسیسم را تازه آغاز کرده ام و میکوشم با تفسیر فلسفی جهان آشنا شوم اطلاعات مهم فراوانی میدهد . مجله شما واقعاً یک کتاب درسی و منبع معلومات برای کسانی است که میخواهند مکانیسم نیروهای راکه در جامعه معاصر عمل میکنند عمیقاً درک کنند .

میخواهم آن بخش از مجله را که در آن اطلاعات و تفسیرهای کوتاه درج میشود خاطر نشان

سازم . ارزیابی اهمیت مطالب واقعی و مستندی که در آن وجود دارد کار دشواری است . بجای است گفته شود چنین مطالبی هرگز در مطبوعات سرمایه داری چاپ نمیشود . علت آنهم روشن است . واقعیات و تجزیه و تحلیل آنها کمک میکنند ، که در بحث وجدل با مخالفان طبقاتی و تبلیغات پیروز در باره صلح و سوسیالیسم انسان پیروز گردد .
با استفاده از فرصت بخاطر نقشی که مجله در جنبش مترقی ایفا میکند تشکر میکنم . من موفقیت های تازه و باز هم بیشتری برای آن آرزو میکنم .

باسلام برادرانسه
دنیس اسمیت - ایرلند

به جرّ بحث هم بی علاقه نیستیم

رفقای گرامسی !

من از دوران مدرسه با مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " آشنا هستم . پدرم که کمونیست و از رهبران اتحادیه است مرا با آن آشنا کرد . غالباً رفقای هرمزم او ، یعنی کارکنان و فعالین حزبین بخانه ما میآمدند و این مجله ، روزنامه های حزب و سایر نشریات مترقی را با خود میآوردند . صحبت ها اغلب در اطراف مقالات مجله در میزد و من هم بتدریج به این گفتگوها پیوستم . این اشخاص به تمایلات و مسائل مورد علاقه من شکل بخشیدند . من بوسیله آنها از سایر نشریاتی ، که در آنها درباره زندگی در کشورهای سوسیالیستی و نیز درباره رویداد های انقلابی در آسیا ، آفریقا و امریکا لاتین صحبت میشود مطلع میگردیدم . وقتی وارد کالج شدم ، شروع به خواندن مجله کردم . از وقتی که همراه با سایر دانشجویان در جلساتی که حزب کمونیست هند و ستا برگزار میکند شرکت کردم بکرات با کسانی برخورد کردم که مجله را از زمان بنیان گذاری آن میشناختند . آشنائی با ادبیات مترقی من در اولین کارهایم بمثابة کارگزار کمونیست کمک کرد و خواندن مجله در من تمایل به روزنامه نگاری ایجاد کرد و در انتخاب شغل فعلیم یعنی نگارش روزنامه نگار ، نقش بزرگی ایفا کرد .

پس از گذراندن کالج (١٩٧٠) من در روزنامه " وی زا آند هرا " که از طرف سازمان حزب کمونیست هند وستان در ایالت آند هرا برادرش بزبان تلگوگو (Telugu) انتشار میابد شروع به کار کردم . مقاله مینوشتم و کاریکاتورهای سیاسی میکشیدم . معلومات ایدئولوژیک گذشته برای من در همین همکارانم قدر و اعتباری بوجود آورد . وقتی نگارش و تهیه مطالب ستون " زندگی بین الطلی "

رابعهده من گذاشتند ، با وضوح ویژه ای احساس کردم ، که مجله شما جقدر مورد احتیاج من است . در همین حال من پیش از پیش به نقاشی های سیاسی پرداختم . کارهای من مرتباً در روزنامه منتشر میشد و درباره آنها صحبت میکردند . در همین کنگره حزب کمونیست هند وستان در راجپایا وارا (Vijayawada) (ایالت آند هرپرداش) در تشکیل معاشگاهای شرکت جستم ، در آنجا عکسهایی که از زندگی در کشورهای سوسیالیستی حکایت میکرد و پوسترهایی با موضوعهای بین المللی قرار داده شده بود . کارهای من هم در میان آنها بود .

اکنون من بعنوان کاریکاتورست برای روزنامه " آند خارا پرابها " که بر اساس " ایندیپان اکسپرس " و زبان تلگو منتشر میشود و روزانه صد ها هزار نفر آنرا میخوانند ، کار میکنم . من مطبوعات پرور وائی را میخوانم و هر روز در صفحات آنها اخبار ناراست مختلفی را می بینم . مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " کمک میکند آنچه را در پس آنها نهفته است در باجم . ولی من با نقاشی های خودم برای اندیشه های صلح و ترقی مبارزه میکنم . بر اساس اطلاعاتی که مجله میدهد بارها توانستم در بحث و مذاکره با همکاران روزنامه نویس خود پیروز شوم . مجله بمن کمک میکند قلم کاریکاتورست سیاسی را از لحاظ ایدئولوژیک با اصطلاح تیز کنم .

از هنگامیکه مجله شما در کنار سایر پریزانه های هندی ، به تلگو ، زبان مادریم هم چاپ و انتشار مییابد من و رفقایم هر شمار آنرا مورد بحث قرار میدهم . برخی از مقالات را نیز ترجمه میکنم . اغلب میخواهم بنویسمندگان ، به خاطر اقامه دلیل و برهان عالی و شیوه زیبای نگارش شاد باش بگویم . بعضی اوقات هم دلجمی خواهد که با آنها به بحث و مذاکره بپردازم . مقالاتی وجود دارد که بسیار دراز و پر طول و تفصیل است . بطوریکه میدانم پر حرفی و شیوه کلام ناراست همیشه مانعی در راه فهماندن حقایق مهم و ساده به خواننده است .

با احترام

موهان — حیدرآباد هند وستان

تذکری کوتاه

بهنگام اقامت در هند وستان توفیق ملاقات با رفیق موهان نصیم شد . آشنائی مادر (مخدوم بهاوان (Makhdoom bhavan) (1) ساختمان شورای حزب کمونیست هند وستان در ایالت آند هرپرداش) اتفاق افتاد ، که کنفرانس خوانندگان مجله " مسائل

۱ — عمارت بافتخار مبارز برجسته و کمونیست رفیق مخدوم بنام اونا میدیه شده ، چون در پایان سالهای ، عقیام معروف دهقانان در تلنگان راهبری کرده است . هیئت تحریریه .

صلح و سوسیالیسم " در آنجا تشکیل شده بود . در حین صحبت های دوستانه ، از او اندکی بیشتر از آنچه که در نامه خود نوشته ، اطلاع حاصل کردم

رسم نقاشی های موضوع های بسیار مختلف سیاست داخلی و خارجی گفت : " کاریکاتور سیاسی عشق و علاقه اصلی من است " . کارهای این هنرمند که عضو حزب کمونیست هند وستان است ، در خارج از مرزهای ایالت نیز معروف است .

موهان پیش از سی سال دارد ، ازدواج کرده و چند فرزند دارد . روزنامه ای را که او در آن کار میکند خود هندی ها ، به جهت روابط نزدیک آن با " پادشاه " معاملات کف یا گروه انحصاری (گوانکا Goenka) با اصطلاح مطبوعات کثیف مینامند . با وجود این هنرمند در این روزنامه مصرانه از موضوع عدالت اجتماعی و وفاداری به منافع خلق ، که از زمان جوانی مخصوص برای او عزیز بوده ، دفاع میکند . البته گرافیک ها و نقاشی های او در دفاع از ایدئال کارگران به سختی از صافی مصحح و سردبیر میگذرد . ولی آنها برای خواننده بسیار لازم و ضروری میباشد . به همین سبب هنرمند می آفریند و از حقیقت دفاع میکند و آنرا به خواننده میرساند . موضوعی را که مستقیماً از زندگی گرفته شده و برای نقاشی های موهان نمونه است ، بطور مثال ذکر میکنم .

چندی پیش در این ایالت تظاهرات عظیم دهقانی رویداد . شرکت کنندگان خواستار بالا بردن قیمت خرید توتونی شدند که خود آنها میکارند . در این روز آنها رفت و آمد را در تمام راهها فلج کردند . پلیس علیه تظاهرات کنندگان اسلحه بکاربرد . در نتیجه سه نفر کشته شدند . هنرمند بلافاصله پس از این رویداد های ترازیک با ترسیم یک کاریکاتور عکس العمل نشان داد .

موهان کاریکاتورهای خود را بمن نشان داد و تأکید کرد که متن زیر کاریکاتور همیشه مال خود او است . مصاحبین گفت : " اگر داکتور مخالف نقاشی من ویا متن آن باشد کوشش میکنم نظرم را بقبولانم و یا بطور کلی از چاپ و انتشار آن صرف نظر میکنم " . " هنرمند باید دارای موضعی اصولی و طبقاتی باشد " .

ر. سورتیان

از کارکنان اداره مجله

تجزیه و تحلیل سیاسی رامیا موز

۱۳ سال است که مرتباً مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " را میخوانم . در این مدت مهمترین رویداد در زندگی من ورود به حزب کمونیست سوریه بود ، و مهمترین رویداد در زندگی حزب چهارمین و پنجمین کنگره حزب و نیز تشکیل جبهه ملی مترقی است که حزب کمونیست سوریه هم در آن شرکت

دارد ، پروسه های دموکراتیزاسیون (اگرچه بشکل محدود) ، تصویب قانون اساسی و امضای قرارداد دوستی و همکاری میان سوریه و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را هم باید برآنها اضافه کرد .

مقالاتی که بوسیله نویسندگان از احزاب برادر نوشته میشود و وضع کشورهای خودشان را شرح میدهند بیش از همه در مجله جلب توجه میکند . این قبیل مطالب از لحاظ سیاسی و تئوریک فکرافضی ترمیم سازند و به فراگرفتن فن تجزیه و تحلیل هر خبری ، که از راه یومیشنوم و یا در روزنامه میخوانم کمک میکنند . البته این بمقدار زیاد ی بمقالات دیگر مجله نیز مربوط میشود .
من پیشنهاد های مشخصی برای بهتر کردن مجله دارم . مایلم مطالبی از نویسندگان انقلابی مشهور در مجله ببینم . خوب است اگر در مجله به رساله های مختصر و مقالاتی در باره تاریخ احزاب کمونیست و کارگری جایی داده میشد .

باسلام انقلابی
ابوفهد سوریه

تربیون واقعی انقلابیون

رفقای ارجمند !

من همه میخواهم سهم هر چند بسیار کوچکی در امر تکمیل هر چه بیشتر مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " ، نشریه تئوریک و اطلاعاتی مشترک احزاب کمونیست و کارگری ادا کنم .
برای نخستین بار من از مجله و اهمیت آن بوسیله مقاله ای در " عصر جدید " مجله هفتگسی شوروی (شماره ٣٨ ، سپتامبر ١٩٧٨) اطلاع حاصل کردم . طی چند سالی که مجله شما را آهونه شده ام و با دقت و توجه آنرا میخوانم یقین حاصل کردم که چقدر نویسندة مقاله ای که آنرا " تربیون انقلابیون " نامیده بود محق بود .

بعقیده من مضمون مطالب مجله نه فقط برای کمونیست ها ، بلکه برای تمام کسانی که دارای افکار مترقی هستند ارزش فراوان دارد . تبادل تجربه در باره کار تئوریک احزاب و مبارزه طبقه کارگر ، به فراگرفتن عمیق تو علم مارکسیستی - لنینیستی و انطباق عملی آن با مراعاتی پراتیک تاریخی جنبش کمونیستی بین المللی بر شرایط مشخص هر کشور کمک میکند . قدرت این جنبش و پیشرفت دائمی و همه جانبه آن ، در ریه کار برای اجرای وظائفی که در مقابل احزاب قرار دارد مارا نیرومند تر و قاطع تر میکند .

در ارتباط با مضمون مجله ، برای من مشکل است ، که این یا آن مطلب را از سایر مطالب جدا کنم . با وجود این مطالب مربوط به سمپوزیوم ها ، کنفرانس ها و سمینارهایی را که در آنها نمایندگان احزاب مختلف کمونیستی شرکت دارند میتوان بویژه یاد آورد . در اینها نه فقط تجار مبادله میشود که بسیار جالب است ، بلکه همچنین نتیجه گیریهای مشخصی میشود ، که گنجینه تئوریک جنبش کارگری و انقلابی بین المللی را غنی تر سازد .

ولی من در صفحات مجله آنچه را ، که بعقیده من هم برای نسل جوان وهم برای پیشکسوتان آزموه در مبارزات طبقاتی بسیار مهم است نمی بینم ، آنها مطالبی در باره زندگی و فعالیت برجسته ترین رهبران در تاریخ جنبش کمونیستی یعنی کسانی مانند ارنست تلمان ، گورگی دی میتروف یا المیرو تولیا تی ، مورس توروزوئیره است . بهتر میبود اگر این مطالب با عکسهایی هم همراه باشد .
من ١٥ سال در زندان بسر برده ام ، مرا بعلمت شرکت در مبارزه علیه فرانکسیم و ارتجاع به زندان انداخته بودند . عدة زیادی از رفقای من ، فرزندان شایسته خلق اسپانیا ، که من با آنها مشترکاً مصائب زیادی را تحمل شدیم ، بدست جلادان در بار فاشیستی قربانی شدند . ولسی آنها به ما و این فکرایمان داشتند ، که خونشان بی جهت ریخته شده است .

بیش از هر چیز آرزو میکنم ، که مجله شما در آینده هم با همین پیگیری و عزم راسخ خوانندگان را با تجارت و فعالیت روز افزون جنبش کمونیستی بین المللی آشنا سازد ، جنبشی که با کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی ضامن پیروزی در مبارزه با خطر صلح ، علیه امپریالیسم و مبارزه برای پیروزی اندیشه های سوسیالیسم و کمونیسم است .

من برای شما یکبار دیگر شور و شوق خستگی ناپذیر در کار آینده تان آرزو میکنم . سلام قلبی انقلابی و برادرانه مرا به تمام اعضاء شورای هیئت تحریریه ابلاغ نمائید .

ماریانو پارازا آویلس - اسپانیا

مجله به یافتن راه حل درست کمک میکند

من نمایندة فدراسیون دانشجویان پاناما هستم . در پاسخ خواهش شما از خوانندگان مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " که در باره مناسبات خود با مجله صحبت کنند ، این نکات را یاد آور میشوم :

اندیشه و تصورات مراد در باره مجله باید بمطابقت نظریات انسانی مورد توجه قرار داد ، که بمطالبی که در آن انتشار مییابد برای این مراجعه میکند تا مسائل بفرنج سیاسی وایدنولوژیست

رادركند .

من در سال ۱۹۲۶ با مجله شما وقتی آشنا شدم که برای نخستین بار يك شماره آنرا در فد راسیون دیدم . مقالات مربوط به مسائل ایدئولوژی و زندگی حزبی مورد توجه من قرار گرفت ، برای اینکه آنها در بسیاری از موارد در باره موضوعی بحث میکردند که مورد نظرم بود و كمك میکردند راحل صحیح مسائلی را که من و رفقایم در کار روزانه خود با آنها برخورد میکردیم پیدا کنیم .

اگر بطور کلی بگوئیم محتوای مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " موضوع دفاع از صلح ، آزادی ملی ، ساختمان سوسیالیسم و زندگی حزبی را خوب منعکس میکند . این يك نکته مثبت است ، زیرا به خواننده امکان میدهد ، مباحثی را انتخاب کند که بیشتر مورد علاقه اش هستند . بطور مثال برای من مسائل مربوط به نقش کمونیست ها ، شرکت آنها در جنبش روهی اعتلای صلح و مناسبات آنها با سایر نیروهای سیاسی بسیار مهم است . مطالبی که در مجله انتشار می یابند بطور محسوس سودمند میباشد .

بنظر من ، این نیز که مجله بخوانندگان ، از جمله در امریکای لاتین كمك میکند ، تا ارتباط

میان دفاع از صلح و مبارک برای آزادی ملی در قاره مارادرك نمایند ، از اهمیت فراوانی برخوردار است .

در باره جنبش دانشجویی باید گفت ، فکر میکنم ، که بدرك عمیق ارتباط میان مبارزه دانشجویی در راه ارضای خواستها و احقاق حقوق آنها و مبارک مشترک خلقها برای ساختمان جامعه ای عادلانه تر و تأمین زندگی بهتر در روی زمین كمك میکند . من این را بدان سبب میگویم که جنبش دانشجویی در پاناما چنین ارتباطی را دیگر درك کرده است و تصادفی نیست که جنبش بطور پیگیر علیه " حضور " امپریالیستی در کشور ما مبارزه میکند و از قرارداد های مربوط به کانال پاناما امضا شده توسط ژنرال متوفی عمر توروس پشتهبانی مینماید . مبارک نیروهای مترقی پاناما از پشتیبانی بین المللی گسترده ما و از جمله از طرف مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " برخوردار گردید .

من مدتی زیاد نیستم که خواننده مجله هستم ، ولی بدون ترس از اینکه اشتباه میکنم ، میتوانم بگویم : مجله طی ۲۵ سال موجودیت خود به احزاب و سازمانهای دموکرات و مترقی تمام جهان كمك جدی کرده است . مجله به مبارزه در راه صلح و خلع سلاح ، در راه آزادی ملی و اجتماعی بخوبی خدمت میکند . ضمن بیان این مطلب من فقط به تجارب خود تکیه نمیکنم ، بلکه به تجارب رفقای ارشد خود هم که تعداد زیادی از آنها در روزنامه نیروهای چپ بنام " پاناسو " کار میکنند و با مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " از روزی تا کنون آشنایند ، نیز تکیه میکنم .

ما عقیده داریم ، که مقالات مجله بطور کلی در سطح بالایی نگارش یافته اند و ضرورت وحدت

عمل نیروهای دموکرات و مترقی را خاطر نشان میکند و به درك مسائل گوناگونی که برای طبقه کارگر پدید میآید كمك میکند . در همین حال میخواهم تذکر دهم ، که برخی از مقالات برای خوانندگان که دارای آمادگی ایدئولوژیک اساسی نیستند ، قابل درك نمی باشند و همچنین اینطور تنظیم میسرند که شیوه درج مطالب بهش از حد خشک است . تصویرهای که مضمون مقالات گوناگون را برای دایره گسترده خوانندگان قابل درك نمایند کم است . شاید از این نقطه نظر لازم باشد در باره تنظیم و زینت برخی از انتشارات ملی فکری بشود .

تصور میکنم مسائلی که من مطرح کرده ام برای شما تا زگی نداشته باشند . ولی خود واقعیت مراجعه بخوانندگان ، بنظر من آنستد یسه بسیار خوبی است که به هیئت تحریریه مجله امکان میدهد از نظریات آنها استفاده کند ، تا مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " بتواند بهتر به منافع طبقه کارگر و احزاب پیشرو آن خدمت نماید .

در پایان سخن ، میخواهم به مجله بخاطر بیست و پنجمین سالگرد تأسیس آن تبریک و تهنیت بگویم . مایعین داریم که مجله در آینده هم نقش مهمتری ایفا خواهد کرد .

با سلام برادرانه — پاناما

خوزه کاستیلو

از شماره هشتم مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم "

سال ۱۹۸۳

مجله 'مسائل بین‌المللی' که هر دو ماه یکبار انتشار می‌یابد، به تشریح مسائل تئوریک و سیاسی جنبش جهانی کمونیستی و کارگری اختصاص دارد.

مندرجات این مجله از میان مقالات مجله 'مسائل صلح و سوسیالیسم' که نشریه تئوریک و اطلاعاتی احزاب کمونیست و کارگری و منعکس‌کننده نظریات و اندیشه‌های آنانست، انتخاب و ترجمه می‌شود.

در این شماره منتخبی از مقالات شماره‌های ۹ و ۱۰ (سپتامبر - اکتبر) سال ۱۹۸۳ مجله 'مسائل صلح و سوسیالیسم' به چاپ رسیده است.

**PROBLEMS OF
PEACE AND SOCIALISM**

Theoretical and Information Journal of Communist
and Workers' Parties throughout the world

No 9 , 10 1983